

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نگارش (۱)

رشته‌های ریاضی و فیزیک - علوم تجربی - ادبیات و علوم انسانی - علوم و معارف اسلامی

راهنمای معلم

پایه دهم
دوره دوم متوسطه

۱۳۹۵

منابع استعدادی آراش



ARAMS h20

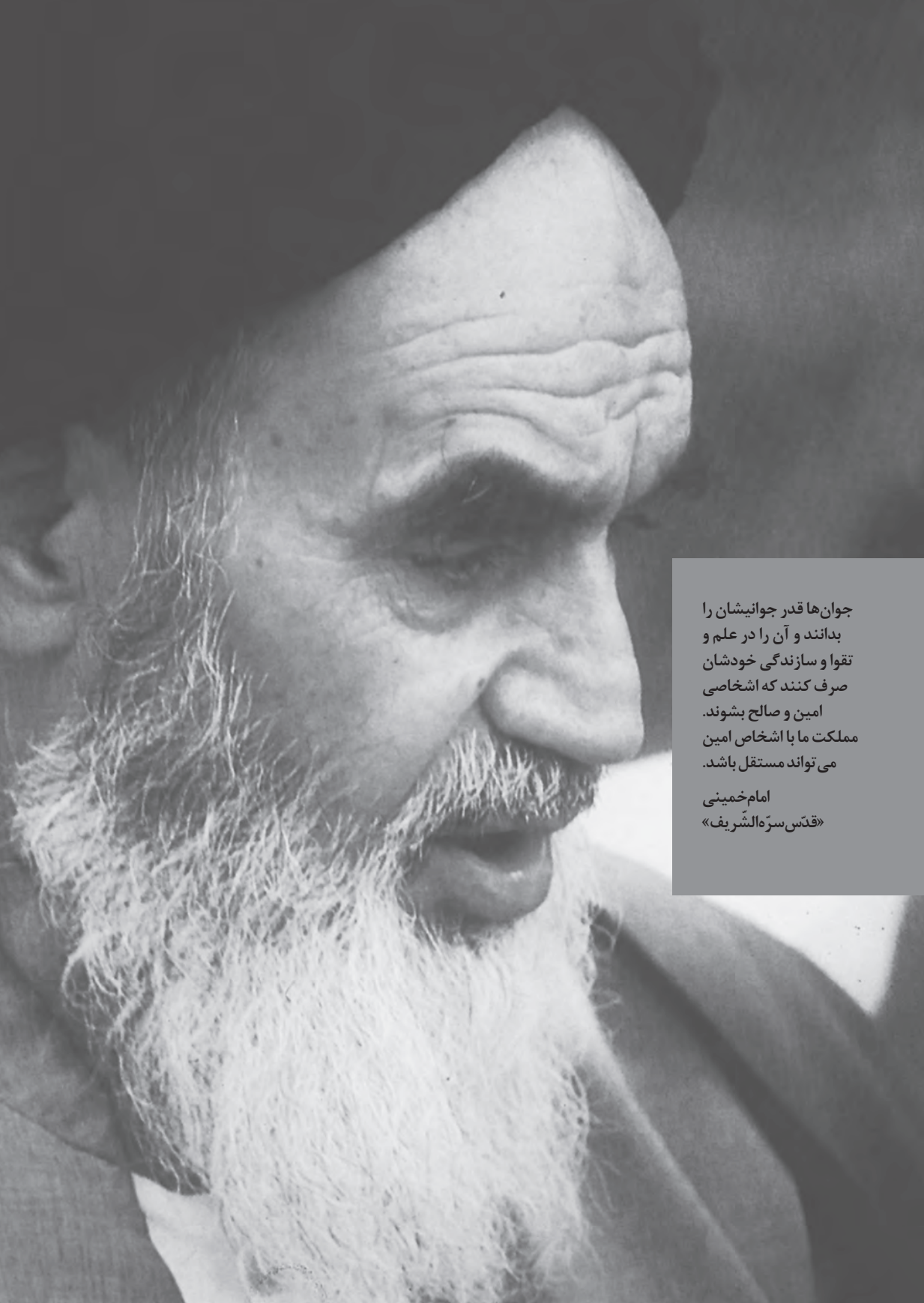
تمامی جزوات کانال رایگان می‌باشد.



وزارت آموزش و پرورش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

نام کتاب:	راهنمای معلم نگارش (۱) - پایه دهم دوره دوم متوسطه - ۱۱۰۳۷۱
پدیدآورنده:	سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف:	دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری
شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف:	حسین قاسم‌پورمقدم، معصومه نجفی‌پازکی، فریدون اکبری شلدرد و مرجان سجودی (اعضای گروه تألیف)
مدیریت آماده‌سازی هنری:	اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
شناسه افزوده آماده‌سازی:	لیدا نیک‌روش (مدیر امور فنی و چاپ) - شهرزاد قنبری (صفحه‌آرا) - مرضیه اخلاقی، بهناز بهبود، فاطمه صغری ذوالفقاری، شهلا دالائی، سپیده ملک‌ایزدی، حمید ثابت کلاچاهی، فاطمه رئیس‌یان فیروزآباد (امور آماده‌سازی)
نشانی سازمان:	تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی) تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹ وبگاه: www.irtextbook.ir و www.chap.sch.ir
ناشر:	شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران - تهران: کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش) تلفن: ۴۴۹۸۵۱۶۱-۵، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۳۹
چاپخانه:	شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»
سال انتشار و نوبت چاپ:	چاپ اول ۱۳۹۵

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس‌برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع بدون کسب مجوز ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.



جوان‌ها قدر جوانیشان را
بدانند و آن را در علم و
تقوا و سازندگی خودشان
صرف کنند که اشخاصی
امین و صالح بشوند.
مملکت ما با اشخاص امین
می‌تواند مستقل باشد.

امام خمینی
«قدس سره الشریف»

فهرست

بخش نخست: کلیات

۲	مبانی برنامه درسی حوزه یادگیری زبان و ادبیات فارسی
۲	رویکردهای حاکم بر برنامه درسی نگارش
۵	اهداف برنامه درسی - تربیتی
۷	ساختار و محتوا
۱۹	روش‌های یاددهی - یادگیری
۲۸	ارزشیابی

بخش دوم: بررسی درس‌ها

۳۲	درس یکم: پرورش موضوع
۴۹	درس دوم: عینک نوشتن





۵۹	درس سوم : نوشته های عینی
۶۹	درس چهارم : نوشته های گزارش گونه
۷۳	درس پنجم : نوشته های ذهنی (۱) جانشین سازی
۸۱	درس ششم : نوشته های ذهنی (۲) سنجش و مقایسه
۸۶	درس هفتم : نوشته های ذهنی (۳) ناسازی معنایی یا تضاد معنایی
۹۳	درس هشتم : نوشته های داستان گونه
۱۰۷	کتابنامه



برنام خداوند لوح و قلم تحقیقت نگار وجود و عدم

پیشگفتار

نویسنده با اراده آغاز می‌کند نه با موفقیت
من هر آنچه را به سود آرمانم، میهنم و مردمم بدانم، به زیباترین و عمیق‌ترین شکل ممکن
خواهم نوشت.

من آمده‌ام تا دینم را با نوشتن به دنیا بدهم، با صمیمانه نوشتن، مؤمنانه نوشتن، عاشقانه
نوشتن، صادقانه، صبورانه، آگاهانه و بی‌محابا نوشتن.

اراده به نوشتن چندان آسان نیست، در واقع اراده برای اجرای کارهای گران، همیشه با
درد توأم بوده است؛ چراکه کارهای بزرگ انسانی، در عین حال که شادی آفرین‌اند و گوارا، بسیار
دشواری و طاقت فرسا.

رساندن یک سنگ آسیا از پای کوهی دور به جایی که در آنجا آسیایی بنا خواهد شد، همان قدر
که آرام بخش است و دل‌نشین، دردآور است و کمرشکن.

نویسنده با اراده آغاز می‌کند نه با موفقیت و جنجال؛ در خلق و آفرینش آثار هنری تصادف
و بخت حضور ندارند. اراده به نویسندگی، گذشته از همه مسائل، نوعی تصفیه و تزکیه نفس است.

(نادر ابراهیمی، لوازم نویسندگی)



بخش نخست



کلیات



مبانی برنامه درسی حوزه یادگیری زبان و ادبیات فارسی

زبان و ادبیات فارسی، بازنمایانده اندیشه‌ها، باورها و شکوه فکر فرهیخته فرهنگ ایران است و چونان میراث ارزشمند نسل‌ها و سده‌ها، از گذشته به امروز، راه یافته است. برگ برگ فرهنگ و ادب فارسی را آثار منثور و منظومی تشکیل داده که بیانگر غنای اندیشه و بینش‌ورزی ایرانیان است. توجه به این موضوع حیاتی وظیفه حساس و خطیر برنامه‌ریزان درسی، به ویژه در قلمرو تعلیم و تربیت، به شمار می‌رود تا از طریق ایجاد فضاهای مناسب برای دانش‌آموزان، امکان آشنایی آنان با این ذخایر فرهنگی فراهم آید و برای رسیدن به مراتبی از حیات طیبه و نیکوتر زیستن، تجارب شایسته‌ای کسب شود.

یکی از مهارت‌های ضروری در دنیای کنونی، توانایی نوشتن است. انسان در زندگی اجتماعی نیاز به بازگویی سخن و ارتباط با هم‌نوعان خود دارد. نوشتن در کنار گفتن، از راه‌های ماندگارسازی کلام و بیان افکار است. نوشتن به سبب پیوستگی ناگسستنی‌اش با اندیشه و تفکر انسان، می‌تواند نقشی مهم در تقویت خلاقیت و کاربرد آن داشته باشد. بنابراین، با طراحی و تدوین برنامه درسی مناسب، می‌توان دانش‌آموزان را با این حوزه، آشنا و آنان را نسبت به پاسداری از میراث فرهنگی ترغیب کرد و در به کارگیری آموخته‌ها در زندگی توانمند ساخت.

رویکردهای حاکم بر برنامه درسی نگارش

«رویکرد» جهت‌گیری اساسی نسبت به فرایند یاددهی – یادگیری و ابعاد گوناگون آن در حوزه برنامه‌ریزی درسی است. در یک نگاه کلی، از دو منظر می‌توان به رویکرد نگریست: «برنامه درسی ملی» و «برنامه درسی زبان و ادبیات فارسی»

رویکرد عام

این رویکرد بر بنیاد «برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران»، یعنی شکوفایی فطرت توحیدی استوار است و تألیف و سازماندهی کتاب با توجه به عناصر پنجگانه (علم، تفکر، ایمان، اخلاق، عمل) و جلوه‌های آن در چهار عرصه (خود، خلق، خلقت و خالق) انجام گرفته است.

رویکرد ویژه

رویکرد ویژه یا خاص در برنامه درسی زبان و ادبیات فارسی، برای آموزش مهارت‌های نوشتاری، رویکرد مهارتی است.

رویکرد مهارتی

رویکرد اصلی برنامه در تألیف و سازماندهی محتوای آموزشی این دوره، «رویکرد مهارتی» است. یعنی توانایی نوشتن، مهارتی است که در پی آموزش، تمرین، تکرار، کار و نوشتار، کسب می‌شود. نوشتن یک هنر زبانی نیست بلکه مهارتی اکتسابی است. از این رو این درس، کاملاً ورزیدنی و عملی است.

دانستنی‌های حفظی این کتاب، بسیار اندک و ناچیز است؛ لذا توصیه می‌شود از کشاندن آموزش کتاب به سمت مباحث دانشی و حفظ کردن پرهیز گردد.

دانش‌آموزان باید در کلاس، فرصت نوشتن و بازنویسی و نقد نوشته‌های همدیگر را تجربه کنند. مناسب‌ترین راه، همین است. یکی از اصلی‌ترین دلایل کاهش حجم و تعداد درس‌ها ایجاد فرصت بیشتر برای تجربه‌های یادگیری است. کمتر حرف بزنیم و بیشتر به دانش‌آموزان برای نوشتن، فرصت بدهیم.

افزون بر رویکرد خاص، چند رویکرد فرعی نیز در تدوین و سازماندهی محتوا مورد توجه بوده است که عبارت‌اند از:

نمایه رویکردهای فرعی برنامه درسی

رویکرد کلی

رویکرد فعالیت محوری

رویکرد ارتباطی

رویکرد ساختاری

رویکرد تلفیقی

رویکرد کلی

بر اساس این رویکرد (روانشناسی گشتالت)، انسان هنگام برخورد با امور و پدیده‌ها ابتدا به کلّ آنها توجه می‌کند و پس از آن به اجزای سازنده کلّ می‌پردازد؛ به همین جهت در برنامه‌های درسی و مراحل یاددهی - یادگیری نیز باید نخست اشکال و صورت‌های کل را به دانش‌آموزان یاد بدهیم، سپس با استفاده از شیوه تجزیه کل به عناصر سازنده، اجزای آن را معرفی کنیم.

رویکرد فعالیت محوری

با توجه به اینکه بخش قابل توجهی از ماهیت درس نگارش، مهارتی است و از طریق این مهارت‌ها به جنبه‌های درونی و برونی فرد پرداخته می‌شود، سعی شده است در طراحی برنامه درسی فارسی متوسطه به طور متعادل به جنبه‌های مختلف وجودی دانش‌آموز این دوره توجه کافی شود و متناسب با آن، عناصر محتوا و فعالیت‌های یادگیری سازماندهی گردد.

رویکرد تلفیقی

از آنجا که درس‌های «نگارش» و «فارسی» ماهیتاً تلفیقی و درهم تنیده‌اند، سعی شده برنامه درسی به نحوی تلفیقی ارائه شود که در نهایت توانایی‌های ذهنی، درک و فهم، تجزیه و تحلیل، ترکیب و بازسازی، نقد و داوری، برقراری ارتباط با دیگران، ابراز وجود و بیان احساسات، افزایش قدرت خلاقیت و... تقویت گردد و همچنین تفکر خلاق و انتقادی دانش‌آموزان پرورش یابد.

رویکرد ساختاری

برنامه آموزش نگارش به گونه‌ای طراحی و تدوین شده که در نهایت، دانش‌آموز نسبت به ساختارهای تشکیل‌دهنده زبانی و نوشتاری آگاهی پیدا کند و از طریق مهارت در شناخت جنبه‌های توصیفی زبان، به معانی موجود در آن پی ببرد و بتواند در نوشتن، ساختار معیار زبان نوشته را به کار بگیرد.



رویکرد ارتباطی

در این رویکرد، کتاب نگارش وسیله‌ای برای فهم و پیام‌رسانی و برقراری روابط اجتماعی بین افراد تلقی می‌گردد و به جای توانایی زبانی و ادبی به توانایی ارتباطی و کنش‌های زبانی اهمیت داده می‌شود؛ در نتیجه، حس نیاز دانش‌آموز به بهره‌گیری از آثار زبان و ادبیات، رشد می‌یابد و امکان تعامل بین افراد و گروه‌ها افزوده می‌گردد.

مهم‌ترین نکته در این رویکرد این است که آموزه‌ها و رهیافت‌هایش به گونه‌ای است که هر دو رویکرد ساختاری و رویکرد نقش‌گرایی را در بر می‌گیرد. شاید بتوان رویکرد ارتباطی را برای دستیابی به مهارت ارتباط در قلمرو مهارت‌های زبانی، رویکردی کاملاً تلفیقی به شمار آورد. از این دیدگاه، همه توانایی‌های زبانی در پی پروردن خوب سخن گفتن و راحت نوشتن خواهد بود.

اهداف برنامه درسی – تربیتی

الف) شایستگی تفکر و تعقل

- تقویت تفکر و پرورش قوه قضاوت و ارزیابی منطقی؛
- ایجاد فرصت‌های مناسب در برنامه برای تربیت و پرورش شهروندانی با نگرشی عقلانی؛ ارتقای نگرش عقلانی دانش‌آموزان با طراحی فرصت مناسب؛
- ایجاد فرصت‌های مناسب در برنامه برای تربیت و پرورش تفکر خلاق و انتقادی؛ پرورش تفکر خلاق و انتقادی؛ با طراحی فرصت مناسب؛

- تقویت توانایی تفکر و افزودن بر توانایی‌های ذهن و زبان؛

ب) شایستگی ایمان

- تقویت علاقه به زبان، فرهنگ و ادبیات ایران اسلامی در میان دانش‌آموزان؛
- بهره‌گیری از مظاهر باورشناختی و ایمانی در نوشته‌ها؛
- تقویت علاقه و نگرش مثبت به مطالعه و کتاب‌خوانی؛
- تقویت علاقه و نگرش مثبت به کاربرد مهارت‌های نوشتن؛



■ ایجاد نگرش مثبت نسبت به استفاده از کلام بزرگان و توانایی به کارگیری آن در نوشتن؛

پ) شایستگی علم

- آشنایی با اصول و قواعد پرورش موضوع؛
- تقویت توانمندی در جذب و دریافت موضوعات از محیط پیرامون؛
- آشنایی با نوشته‌های عینی و ذهنی؛
- آشنایی بیشتر با روش‌های مبتنی بر «پرسش‌گری» با هدف خلق نوشته؛
- آشنایی با نوع نگاه به نگارش و قواعد درست‌نویسی جمله و عبارت؛
- آشنایی با سازمان‌دهی ذهنی برای نوشتن یک اثر؛
- آشنایی با ساختار و اجزای یک نوشته؛
- شناخت نمونه‌هایی از نوشته‌ها در قالب‌های گوناگون؛
- شناخت ابعاد زیبایی شناختی اشعار، مثل‌ها، حکایات و ...؛
- آشنایی با روش مقایسه به منظور گسترش دادن فکر؛
- آشنایی با شیوه جانشین‌سازی در خلق نوشته؛
- آشنایی با چگونگی گزارش‌گونه و داستان‌گونه نوشتن؛

ت) شایستگی عمل

- به کارگیری زبان معیارگفتاری؛
- توانایی برگرداندن زبان گفتار به زبان معیار؛
- توانایی خواندن متن، همراه با درک و فهم درون‌مایه آن؛
- توانایی بازشناسی متون، با توجه به ساختار و زبان نوشته؛
- توانایی ارزشیابی، نقد و تحلیل نوشته خود و دیگران؛
- توانایی بازآفرینی مثل‌ها؛

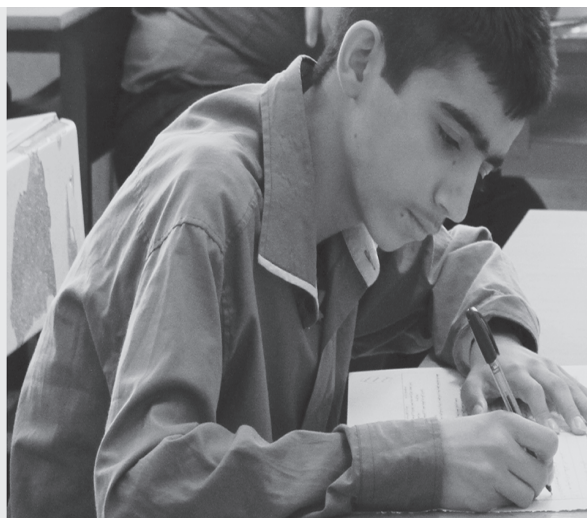
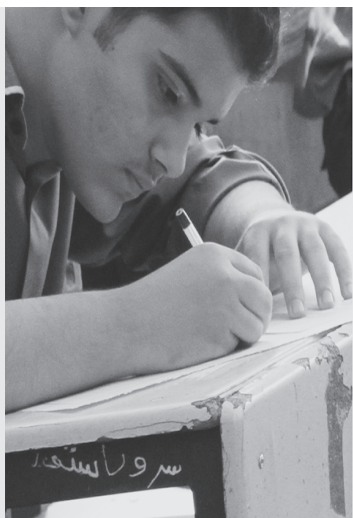
- توانایی بازنویسی حکایت‌ها؛
- توانایی بازپروری اشعار؛
- کسب مهارت در نقد منصفانه، براساس سنجه‌های معین؛
- کسب مهارت در گسترش متن؛
- خلق یک نوشته، با بهره‌گیری از روش جانشینی؛
- خلق یک نوشته، با بهره‌گیری از روش سنجش و مقایسه؛
- رعایت علائم سجاوندی (نشانه‌گذاری) در نوشته؛
- توجه به پاکیزه‌نویسی، خوش خطی و نداشتن غلط‌املائی در انشا؛
- رعایت نظم بخشی و انسجام متن نوشته؛
- طرح سؤالاتی مناسب برای نوشتن متن؛
- طرح سؤالاتی مناسب برای نوشتن گزارش؛
- درک ابعاد زیبایی‌شناختی نمونه‌های موجود و بهره‌گیری از آن در نوشته؛
- (ث) شایستگی اخلاق
- آشنایی با ارزش‌های فرهنگی، دینی، اجتماعی و اخلاقی ایران اسلامی؛
- تقویت علاقه‌مندی به رعایت اصول اخلاقی و منصفانه در نقد آثار؛
- تقویت فرهنگ نقدپذیری و تحمل سخن دیگران؛
- تلطیف احساسات و عواطف و رسیدن به التذاذ ادبی از راه مطالعه آثار ادبی.

ساختار و محتوا

کتاب نگارش دهم بخشی از برنامه آموزش مهارت نوشتن است که آغاز آن به دوره متوسطه اول برمی‌گردد. بنابراین برای آشنایی با این برنامه لازم است بازگشتی مختصر بر ساختار محتوای متوسطه اول داشته باشیم.

نگاهی به ساختار و محتوای کتاب «آموزش مهارت‌های نوشتاری» متوسطه اول

در کتاب آموزش مهارت‌های نوشتاری دوره متوسطه اول، علاوه بر نوشتن، به مهارت‌های شنیدن، سخن گفتن، درک متن و نقد و تحلیل توجه شده است. نقطه آغاز نوشتن در این کتاب، آموزش تفکر، طبقه‌بندی مطالب در ذهن و انسجام نوشتاری است. در ادامه برای آموزش نوشتن، چارچوب‌ها و روش‌هایی ارائه می‌شود. کتاب مهارت‌های نوشتاری شامل هشت درس است. در هر درس علاوه بر متن درس، تمرین‌های نوشتاری در سه بخش، با عنوان‌های «فعالیت‌های نگارشی»، «درست‌نویسی»، «تصویرنویسی»، «حکایت‌نگاری» و «مثل‌نویسی»، سازماندهی شده است. بنابراین هر درس شامل مواردی است که در نمایه صفحه بعد آمده است. در این نمایه مروری سریع بر مطالب کتاب‌های مهارت‌های نوشتاری دوره اول متوسطه شده است.



نمایه محتوای کتاب‌های دورهٔ اوّل متوسطه

	درس یکم	درس دوم	درس سوم	درس چهارم	درس پنجم	درس ششم	درس هفتم	درس هشتم
دورهٔ اوّل	نقشه نوشتن	طبقه‌بندی موضوع	کوچک‌تر کردن موضوع	بندهای بدنه	جمله موضوع	بند مقدمه، بند نتیجه	راهی برای نظم دادن به ذهن و نوشته	روشی برای نوشتن درباره موضوعات ذهنی
	آشنایی با سازمان‌دهی ذهنی برای نوشتن یک اثر تقویت توانایی طبقه‌بندی ذهن و نوشته	آشنایی با طبقه‌بندی موضوع تقویت توانایی تفکیک بندهای موضوع توانایی تشخیص «ریز موضوع»‌های یک نوشته	آشنایی با مهارت کوچک‌تر کردن موضوع و تقویت مهارت شناخت ریز موضوع‌ها در متن	شناخت جمله موضوع و جمله‌های تکمیلی و تقویت‌کننده و نقش آنها در بند نویسی	آشنایی بیشتر با جمله موضوع تقویت مهارت تولید بندهای با رعایت جمله موضوع و جمله‌های تکمیل کننده	آشنایی با بند مقدمه و بند نتیجه و تقویت مهارت در فضا سازی و تصویری کردن نوشته	تقویت مهارت نوشتن با طرح سؤالاتی مناسب برای تولید متن	آشنایی با طرح سؤال برای نوشتن دربارهٔ مفاهیم ذهنی
دورهٔ اوّل	مهندسی نوشتن	بیشتر بخوانیم، بهتر بنویسیم	نگاه کنیم و بنویسیم	گوش بدهیم و بنویسیم	با ستشش و مقایسه آسان‌تر بنویسیم	با جانشین سازی راحت‌تر بنویسیم	دگرگونه ببینیم و گونه گونه بنویسیم	افکار و گفتارمان را بنویسیم
	آشنایی با سازمان‌دهی ذهنی برای نوشتن یک اثر مروری بر محتوای پایهٔ هفتم	مطالعه کتاب همراه با درک و درون مایهٔ آن و آشنایی با این موضوع که هر تصویر، نگاه نقاشی و نگارگری و ... در واقع یک متن است.	آشنایی با سواد دیداری در خوب نوشتن. تقویت توجه به ویژگی های ظاهری.	تقویت حافظهٔ شنیداری از طریق خوب گوش دادن. تقویت مهارت شنوایی و بهره‌گیری از آن نوشتن.	آشنایی با شیوهٔ ستشش و مقایسه در نوشتن و تقویت توجه به جنبه‌های گوناگون یک بدیده.	آشنایی با شیوهٔ جانشین سازی در نوشتن.	آشنایی با نوشتن از طریق نگریستن از دیدگاه‌های مختلف به یک موضوع. توجه به مزایا، معایب، نکات، جالب‌یک موضوع و ...	آشنایی با کاربردهای زبان معیار و کاربردهای زبان گفتاری. تقویت توانایی برگرداندن زبان گفتار به زبان معیار.
دورهٔ اوّل	با ذهنی نظام مند و پرونده بنویسیم	واژه‌ها را بشناسیم، گزینش کنیم و به کار بگیریم	نوع زبان نوشته را انتخاب کنیم	فضا و رنگ نوشته را تغییر دهیم	نوشته را خوش آغاز کنیم، زیبا به پایان ببریم و نیکو نام گذاری کنیم	قالبی برای نوشتن برگزینیم	وسعت و عمق نوشته را بیش‌تر کنیم	نوشته را ویرایش کنیم
	مروری بر نقشهٔ ذهنی و راهای پرورش ذهن	اهمیت گسترش واژگان و بهره‌گیری از ظرفیت‌های شبکه معنایی، ناسازی معنایی، تنوع فعل‌ها	آشنایی با بافت زبانی «نوشته‌های عادی» و «نوشته‌های ادبی» شناخت ویژگی‌های زبان عادی و زبان ادبی	آشنایی با بافت زبانی و محتوایی نوشته‌های «طنز آمیز» و «غیرطنز». آشنایی با شنش شیوه و شگرد برای خلق فضای طنز در نوشته	آشنایی با روش‌های مناسب برای آغاز و پایان موفق یک نوشته	شناخت قالب‌های مناسب و مختلف نوشته مانند داستان، گزارش، زندگی‌نامه، سفرنامه، خاطره و نامه و ...	ایجاد نگارش مثبت نسبت به مطالعه کتاب، به منظور افزودن بر وسعت و عمق نوشته و بهره‌گیری از آیه، حدیث، مثل و ... در نوشتن	تأکید بر پرهیز از ویرایش نوشته در مرحلهٔ آزاد نویسی و تأکید بر اهمیت ویرایش در مرحلهٔ پیراسته نویسی.

مطالعهٔ کتاب مهارت‌های نوشتاری و دقت در مطالب آن به دیران محترم توصیه می‌شود.

اینک پس از آشنایی مختصر با ساختار کتاب مهارت‌های نوشتاری در متوسطهٔ اوّل، به معرفی

ساختار کتاب نگارش دهم می‌پردازیم.

آشنایی با ساختار کتاب نگارش دهم

برنامه آموزش مهارت نوشتن در متوسطه دوم با کتاب نگارش دنبال می‌شود. به بیان دیگر دانش‌آموزان با گذراندن دوره متوسطه اول، سطوحی از این مهارت را کسب کرده‌اند. برای آشنایی با ساختار کتاب نگارش دهم، ابتدا نگاهی به فهرست مطالب کتاب، که در نمایه صفحه بعد آمده است، خواهیم داشت.





چنان‌که ملاحظه کردید، کتاب نگارش دهم شامل هشت درس است. در هر درس علاوه بر متن درس، تمرین‌های نوشتاری در چهار بخش با عنوان‌های «کارگاه نوشتن»، «حکایت‌نگاری»، «مَثَل‌نویسی» و «شعرگردانی» سازماندهی شده است. بخش «هنجار نوشتار» نیز برای آشنایی بیشتر دانش‌آموزان با زبان معیار آمده است. نمایه زیر ساختار یک درس را نشان می‌دهد.

نمایه ساختار یک واحد یادگیری کتاب نگارش دهم

ساختار یک واحد یادگیری

حکایت‌نگاری

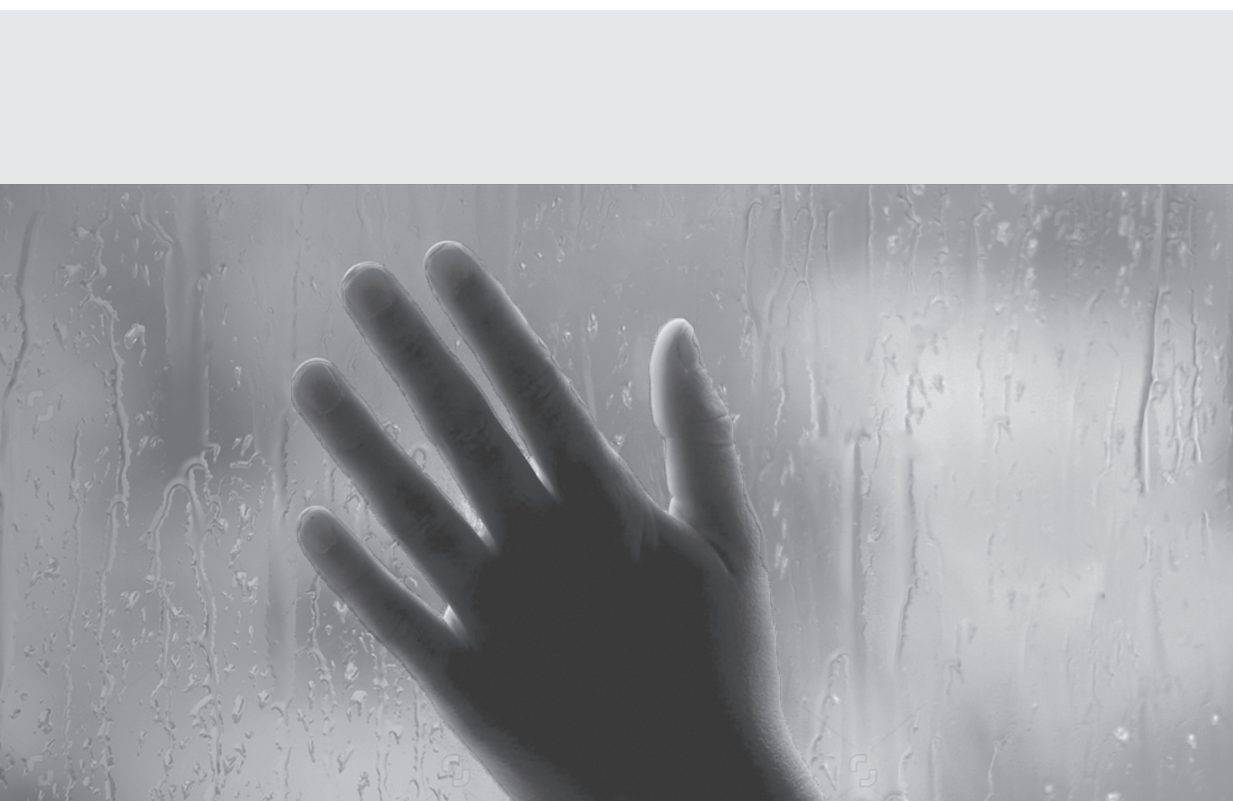
هنجار نوشتار

کارگاه نوشتن

متن و تصویر

مَثَل‌نویسی

شعرگردانی



۱ متن درس: اولین بخش هر درس محتوای آموزشی آن است که دانش‌آموزان را به صورت نظام‌مند با ساختار و اجزای نوشته آشنا می‌کند و چگونه نوشتن را با روش‌های مختلف به آنان آموزش می‌دهد. توضیح بیشتر درباره اهداف و محتوای متن درس در بخش دوم کتاب در بررسی درس‌ها ارائه می‌شود.

۲ کارگاه نوشتن: فعالیت‌های کارگاه نوشتن با نظامی علمی و منطقی آموزشی به دنبال هم آمده‌اند. در این بخش سه فعالیت طراحی شده است: شماره یک با هدف تقویت توانایی تشخیص، شماره دو با هدف پرورش توانایی نوشتن و تولید دانش‌آموزان و شماره سه با هدف تقویت توانایی بررسی متن، تحلیل و نقدنویسی.

■ فعالیت یکم

نخستین فعالیت نگارشی در حوزه بازشناسی قرار می‌گیرد و پاسخ این بخش اغلب همگراست. (پاسخ‌ها تقریباً یکسان و مربوط به متن درس است و دانش‌آموزان با فهم مطالب درس پاسخ آن را خواهند داد.) این پرسش میزان تشخیص و توجه و دریافت دانش‌آموزان را نسبت به آموزه‌های متن درس، ارزشیابی خواهد کرد.

■ فعالیت دوم

فعالیت نگارشی دوم در حوزه آفرینش قرار می‌گیرد و هدف از این بخش، پرورش توانایی نوشتن و تولید دانش‌آموزان است و این فعالیت واگراست. البته سنجه، معیار و موضوع نوشتن در هر درس بر بنیاد آموزه‌های همان درس استوار است. فعالیت نخست، برای تقویت دید بازشناسی و تشخیصی و فعالیت دوم با هدف پرورش توانایی آفرینش و تولید نوشتن و انشای دانش‌آموزان طراحی شده است.

■ فعالیت سوم

فعالیت سوم در قلمرو داوری، نقد و تحلیل قرار می‌گیرد. در این تمرین دانش‌آموزان از هم می‌آموزند، به هم آموزش می‌دهند و به دلیل داشتن زبان مشترک و احساسات نزدیک، بهتر می‌توانند مفاهیم را به یکدیگر تفهیم کنند و منتقل سازند. مبنای بررسی و نقد نوشته‌ها همان سنجه معیارهایی است که در تمرین هر درس، ذکر شده است. دانش‌آموزان در این فعالیت، نخست یاد می‌گیرند که با دقت به خوانش و قرائت نوشته‌های هم کلاسی خود گوش بدهند (ترتیب سواد شنیداری و افزایش درک شنیداری)، سپس بر بنیاد حافظه کوتاه مدت خود و البته یادداشت‌برداری، نقد و نظر خود را مکتوب کنند.

اهداف کارگاه نوشتن عبارت است از :

- تقویت توانایی بازشناسی (تشخیص) متون؛
- پرورش توانایی آفرینش نوشتاری، نوشتن و تولید؛
- افزایش توانایی بررسی متن، تحلیل و نقدنویسی؛
- تقویت توانایی اظهار نظر درباره افکار و اندیشه‌های بیان شده در نوشته دیگران؛
- کسب مهارت در کاربرد صحیح قواعد دستوری برای درست سخن گفتن و درست نوشتن به زبان فارسی معیار؛

- پرورش توانایی نقد و تحلیل و کاربست هر یک از آموزه‌های درس در نوشته دیگران؛
 - کسب مهارت در کاربرد صحیح کلمات در مناسبات اجتماعی و در مکاتبات؛
 - تقویت مهارت در کاربرد صحیح کلمات، ترکیبات و اصطلاحات هر پایه؛
 - کسب مهارت و توانایی استفاده از زبان معیار؛
 - کسب مهارت در بیان افکار و اندیشه‌ها به صورت نقد و ارزیابی آثار؛
 - توانایی فرضیه‌سازی، استدلال و نتیجه‌گیری درباره محتوا و پیام متن.
- ۳ حکایت نگاری :** در حکایت نگاری، تأکید بر بازنویسی به زبان ساده و ساده‌نویسی است. بخش حکایت نگاری با هدف بارورسازی ذهن و زبان، آشنایی با متون و حکایات کهن، پرورش حافظه و تقویت توان خوب سخن گفتن و زیبا نوشتن در کتاب گنجانه شده است. بازنویسی یکی از روش‌های دست‌ورزی برای کسب مهارت‌های نوشتاری است. همچنین برای حفظ و گسترش بن‌مایه‌های حکمت و فرهنگ به منزله یک پل ارتباطی است. در حکایت نگاری باید مجالی ایجاد کرد تا دانش‌آموزان، آزادانه و با اندیشیدن و مشورت کردن در فضایی پراز نشاط و آرامش به نوشتن بپردازند.

اهداف حکایت‌نگاری عبارت‌اند از :

- گسترش نوشته از راه ساده‌نویسی؛
- تقویت سواد ادراکی دانش‌آموزان و درک و فهم مناسب متون کهن؛
- تقویت شناخت ساختار زبان فارسی معیار و به کارگیری صحیح آن در حکایت‌نگاری به زبان ساده؛
- ایجاد فرصت برای ساده‌نویسی از طریق حکایت‌ها؛
- کسب مهارت در نوشتن از طریق دست‌ورزی در بازنویسی حکایت‌ها؛

- آشنایی با مضامین حکایات کهن فارسی؛
- ایجاد علاقه و تعلق بیشتر نسبت به تاریخ و فرهنگ ایرانی و اسلامی؛
- آشنایی عینی و علمی دانش‌آموزان با تفاوت‌های زبان فارسی قدیم و جدید.

نمایه حکایت نگاری کتاب نگارش پایه دهم

حکایت نگاری

درس یکم

سگی بر لب جوی استخوانی یافت. چندان که در دهان گرفت، عکس آن در آب بدید. پنداشت که دیگری است. به شره (طمع) دهان باز کرد تا آن را نیز از روی آب برگیرد. آنچه در دهان بود، به باد داد.

(کلیله و دمنه)

درس هفتم

چون یونس (ع) از شکم ماهی نجات یافت، متفکر بود و کمتر سخن می‌گفت. یکی از موجب سکوت و خاموشی پرسید. گفت: سخن، مرا در حبس شکم ماهی انداخت تا وجودم در وحشت، شمع‌وار بگداخت. خاموشی با سلامت به از گفتن با ملامت.

(نگارستان)

درس چهارم

یکی از حکما را شنیدم که می‌گفت: هرگز کسی به جهل خویش اقرار نکرده است، مگر آن کس که چون دیگری در سخن باشد، همچنان ناتمام گفته، سخن آغاز کند.

سخن را سراسر است ای خردمند و بُن میاور سخن در میان سخن خداوند فرهنگ و تدبیر و هوش نگوید سخن تا نبیند خاموش

(گلستان سعدی)



۱۴ **مثَل نویسی:** در مثَل نویسی، بازآفرینی و گسترش دادن و افزودن بر شاخ و برگ اصل نوشته، مورد تأکید است و هدف از این بخش بهره‌گیری از تخیل، فضاسازی و تولید مضمونی نو بر پایه ضرب‌المثل‌هاست.

ضرب‌المثل‌ها در افزایش توان سخنوری و قدرت نویسندگی، از کارمایه و نیروی شگرفی برخوردارند. اگر در ساخت برونی و ظاهر، کوه نوشته و عبارتی بیش نیستند اما سرشار از معنایند و جهانی در پس خود دارند. به دلیل همین دو ویژگی برای پویاسازی ذهن و زبان، بهره‌گیری از

ضرب‌المثل‌ها را شگردی بسیار کارا و اثربخش می‌دانیم.

ریشهٔ تاریخی و داستانی برخی از ضرب‌المثل‌ها در دسترس است اما هدف از این بخش، پژوهش دربارهٔ ریشهٔ تاریخی ضرب‌المثل‌ها نیست بلکه هدف این است که هر دانش‌آموز از دریچهٔ چشم خود به موضوع نگاه کند و به باز آفرینی مَثَل و بازسازی واقعه و فضا و رویداد آن بپردازد.

اهداف مَثَل‌نویسی عبارت‌اند از :

- گسترش نوشته از راه بازآفرینی.
- آشنایی با نمونه‌هایی از ضرب‌المثل‌ها و آموزه‌های حکمی آنها.
- بهره‌گیری از ظرفیت معنایی و تصویری مَثَل‌ها برای بهتر نوشتن.
- کسب مهارت در برقراری ارتباط صحیح بین متون ادبی و موضوعات اجتماعی و سبک زندگی.
- کسب مهارت در نوشتن از طریق به‌کارگیری قدرت باز آفرینی مَثَل‌ها.
- تقویت ذهنی و زبانی از طریق مَثَل‌ها.

نماینده مَثَل‌نویسی (باز آفرینی مَثَل)

- | | |
|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------|
| <p>از تو حرکت، از خدا برکت.
آب که یک جا ماند، می‌گندد.
کار نیکو کردن از پر کردن است.
باد آورده را باد می‌برد.
تو نیکی می‌کن و در دجله انداز.</p> | <p>درس دوم</p> |
| <p>هر که در پی کلاغ رود، در خرابه منزل کند.
دل که پاک است، زبان بی‌پاک است.
خفته را خفته، کی کند بیدار؟
زبان سرخ، سر سبز می‌دهد بر باد.
درخت هرچه بارش بیشتر می‌شود، سرش فروتر می‌آید.</p> | <p>درس پنجم</p> |
| <p>با ماه نشینی، ماه شوی، با دیگ نشینی، سیاه شوی.
تهی پای رفتن، به از کفش تنگ.
جایی که نمک خوردی، نمکدان مشکن.
فلفل نبین چه ریزه، بشکن ببین چه تیزه.
شاهنامه، آخرش خوش است.</p> | <p>درس هشتم</p> |

۵ شعرگردانی: شعرگردانی، یعنی درک گستردگی ظرفیت‌های شعر و پیوند آن با نوشتن. لازمه خوب نوشتن در این بخش، دقت در ویژگی‌های زبان شعر و درک زیبایی اشعار است. به همین منظور ابتدا لازم است دانش آموز متن شعر را، که ارکانش اغلب بنا بر ضرورت‌های شعری (وزن، قافیه، صناعات ادبی و بلاغی) جابه‌جا یا حذف شده‌اند، مرتب سازد. در این صورت درک محتوای شعر برایش آسان‌تر خواهد شد. در این بخش، برداشت دانش‌آموز از محتوای شعر مبنای تراوش ذهن او در نگارش می‌گردد و برایش فرصتی جهت ابراز خلاقیت ایجاد می‌شود.

اهداف شعرگردانی عبارت‌اند از:

- فراهم نمودن فرصت تفکر؛
- شکل‌گیری نظام ذهنی منطق زبان نوشتار (تنبیت در ذهن نویسنده متن)؛
- توانایی درک گستردگی ظرفیت‌های شعر؛
- توانایی درک زیبایی اشعار؛
- شناخت دقیق ویژگی‌های زبان شعر.
- پرورش توانایی نوشتن و رشد خلاقیت ذهن؛
- کمک به درک بهتر متن؛
- برقراری ارتباط ساده‌تر با محتوا (متن)
- فراهم کردن فرصت برای دست‌ورزی بیشتر فراگیران در قلمرو نوشتن؛
- آشنایی با جابه‌جایی یا حذف ارکان جمله در شعر، که از ویژگی‌های آن است.

شعرگردانی (درک و نگارش)

درس سوم ایستاده‌ام، ایستاده‌ای، ایستاده‌ایم، جنگلی‌ام؛ تن به صندلی شدن نداده‌ایم.

غلامرضا بکناش



مگر دیده باشی که در باغ و راغ
یکی گفتش، ای کرمک شب فروز
بین، کاشی کرمک خاکزاد
که من روز و شب جز به صحرانی‌ام

بتابد به شب کرمکی چون چراغ
چه بودت که بیرون نیایی به روز
جواب از سر روشنایی چه داد:
ولی پیش خورشید، پیدا نی‌ام

سعدی، بوستان، باب سوم

درس ششم



۶ **هنجار نوشتار** : این بخش در کتاب، با هدف آموزش قواعد و هنجارهای نوشتن و آشنایی با کاربرد درست واژه‌ها، گنجانده شده است. طبیعی است که پس از یادگیری این نکات، به هنگام نوشتن، این هنجارها رعایت شود.

اهداف هنجار نوشتار عبارت‌اند از :

- آشنایی و آموزش هنجارهای نوشتن در زبان فارسی معیار؛
- تقویت مهارت در کاربرد درست کلمات و ترکیبات؛
- کسب مهارت در نوشتن جمله‌های ساده و کوتاه؛
- کسب مهارت در کاربرد صحیح کلمات متناسب با بافت؛
- کسب مهارت در کاربرد ابزارهای زبانی انسجام متن نوشتاری؛
- پرورش شناخت ساختار زبان معیار.

نمایه هنجار نوشتار

هنجار نوشتار	
درس یکم	به کارگیری جمله‌های کوتاه در نوشته
درس دوم	توجه به ارتباط معنایی واژه‌ها
درس سوم	کاربرد مناسب واژه‌ها
درس چهارم	کاربرد واژه‌ها با توجه به فضای حاکم بر نوشته (فضای عینی و ذهنی)
درس پنجم	ابزارهای انسجام متن : ارتباط معنایی، کاربرد درست واژه‌ها
درس ششم	ابزارهای انسجام متن : نشانه‌هایی که نقش افزایشی دارند.
درس هفتم	ابزارهای انسجام متن : نشانه‌هایی که مفهوم «تقابل» دارند.
درس هشتم	ابزارهای انسجام متن : نشانه‌هایی که نقش سببی دارند.



روش‌های یاددهی - یادگیری

یکی از نکات مهم در این برنامه به کار بردن روش تدریس مناسب و مرتبط با نوشتن است. اهمیت این مطلب در این است که زمینه نوشتن، تفکر است و روش‌های تدریس فعال و اکتشافی (دریافت مفهوم، حل مسئله، تفکر استقرایی و...) می‌تواند دانش‌آموزان را به چالش ذهنی بکشد و آنها را به تفکر وادارد.

روش تدریس پیشنهادی دروس در فصل دوم کتاب برای هر درس ارائه شده است. در اینجا نیز به معرفی چند روش تدریس می‌پردازیم. دبیران محترم می‌توانند متناسب با موضوع درس، فضای کلاس و دانش‌آموزان خود، از این روش‌ها استفاده کنند. توجه داشته باشید که روش‌ها در کاربریشان انعطاف کافی دارند و شما می‌توانید مراحل آن را، با توجه به موضوع تدریس، متناسب‌سازی کنید.

روش بارش فکری

بارش فکری (brainstorming) را ظاهراً نخستین بار، شخصی به نام «الکس اس اسبورن» در سال ۱۹۳۸ به کار گرفت، که به اسامی دیگری مانند بارش افکار، طوفان فکری و طوفان ذهنی نیز خوانده می‌شود. این روش یکی از معروف‌ترین روش‌های ایجاد خلاقیت است.

بارش فکری یک روش گروهی است و شرکت‌کنندگان در مورد یک مسئله یا مشکل به صورت گردشی تراوش‌های فی‌البداهه فکری خود را بیان می‌کنند. یک نفر، مدیریت و هدایت بحث را بر عهده می‌گیرد و یک نفر هم زایش‌های ذهنی ارائه شده را روی تخته یادداشت می‌کند.

این روش دو مرحله دارد :

■ **زایش و بارش فکر :** هدف از این مرحله تولید افکار و اندیشه‌های فراوان است که از سوی شرکت‌کنندگان بیان می‌شود. در مرحله تولید فکر، هنجارهایی وجود دارد که همه شرکت‌کنندگان باید رعایت کنند :

■ پرهیز از داوری - هیچ فکر و نظری نباید مورد قضاوت، ارزیابی و انتقاد قرار گیرد.

■ نوبر بودن فکر - هر چه افکار تازه‌تر، دور از ذهن، بکر و جسورانه باشند، ارزش بیشتری

دارند.

■ باروری ذهن – هر چه میزان افكار و طرح نظرات نو بيشتر باشد، بهتر است.
 ■ ايجاد فرصت – تا زماني كه افراد گروه ديدگاه‌هاي تازه‌اي براي طرح كردن دارند، جلسه بارش افكار امتداد مي‌يابد.

۲ ■ **سنجش اندیشه‌ها:** در اين مرحله، افكار مطرح شده مورد ارزيابي قرار مي‌گيرند. در صورت لزوم، نسبت به آنها حذف، کاهش يا تركيب اعمال مي‌شود يا فكري جديد و كامل‌تر به وجود مي‌آيد و در نهايت ايدهاي برتر انتخاب مي‌شوند و مورد استفاده قرار مي‌گيرند.
 شيوة اجرا: معلم، پس از تعيين كردن موضوع نوشتن، از دانش‌آموزان مي‌خواهد تا هر كلمه مرتبط را كه با توجه به موضوع انشا به ذهنشان مي‌رسد، يادداشت كنند. سپس با هر واژه، جمله‌اي بسازند. از كلمات تكراري و ساخت جمله‌هاي شبیه به هم، بايد پرهيز شود. در پايان، جمله‌هاي ساخته شده را با رعايت نظم منطقي و انسجام معنایی در بي هم بچينند و متن نوشته را كامل كنند.

روش حل مسئله

يکي ديگر از روش‌هاي مناسب آموزش نگارش و انشا «روش حل مسئله» است. در اين روش، مسئله‌اي مطرح مي‌شود كه مثلاً مي‌تواند از گرفتاري قهرمان قصه آغاز شود. دانش‌آموزان به توصيف و تبين مسئله مي‌پردازند و راه‌حل يا راه‌حلهايي براي آن پيدا مي‌كنند. پس از بحث و گفت‌وگو، معلم نظر خود را درباره حل مشكل قهرمان داستان بيان مي‌كند.
 دانش‌آموزان علت وقوع حوادث را در قصه‌ها بررسي و ارتباط علت و معلولي وقايع را كشف مي‌كنند. ايدها و نظرهاي مختلف را، ضمن تطبيق با يكديگر، مورد مقايسه قرار مي‌دهند و نتايج داستان‌ها را پيش‌گويي مي‌كنند. مطالب ذكر شده مي‌تواند در دو گونه بياني (گفتاري و نوشتاري) مطرح شود. در اين دوره مي‌توان از دانش‌آموزان خواست تا درباره شنیده‌ها يا خوانده‌هاي خود به قضاوت و داوري بپردازند.

مراحل روش حل مسئله، مبتني بر الگوي «جان ديوي»

۱ ■ مشخص كردن موضوع يا مسئله؛

۲ ■ جمع‌آوري اطلاعات براي ساخت فرضيه؛

۳ ■ فرضيه‌سازي؛

۴ آزمایش فرضیه‌ها؛

۵ نتیجه‌گیری، تعمیم و کاربرد.

مراحل روش حل مسئله، مبتنی بر الگوی «جورج پولیا»

الف) درک و فهم موضوع یا مسئله؛

ب) نقشه‌کشی یا طراحی برای حل مسئله؛

پ) اجرای نقشه و راهبردهای انتخاب شده؛

ت) بازنگری و بررسی.

مدرسه، مطابق با الگوی حل مسئله، دانش‌آموزان را در موقعیتی قرار می‌دهد که بتوانند گمانه‌ها و پندارهای خود را از راه جست‌وجو، کاوش و به کمک شواهد موجود و گردآوری شده، بیازمایند و شخصاً از آنها نتیجه‌گیری کنند و ضمن رسیدن به هدف موردنظر، از روش‌های دانش‌اندوزی و جمع‌آوری اطلاعات نیز آگاه شوند.

در روش حل مسئله شاگرد، محور فعالیت است و اطلاعات علمی مستقیماً به او انتقال داده نمی‌شود. معلم با طرح موضوع و مسئله، شاگرد را به فعالیت وادار می‌دارد و برای حل مسئله او را راهنمایی می‌کند. بین شاگردان روابط میان‌گروهی وجود دارد و انتقال، دو سویه (بین معلم و شاگرد) است و شرایط و منابع آموزشی منحصر به کلاس و کتاب درسی نیست. الگوی حل مسئله به زمان، مکان، امکانات و معلمان با تجربه نیازمند است.

مراحل اجرا در الگوی حل مسئله

کلاس به گروه‌های پنج یا شش نفره تقسیم می‌شود :

۱ موضوعی برای نوشتار طرح می‌شود.

۲ دانش‌آموز با کمک و هدایت معلم، اطلاعات مورد نیاز برای آن موضوع را از طریق گفت‌وگو، مطالعه، مشاهده و راه‌های دیگر گردآوری می‌کند.

۳ شاگردان راه‌حل‌های احتمالی را حدس می‌زنند و فرضیه‌سازی می‌کنند. در این مرحله شاگردان ناگزیرند به تفکر و هم‌اندیشی بپردازند.

۴ شاگردان باید اطلاعات و شواهد موجود را مورد بررسی و تحلیل قرار دهند و عواملی را که به پذیرش یا ردّ گمان‌ها منجر می‌شوند، مشخص کنند.

۵ نتیجه‌گیری، اساس این الگوست و شاگرد باید پیش‌بینی کند که نتایج به‌دست آمده، تا چه اندازه به موارد جدید قابل تعمیم است، ضمن اینکه دانش به‌دست آمده را در حل مسائل به کار گیرد.

در این الگو، همه شاگردان با همدیگر و نیز با معلم در ارتباط‌اند و نقش معلم، نقش مشاوره و راهنمایی است.

روش روشن‌سازی طرز تلقی (برخورد و زایش اندیشه‌ها)

شیوه برخورد افراد در مؤثر بودن و رضایتمندی‌شان، عمیقاً اثر دارد. از این رو، طرز برخوردها بخش مهمی از یادگیری احساس اجتماعی محسوب می‌شود. بسیاری از افراد شیوه برخورد را یک مسئله شخصی می‌پندارند ولی چنانچه بتواند طرز برخوردشان را آزادانه مورد بررسی قرار دهند، قادر خواهند شد با بینشی که کسب می‌کنند رفتار خویش را به سامان آورند و درخواست بابت که شیوه برخوردها در کیفیت عملشان تأثیرگذار است.

مراحل روش طرز تلقی:

مرحله اول — خودسنجی: در این مرحله، فراگیران تلاش می‌کنند به پرسش‌های کتبی معلم به تنهایی و به طور خلاصه پاسخ دهند و توان فکری و نوشتن خود را در رویارویی و برخورد با موضوع و مسئله، بسنجند.

مرحله دوم — ارزشیابی و رتبه‌بندی فردی: معلم همان سؤالات مرحله اول را به صورت پرسش‌نامه چندگزینه‌ای (۴-۵-۶... گزینه‌ای) به فراگیران می‌دهد. هر فراگیرنده به صورت فردی گزینه‌ها را براساس مناسب‌ترین نظراتش رتبه‌بندی می‌کند. مناسب‌ترین نظر، در پرسش‌نامه ۵ گزینه‌ای رتبه ۵ و همین‌طور رتبه‌های دیگر ۴، ۳، ۲، ۱ تعیین می‌شود.

مرحله سوم: بررسی گروهی و یافتن مناسب‌ترین دیدگاه: افراد هر گروه به گروه خود باز می‌گردند و پس از نقد و بررسی، مناسب‌ترین گزینه را انتخاب می‌کنند. ممکن است در بین گروه، برای یافتن مناسب‌ترین پاسخ، اختلاف دیدگاه وجود داشته باشد که کاملاً طبیعی است. در چنین حالتی نوع مدیریت معلم یا رهبر گروه و تدبیر مناسب وی برای یافتن مناسب‌ترین پاسخ بهترین نظر است. البته هدف اصلی همین است که این اختلاف دیدگاه‌ها و نظرها به صورت آموزشی و علمی

بررسی و حل شود و دانش‌آموزان هم چگونگی برخورد با نظرات مخالفان را در جمع خود تجربه کنند و تحمل شنیدن سخن دیگران را در خود پروراند. چنین تجربه و تحملی برای دانش‌آموزان مفید و آرام‌بخش خواهد بود.

مرحله چهارم: طراحی کارنما برای گزارش‌فرایند: معلّم، در حالی که دانش‌آموزان مرحله سوم را اجرا می‌کنند، کارنما یا جدول گزارش را طراحی می‌کند. این کارنما می‌تواند روی تخته یا برگه‌ای طراحی شود و در حقیقت شیوه‌نامه عملکرد گروه خواهد بود.

مرحله پنجم: تدوین نقد و گزارش: در این مرحله، معلّم با کمک گروه‌ها مناسب‌ترین پاسخ هر گزینه را بر پایه اکثریت آرا و استدلال گروه‌ها و افراد، برمی‌گزیند. معلّم می‌تواند ستون آخر جدول را نیز به بیان دیدگاه خود اختصاص دهد.

مهم‌ترین بخش این روش، تهیه سؤالاتی چندگزینه‌ای است که قابلیت درجه‌بندی دارند و دانش‌آموزان می‌توانند آنها را درجه‌بندی کنند. بهتر است سؤالات واگرا باشند تا دانش‌آموزان درجه‌بندی‌های متفاوتی را انجام دهند.

دانش‌آموزان در مرحله نقد و بررسی از نظر خود دفاع می‌کنند و برای پندار و فرضیه خود، دلیل می‌آورند. هدف این روش هم آن است که دانش‌آموزان بتوانند مهارت‌های زیر را کسب کنند: فرضیه‌سازی، خود ارزشیابی، صحبت کردن، گوش دادن، دلیل آوردن، احترام به گروه، آزادی بیان و رأی‌گیری و در مرحله آخر، نقد کردن نظر دیگران، توانایی شنیدن دیدگاه مخالف و تحمل نظر دیگران.

روش بحث گروهی

در صورتی که پرسش و پاسخ از حالت دو طرفه بین معلّم و دانش‌آموز یا دانش‌آموز و دانش‌آموز درآید و معلّم موضوع مشخصی را در کلاس طرح کند تا دانش‌آموزان درباره آن با هم به مشورت و رایزنی پردازند، روش بحث گروهی به کار گرفته شده است. این روش از جمله روش‌های فعال و مشارکتی در امر آموزش به شمار می‌رود. در این روش، دانش‌آموزان در گروه‌های مختلف طبقه‌بندی می‌شوند و با هدایت معلّم به بحث و گفت‌وگو می‌پردازند.

اهمیت این روش، با توجه به ماهیت زبان و ادبیات فارسی، زمانی روشن می‌شود که نمایندگان هر

گروه نظر خود را بیان کنند و ضمن گوش دادن به اظهارات دیگر گروه‌ها، به نقد و تحلیل پردازند و در آن نیز تسلط پیدا کنند. گروه‌بندی مناسب، کنترل زمان، هدایت و رهبری گروه‌ها، طرح موضوعات مناسب و... از جمله شرایط اساسی برای به‌کارگیری این روش است.

توجه: از این روش در پاسخ به فعالیت‌ها هم می‌توان بهره گرفت، اما به این نکته باید توجه داشته باشیم که در این درس، مرحله‌اندیشیدن و تفکر درباره موضوع به صورت همفکری، مشورت، رایزنی و هم‌اندیشی است، ولی هنگامی که قرار است مرحله نوشتن آغاز شود، کار گروهی به کارفردی تبدیل می‌شود و از اینجا به بعد، هر کس مسئول سامان دادن ذهن و نوشته خویش است و همین مرحله است که مبنای ارزشیابی قرار می‌گیرد.

روش قصه‌نویسی و نمایش خلاق

در این دوره تحصیلی، به‌ویژه در کتاب فارسی و آموزش مهارت‌های نوشتاری، می‌توان به تناسب سن نوجوانی از نمایش و قصه‌نویسی به خوبی استفاده کرد. برخی از دروس به گونه‌ای سازماندهی شده‌اند که با هدایت معلم می‌توان مفاهیم مورد نظر را به صورت عینی و محسوس به نمایش گذاشت. این روش‌ها چنانچه با بحث و تبادل نظر و ارزشیابی در کلاس توأم شود، می‌تواند عالی‌ترین اهداف آموزش این درس‌ها را محقق سازد. بخشی از این اهداف عبارت‌اند از: ایجاد برقراری ارتباط انسانی و عاطفی، نظم‌بخشی به افکار و گفتار، پرورش قوه تفکر، استنتاج، رشد و شکوفایی خلاقیت و استعدادهای زبانی و ادبی.

برای اجرای عملی و کاربردی این روش بهتر است متن داستانی را براساس عناصر زیر کالبدشکافی کنیم:

■ شخصیت یا شخصیت‌ها

■ زاویه دید

■ زمان داستان

■ مکان داستان

■ رویدادهای مهم

■ درون مایه و محتوای اثر.

به کارگیری این روش در نوشتن یا اجرای نمایش و پذیرفتن نقش‌ها، هم شیوه بررسی ساختار و محتوا را آموزش می‌دهد و هم دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که در تولید چنین متن‌هایی آنها نیز این عناصر و چارچوب را رعایت کنند.

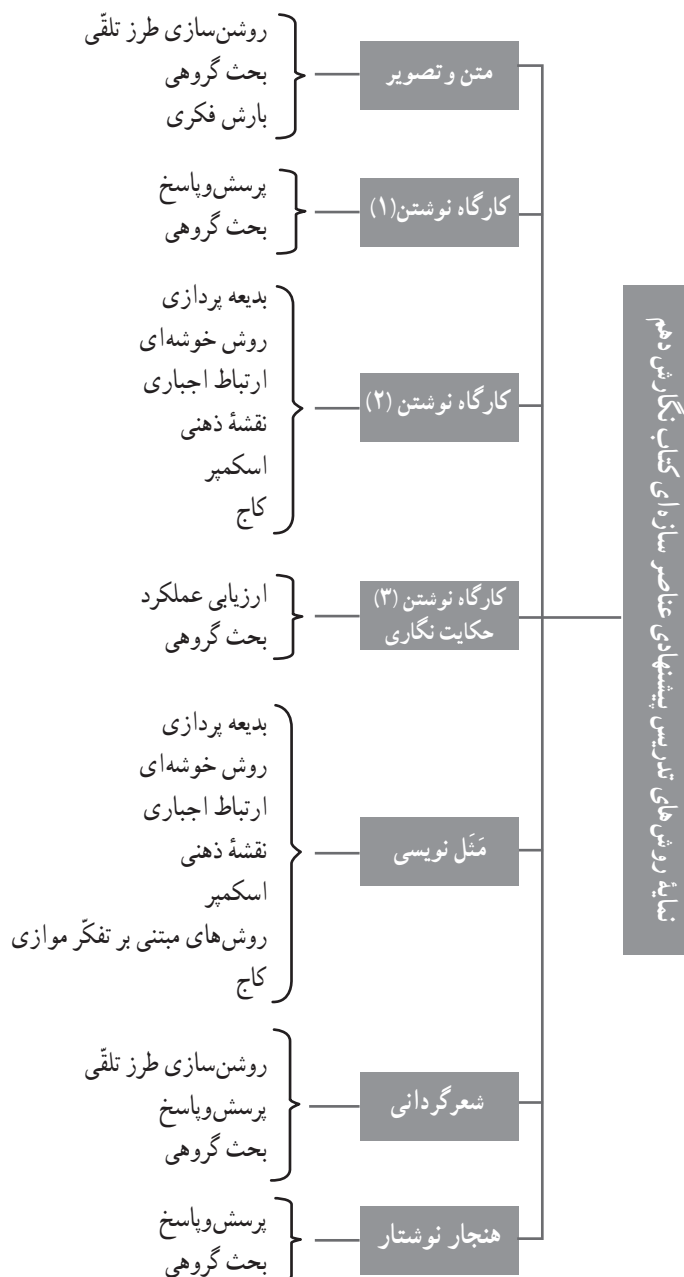
روش مشاهده و گردش علمی

در این روش معلم برای آشنایی بیشتر دانش‌آموزان با آثار تاریخی و ادبی و زبانی، آنها را به بیرون از کلاس می‌برد تا از نزدیک به مشاهده بپردازند. دانش‌آموزان با توضیح و توصیف دیده‌ها و شنیده‌های خود به صورت گفتاری و نوشتاری مهارت‌های زبانی و ادبی خود را پرورش می‌دهند و تقویت می‌کنند.

می‌توان از آنها خواست ابتدا یادداشت‌برداری نمایند، سپس اطلاعات به دست آمده را طبقه‌بندی کنند و زیبایی‌های مشاهده شده را وصف نمایند یا آنها را به تصویر بکشند و در نهایت گزارش تهیه کنند تا به این ترتیب به پاره‌ای از مهارت‌های نگارشی تسلط یابند. این روش برای تمرین خوب دیدن، تربیت سواد دیداری و تقویت توانایی تبدیل دیده‌ها به نوشته‌ها، بسیار مناسب است.



روش‌ها و شگردهای مناسب برای عناصر سازه‌ای یک واحد درسی



نمایه روش‌های تدریس پیشنهادی پایه دهم

درس یکم	تدریس اعضای گروه	کاربرگ	روش بهره‌گیری از جدول اجزا و عناصر
درس دوم	روش گروهی (از نوشتن انفرادی به نوشتن گروهی)		
درس سوم	پرسش و پاسخ	پرسش‌سازی و پاسخ‌سازی	ارائه روشی برای آموزش شعرگردانی
درس چهارم	روش تدریس از طریق گروه‌های مکمل		
درس پنجم	بدیعه‌پردازی	نوشتن به روش تفکر موازی	
درس ششم	روش ارتباط اجباری		
درس هفتم	روش خوشه‌سازی		
درس هشتم	روش همیاری		



ارزشیابی

ارزشیابی این برنامه، به دلیل رویکردش که مهارت‌آموزی است، از حساسیت خاصی برخوردار است. در اینجا میزان کسب «مهارت نوشتن» مورد توجه و سنجش قرار می‌گیرد؛ بنابراین در این سنجش به هیچ‌وجه از پرسش‌های دانشی استفاده نمی‌شود.

برای ارزشیابی مستمر مهارت نوشتن، پیشنهاد می‌شود دبیران محترم برای هر دانش‌آموز پوشه کاری درست کنند تا میزان مهارت نوشتن او با خودش قابل ارزیابی شود. به بیان دیگر اولین نمونه نوشته دانش‌آموز داخل پوشه قرار گیرد، پس از دو ماه نمونه دیگر و به همین ترتیب ادامه می‌یابد. به این ترتیب فرایند مهارت‌آموزی هر دانش‌آموز رصد می‌شود و میزان پیشرفت او مورد توجه قرار می‌گیرد.

در آزمون‌های کلاسی و پایانی، با الگوبرداری از سه فعالیت کارگاه نوشتن، می‌توانید سؤال طرح کنید. به بیان دیگر آزمون شامل سه نوع سؤال تشخیصی، تولیدی و تحلیلی باشد.

الف) سؤال تشخیصی

برای نمونه می‌توانید سه متن کوتاه به دانش‌آموز بدهید و بپرسید اولاً فضای غالب متن‌ها عینی است یا ذهنی، ثانیاً کدام متن با روش جانشین‌سازی تولید شده است.

ب) سؤال تولیدی

در این بخش موضوعی در اختیار دانش‌آموز قرار می‌گیرد و از او می‌خواهید مثلاً با روش مقایسه، متنی بنویسد و در واقع تولید کند.

پ) بخش دیگر سؤال‌های تولیدی از طریق حکایت‌نگاری، مثل نویسی و شعرگردانی خواهد بود. در این بخش یکی از موارد (مثلاً حکایت‌نگاری) انتخاب می‌گردد و طراح سؤال مانند الگوی کتاب نگارش انجام می‌شود.

ت) در این بخش لازم نیست سؤال مستقلی داده شود بلکه می‌توان کاربرد هنجار نوشتار، نشانه‌های نگارشی و نکات املائی را در نوشته‌های بخش الف، ب و پ در نظر گرفت و به نسبت رعایت موارد یاد شده نمره داد.

ث) سؤال تحلیلی

نوشته‌ای به دانش‌آموزان داده می‌شود تا با توجه به معیارهایی که در سؤال مشخص شده است، متن را تحلیل کنند. برای نمونه معیارها می‌توانند به شکل زیر باشند:

- رعایت اصول بندنویسی؛
 - پرهیز از نگارش جمله‌های طولانی؛
 - استفاده از واژه‌های مناسب فضای متن
- ذکر دو نکته بسیار اهمیت دارد:

- ۱) ارزشیابی آزمون‌ها دقیقاً با سنجه‌های جدول ارزشیابی انجام می‌شود.
- ۲) متن‌ها و موضوعاتی که در آزمون طرح می‌شود، عیناً از متن‌ها و موضوعات کتاب نباشد؛ فراموش نکنیم که، «مهارت» را می‌سنجیم نه «دانش» را.

شیوه نامه ارزشیابی پایانی «نگارش» پایه دهم

نمره	سنجه‌های ارزشیابی	موضوع
۲	توانایی بازشناسی آموزه‌های درس	الف) بازشناسی
۱	۱- خوش‌آغازی (جذابت و گیرایی، نشان دادن نمایی کلی از محتوای نوشته)	ب) آفرینش
۲	۲- پرورش موضوع	
۲	× شیوه بیان نوشته (بیان ساده و صمیمی - بیان احساس متناسب با موضوع)	
۲	× سیر منطقی نوشته (پرداختن به جنبه‌های مختلف موضوع - انسجام نوشته)	
۲	× فکر و نگاه نو (نگاهی متفاوت به موضوع)	
۱	۳- خوش فرجامی (جمع‌بندی مطالب - تأثیرگذاری و تفکر برانگیز بودن)	
۲	۱- مثل نویسی	پ) سازه‌های نوشتار
۲	۲- حکایت نگاری	
۲	۳- شعر گردانی	
۱	۱- هنجار نوشتار و نشانه‌های نگارشی	ت) هنجارهای نگارشی
۱	۲- املائی واژگان (نداشتن غلط املائی)	
۲	نقد و تحلیل متن بر اساس سنجه‌های دروس	ث) کالبدشناسی متن

نمره نهایی = میانگین ارزشیابی فرایندی (مستمر) به اضافه ارزشیابی پایانی ($20 + 20 = 40 \div 2 = 20$)



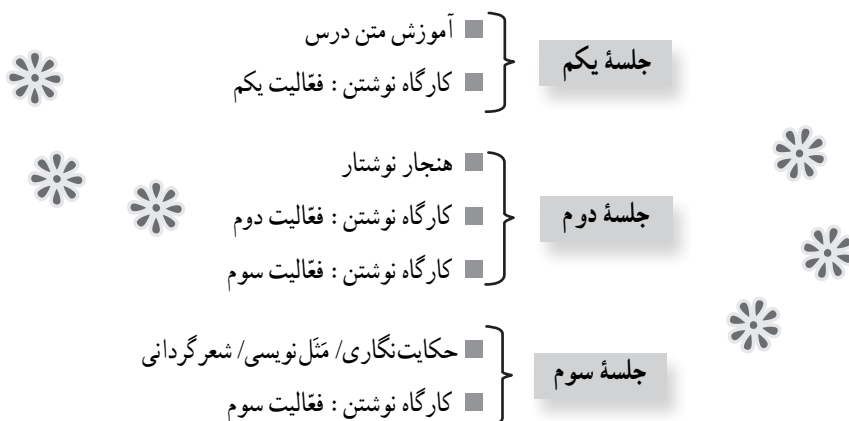
بخش دوم

بررسی درس‌ها



پس از آشنایی با ارکان برنامه در بخش نخست این فصل، در بخش دوم آن به بررسی درس به درس می‌پردازیم، بخشی که بی‌تردید برای کلاس درس بسیار کاربردی است. برای تدریس هر درس سه جلسه آموزشی در نظر گرفته شده است. جدول زیر بودجه‌بندی هر درس را نشان می‌دهد.

بودجه بندی تدریس یک درس



عناصری که در بررسی درس‌ها ارائه شده‌اند عبارت‌اند از :

- سخنان پیشانی فصل؛
- نمایه درس؛
- اهداف؛
- روش‌های تدریس؛
- جستاری در متن؛
- درنگی در قلمرو فعالیت‌ها؛
- آگاهی‌های فرامتنی؛
- حکایت‌نگاری، مَثَل نویسی، شعرگردانی.

درس یکم

پرورش موضوع

فکرهایی جالب‌اند که بتوانند سال‌های سال بر فراموشی غلبه کنند و دوام بیاورند. اگر فکری آن‌قدر خوب باشد که بتواند پانزده سال منتظر بماند تا کتابی مانند «صد سال تنهایی» شود یا هفده سال تا کتابی چون «پاییز پدر سالار» شود و یا سی سال تا «گزارش یک مرگ» بشود، پس می‌توانم بنشینم و آن را بنویسیم.

(مارکز، بوی درخت گویا)



نمایه درس یکم

عنوان : پرورش موضوع

محتوا : این درس به انتخاب روش‌هایی برای پرورش موضوع اختصاص یافته است و در ضمن درس سه روش برای پرورش آن ارائه می‌گردد.

متن و تصویر	کارگاه نوشتن	هنجار نوشتار	حکایت‌نگاری
<p>ارائه سه روش برای پرورش دادن موضوع نوشته و ارائه نمونه :</p> <p>الف) بارش فکری</p> <p>ب) اگر نویسی</p> <p>پ) گزین گفته‌ها</p>	<p>۱- تشخیص شگرد به کار رفته در طرح پرسش‌ها</p> <p>۲- انتخاب موضوعی آزاد، طرح پرسش‌هایی مرتبط با آن و پاسخ‌سازی برای پرسش‌ها</p> <p>۳- ارزشیابی نوشته‌ها براساس سنجه‌های مشخص شده در درس</p>	<p>در این درس هنجار نوشتار به اهمیت کاربرد جملات کوتاه و تأثیرات نامطلوب جملات بلند می‌پردازد، از جمله :</p> <p>– نفس‌گیر بودن</p> <p>– دشواری پردازش در ذهن</p> <p>– از بین رفتن ارتباط منطقی بین اجزای جمله</p> <p>– دشواری درک و دریافت جمله</p>	<p>بازنویسی حکایتی از کلیله و دمنه</p>



اهداف درس

- باز آموزی و یادآوری آموخته‌های پایه نهم؛
- افزایش توانمندی فراگیران در جذب و دریافت موضوعات از محیط پیرامون؛
- تقویت توانایی تهیه فهرستی از موضوعات ساده پیرامون و تبدیل موضوعات ساده به موضوعات جذاب و متنوع؛
- آشنایی بیشتر با شگرد «پرسش‌گری»، به منظور تبدیل موضوعات ساده به نوشته‌های جالب و ارزشمند؛
- تقویت توانایی گشودن گره‌های ذهنی با بهره‌گیری از شگرد «پرسش‌گری»؛
- آشنایی بیشتر با روش «بارش فکری» در معنا سازی و ایجاد فرصتی برای فکر کردن؛
- آشنایی با شگرد «اگر نویسی» در رهاسازی ذهن و قرار گرفتن در موقعیت‌های مختلف؛
- ایجاد توانایی بهره‌گیری از شگرد «اگر نویسی» به منظور پرداختن به موضوعات و انتخاب ساده و آسان آنها؛
- ایجاد نگرش مثبت نسبت به «گزین گفته‌ها» و توانایی به‌کارگیری این شگرد در نوشتن؛
- آشنایی با اهمیت کاربرد جمله‌های کوتاه در نوشته.



روش‌های پیشنهادی تدریس

با توجه به نکات زیر می‌توان درس پرورش موضوع را به شیوه «تدریس کارایی گروه» آغاز نمود و در ادامه، با توزیع کاربرگ‌هایی یادگیری را تثبیت نمود.

محتوای این درس از نظر کمیت قابل تفکیک است. در این درس به سه روش مستقل برای پرورش موضوع اشاره شده است: بارش فکری، گزیده گفته‌ها و اگر نویسی. همچنین از نظر سطح دشواری برای فراگیران قابل فهم است. با توجه به آموزه‌های سال‌های پیشین، در متن درس گره و چالش خاصی وجود ندارد و فراگیران با مطالعه متن قادر خواهند بود مطالب را کشف کنند.

اساس این روش مبتنی بر همیاری در یادگیری است و اساس یادگیری از طریق همیاری، تشکیل گروه‌های یادگیری است. این روش سبب جلوگیری از گوشه‌گیری، از خودبیگانگی، بی‌هدفی و ناراحتی دانش‌آموزان می‌شود. آنها در فعالیت‌های جمعی، حس اعتماد به نفس‌شان افزایش می‌یابد و روابط بین فردی آنها نیز بهتر و بیشتر می‌شود.

در این روش از دانش‌آموزان انتظار می‌رود جهت موفق شدن گروه با یکدیگر تعامل داشته باشند و پیشرفت تحصیلی همدیگر را بر عهده گیرند. دانش‌آموزان نیز انتظار دارند گروهی که در آن عضویت و فعالیت دارند به موفقیت دست یابد.

این روش بر دو فرضیه استوار است:

۱ هر یک از شرکت‌کنندگان، قسمت متفاوتی از موضوع درس را یاد می‌گیرند.

۲ هر فراگیرنده می‌تواند به اعضای تیم خود درس بدهد.

در این الگو، تدریس توسط گروه فراگیران انجام می‌شود و پس از آن معلم به بیان توضیحات ضروری و تکمیلی می‌پردازد.

مراحل اجرا

مرحله یکم: آمادگی فردی

۱ گروه‌بندی دانش‌آموزان و اختصاص شماره به هر یک از اعضای گروه؛

۲ تدوین ضوابطی که گروه‌ها ملزم به رعایت آنها باشند، مانند یادداشت برداری، بحث و گفت‌وگو

به طور آهسته، زمان بندی و...

۳ تقسیم متن درس به بخش‌های مستقل و تقریباً مساوی. گروه‌های سه نفره تشکیل می‌گردد و به هر یک از گروه‌ها وظیفه مطالعه یکی از روش‌های پرورش موضوع محول می‌شود و کار انفرادی با صامت‌خوانی آغاز می‌گردد.

مرحله دوم: کارگروهی

- تشکیل گروه‌های هم‌شماره (هر یک از فراگیران، با توجه به شماره خود، با شماره‌های مشابه هم‌گروه می‌شوند و اعضای گروه باهم به بحث و تبادل نظر می‌پردازند).
 - تشکیل گروه‌های اولیه (برگشت به گروه اولیه)
 - اعلام نظرات و سؤالاتی که در گروه‌های هم‌نام مطرح شد، در گروه اولیه.
- در این بین معلم دانش‌آموزان را برای حضور یافتن در گروه‌های جدید، کنترل کلاس و برقراری آرامش و همچنین نظارت بر اجرای فعالیت گروه‌ها هدایت می‌کند.

ارزشیابی گروه‌ها

پس از اینکه دانش‌آموزان با محتوای درس آشنا شدند برای ارزشیابی و همچنین برای تثبیت یادگیری می‌توان به ترتیب زیر عمل کرد:

- موضوع واحدی را در نظر می‌گیریم، مانند «دریا»؛
- سه کاربرد زیر را در اختیار هر یک از گروه‌ها قرار می‌دهیم و پس از مدت زمان معینی دانش‌آموزان نوشته خود را در کلاس می‌خوانند.

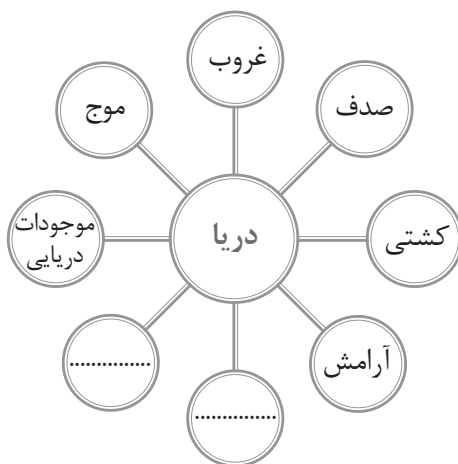


کار برگ شماره ۱

گسترش موضوع به روش بارش فکری

مرحله الف

برای گسترش موضوع «دریا» با بهره‌گیری از شیوه بارش فکری، ابتدا نمودار زیر را کامل کنید.



مرحله ب

از میان مفاهیمی که در مرحله الف نوشتیم چند مورد انتخاب می‌کنیم و بر اساس آنها پرسش‌هایی را مطرح می‌کنیم:

■ آیا دریا برای همه آرامش‌بخش است؟

■ آیا کشتی‌ها می‌توانند فرهنگ‌ها را از راه دریاها از کشوری به کشور دیگر انتقال دهند؟

■ ؟

■ ؟

■ ؟

کاربرک شماره ۲

گسترش موضوع به روش «اگر نویسی»

موضوع دریا را با بهره‌گیری از راهکار / فن (تکنیک) «اگر نویسی» گسترش دهید.

- اگر یک طرف نیمکره زمین آب و طرف دیگر خشکی بود
- اگر دریاها رنگ قرمز داشتند
- اگر آب دریاها شیرین بود
- اگر می‌توانستیم روی دریا راه برویم
-
-
-

کاربرک شماره ۳

گسترش موضوع با بهره‌گیری از گزین گفته‌ها

موضوع «دریا» را با بهره‌گیری از «گفته‌های پیرامونی» گسترش دهید.

- «قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود» در چه مرحله‌ای از زندگی بیشتر کاربرد دارد؟
- منظور شاعر از «موج دریا به گردن خشکی سینه ریز صدف می‌آویزد» چیست؟
- چرا نگاه کردن به دریا ثواب دارد؟
- آیا شما در انجام دادن کارها دل به دریا می‌زنید؟

-
-
-
-

اگر نویسی

جملات شرطی معمولاً دو قسمت دارند :

■ عبارتی که حاوی شرط است.

■ عبارت اصلی.

عبارات شرطی ممکن است به زمان گذشته، حال یا آینده اشاره باشند.

اگر نویسی	
- زمان گذشته : اگر من یک مدیر بودم ... - زمان حال : اگر من یک پلیس باشم ... - زمان آینده : اگر من روزی رئیس جمهور شوم ...	شرایط واقعی
- زمان گذشته : اگر من ققنوسی نشسته بر کوه قاف بودم ... - زمان حال : اگر من یک رایانه باشم ... - زمان آینده : اگر من یک ربات داستان نویس شوم ...	شرایط غیر واقعی (تخیلی)



✓ اگر من رئیس جمهور بودم ...	قرار گرفتن در مشاغل مختلف اگر نویسی با محوریت
✓ اگر من شهردار بودم ...	
✓ اگر من منجم بودم ...	
✓ اگر من شاعر بودم ...	
✓ اگر من بازرگان بودم ...	
✓ اگر من رفتگر بودم ...	
✓ اگر من راننده یک ماشین حمل جنازه بودم ...	

✓ اگر من قالی بازی یک بودم...	اگر نویسی با محوریت قرار گرفتن به جای پدیده‌ها و اشیا
✓ اگر من یک قاب عکس قدیمی بودم...	
✓ اگر من یک قمقمه فلزی بودم...	
✓ اگر من یک زیردریایی بودم...	
✓ اگر من پوتین یک سرباز بودم...	
✓ اگر من یک بد افزار بودم...	
✓ اگر من به جای ضریح امام حسین (ع) بودم...	



✓ اگر من به جای سرو چهار هزار ساله ایران بودم...	اگر نویسی با محوریت قرار گرفتن به جای یک مکان خاص
✓ اگر من مثلث برمودا بودم...	
✓ اگر من دیوار چین بودم...	
✓ اگر من برج ایفل بودم...	
✓ اگر من اقیانوس آرام بودم...	
✓ اگر من اهرام ثلاثه بودم...	
✓ اگر من باب المندب بودم...	
✓ اگر من کوه آتشفشان هاوایی بودم...	
✓ اگر من موزه لوور بودم...	



✓ اگر من دیو سفید شاهنامه بودم...	اگر نویسی با محوریت قرار گرفتن به جای جانوران و موجودات دیگر
✓ اگر من یک کروکودیل بودم...	
✓ اگر من یک نهنگ بودم...	
✓ اگر من ذوالجناح بودم...	
✓ اگر من در زمان سلیمان (ع) به جای هدهد بودم...	

✓ اگر متولد دهه (شصت، پنجاه و ...) بودم ...	اگر نویسی با محوریت قرار گرفتن در موقعیت‌های خاص
✓ اگر من معلم و مدیر یک کلاس چند پایه بودم ...	
✓ اگر من پدر/ مادر یک هفت قلو بودم ...	
✓ اگر در یک صحرا همراهان خود را گم می‌کردم و تنها با یک کوله پشتی تنها می‌ماندم ...	
✓ اگر نفر اول کنکور می‌شدم ...	
✓ اگر قهرمان المپیک بودم ...	
✓ اگر من به جای بُراق (اسب پیامبر) بودم، در شب معراج ...	



اگر من می‌توانستم زمان را متوقف کنم ...	اگر نویسی با محوریت داشتن توانمندی‌های مختلف
اگر می‌توانستم از آینده خبردار باشم ...	
اگر می‌توانستم به گذشته بروم ...	
اگر من انگشتر سلیمان (ع) را داشتم ...	
اگر من عصای موسی (ع) را داشتم ...	



اگر من امیر کبیر بودم ...	اگر نویسی با محوریت قرار گرفتن به جای اشخاص دیگر
اگر من نیوتن بودم ...	
اگر من استیو جابز بودم ...	
اگر من بوری گاکارین بودم ...	
اگر من نویسنده پرفروش‌ترین کتاب سال بودم ...	



گاهی می‌توان این موضوعات را ادغام نمود یا شرایطی را به این موضوعات اضافه کرد.

نمونه‌ای برای اگر نویسی

اگر یک کوه بودید...

راستش من هیچ وقت دوست نداشته‌ام که یک کوه باشم.

من کوهستان را دوست دارم ولی دوست ندارم مثل کوه یک جانشین و منجمد باشم. من دوست دارم رود باشم، جاری و پریاهو، قصه‌ها را از زبان قلّه کوه بشنوم و آنها را برای شقایق‌های دامنه کوه و گلبوته‌های دشت تعریف کنم، پاهای گلی کودکان آبادی را قلقلک بدهم، به زمین‌های کشاورزی سلام کنم و گاهی میان شالیزارهای خوش‌بو چرخ بزنم.

کوه‌ها همیشه سنگین و رنگین یک‌جا می‌نشینند اما من بازیگوش و پرسرو صدا هستم. مادر بزرگم می‌گوید: آدم باید جاسنگین باشد. فکر کنم کوه‌ها خیلی جاسنگین‌اند، آنها یک گوشه را برای خودشان انتخاب می‌کنند و تا ابد همان‌جا می‌خکوب می‌شوند و تکان نمی‌خورند.

پدر بزرگم می‌گوید: کوه‌ها خیلی باید مراقب خودشان باشند چون در قلبشان چیزهای با ارزشی دارند.

معلم‌مان می‌گوید: «ارزش انسان‌ها به رازهایی است که در دل خود دارند.» خوب که فکر می‌کنم می‌بینم کوه‌ها خیلی ارزشمندند چون رازهای زیادی در دل خود دارند. راستی می‌دانی چرا من دوست ندارم کوه باشم؛ چون کوه‌ها با آنکه ظاهر آرام و صبوری دارند، گاهی سرما می‌خورند و با یک عطسه مثل آوار فرو می‌ریزند، گاهی چنان عصبانی می‌شوند که هر چه در دلشان است یک دفعه بیرون می‌ریزند. در آن لحظات همه از کوه فرار می‌کنند.

من دوست ندارم که یک کوه باشم!

فعالیت ۳

فعالیت ۲

فعالیت ۱

کارگاه نوشتن فعالیت نگارشی یکم :

سؤال یکم :

گزين گفته‌ها	اگر نویسی	بارش فکری
چگونه پشه‌ای ناتوان، نمرود را با آن همه ادعا از پای درآورد؟	اگر پشه وز وز نمی‌کرد، چه می‌شد؟	پشه چه نوع جانوری است؟
چه نسبتی بین عقاب و پشه وجود دارد؛ با توجه به آنچه که شاعر گفته است : جایی که عقاب، پَر بریزد از پشه لاغری چه خیزد؟	اگر یک پشه را قورت بدهیم، چه اتفاقی می‌افتد؟	چند نوع پشه داریم؟
	اگر در دنیا اصلاً پشه‌ای نبود، در دنیا چه اتفاقی می‌افتاد ؟	پشه‌ها شب‌ها کجا می‌خوانند؟
		چرا پشه روی بدن ما می‌نشیند؟
		پشه‌های معروف کدام‌اند؟
		آیا مگس هم یک نوع پشه است؟
		آیا پشه‌ای می‌شناسیم که اصلاً دیده نشود؟
		خداوند با خلق پشه، می‌خواهد چه پیامی به ما بدهد؟

سؤال سوم : این پرسش در همه درس‌ها با هدف نقد و تحلیل نوشته‌های دانش‌آموزان مطرح شده است و بهترین شیوه تدریس آن، روش قضاوت عملکرد است. چنان که از نام روش برمی‌آید در این شیوه، یادگیری از طریق قضاوت درباره نوشته دیگران صورت می‌گیرد.

مبنای دآوری در هر درس، سنجه‌های ذکر شده در پرسش شماره سه است. این تمرین، در حقیقت فرصتی است برای آشنایی عملی دانش‌آموزان با موضوع نقد و نقدنویسی. البته چون در هر درس سنجه‌های نقد به روشنی تدوین شده است، انتظار می‌رود هر نوع نقد و نظری مستدل و مبتنی بر یکی از معیارها باشد و از کلی‌گویی‌های بدون معیار پرهیز شود.

در اجرای این روش، یک فهرست واری (چک لیست) از معیارهای ارائه شده در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌گیرد (این فهرست واری در فعالیت سوم هر درس ارائه شده است). سپس دانش‌آموزی نوشته خود را می‌خواند و دیگران گوش می‌کنند و براساس معیارهای فهرست واری به تحلیل آن می‌پردازند. به این ترتیب دانش‌آموزان با کسب درک روشنی از سنجه‌ها یا معیارها، می‌توانند درباره کیفیت نوشته‌ها قضاوت کنند. این کار، علاوه بر تثبیت یادگیری، پرورش تفکر انتقادی را نیز در پی دارد.

همچنین می‌توان در اجرای این روش، دانش‌آموزان را گروه‌بندی و نوشته‌ها را بین گروه‌ها توزیع کرد. سپس از آنها می‌خواهیم نوشته‌ها را بخوانند و درباره آنها به بحث و تبادل نظر پردازند و برگه فهرست واری را درباره آن نوشته پر کنند. سپس هر گروه کار خویش را ارائه می‌دهد. اعضای گروه، کار هر فرد را با دیگری و با معیارهایی که فراگرفته‌اند، مقایسه می‌کنند و هر فرد، انتقادهایی را که به کارش گرفته شده است، دریافت می‌کند. در انتها ویژگی‌های یک نوشته خوب بیان و سپس جمع‌بندی می‌شود.

آگاهی‌های فرامتنی

هنجار نوشتار

بیشترین درسی که امروزه از اثر سعدی می‌توان گرفت، ایجاز اوست؛ یعنی کوتاه‌نویسی و در عین حال پربارنویسی. سعدی به ما یاد می‌دهد که هرآنچه که می‌خواهیم بنویسیم با کوتاه‌ترین جملات باشد. سعدی گاهی داستانی را در یک سطر بیان می‌کند.

بهاء الدین خرمشاهی

هنجار نوشتار این بخش، به اهمیت استفاده از جملات کوتاه در نوشته اختصاص دارد. بررسی دست‌نوشته‌های دبیران محترم نشان داد که اغلب همکاران تمایل به نوشتن جمله‌های چند سطری مرکب دارند. جملاتی طولانی که با استفاده از انواع نشانه‌های ربط به یکدیگر وصل شده‌اند. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های یک نثر خوب، نوشتن جملات کوتاه و روان است. نویسندۀ موفق آن‌چنان بر زبان مسلط است که با کمترین کلمات، بیشترین مقصود ممکن را به روشن‌ترین شکل می‌رساند. در این صورت خواننده به راحتی پیام را درمی‌یابد و با متن ارتباط برقرار می‌کند. فایده‌ی دیگر نوشتن جملات کوتاه این است که در ترجمه نمود پیدا می‌کند. استفاده از جملات کوتاه و به کارگیری فعل‌های زیاد، راز ترجمه‌پذیری آثار هوشنگ مرادی کرمانی است. هوشنگ مرادی کرمانی در نمایشگاه کتاب سال ۱۳۹۵ از راز و رمز ترجمه شدن متعدد آثارش به زبان‌های مختلف سخن گفت.

«می‌دانم که ترجمه، به ویژه برگرداندن متن از فارسی به سایر زبان‌ها، کار دشواری است اما این هم مایه‌ی تأسف است که سال‌هاست وقتی در کشوری خارجی می‌رویم تنها هدایت را از ادبیات ایران می‌شناسند. من در دانشکده‌های ادبیات فارسی در هند، ترکیه و روسیه دیدم که از ملک الشعراء بهار جلوتر، کسی را نمی‌شناسند. این آیا حق ادبیات ماست؟ ترجمه در ایران همیشه جاذبه‌ی یک طرفه‌ای بوده است که با قطار و تریلی کتاب به ایران وارد می‌کرده است. دیگر وقتش است حتی با دوچرخه هم که شده ما هم این جاده را دوطرفه کنیم. درست است که بخش زیادی از مکتوبات ما مصرف داخلی دارد اما ادبیات فارسی وقتی از ملت ما و باور ما و سُنن ما سخن بگوید می‌تواند در تمام دنیا مخاطب به دست آورد». مرادی کرمانی در پاسخ به این سؤال که راز ترجمه شدن آثارش چیست، گفت :

«زبان آثار من زبان مردم کوچه و بازار است. من طولانی‌نویس نیستم و جملاتم کوتاه است و فعل زیاد دارد. فکر می‌کنم که این نوع از نوشتن باعث شده مترجمان بتوانند راحت‌تر جملاتم را در بیاورند و ترجمه کنند. از سوی دیگر من اهل توصیف نیستم و تنها در نوشته‌هایم نشان می‌دهم. این موضوع و تصویر ایجاد شده با آن است که مخاطب ترجمه کارهایم را زیاد کرده است.»

در متون کهن نیز استفاده از جملات کوتاه رایج بوده است. کاربرد جملات کوتاه، مستقل و از نظر معنی به هم پیوسته از ویژگی‌های مهم تر بیهقی است.

«کوتاه»، از آن جهت که به حداقل کلمات مورد نیاز در هر جمله اکتفا می‌شود و ارکان فرعی نیز معمولاً بعد از فعل جای می‌گیرند. همین کیفیت ترکیب موجب می‌شود که تناسب دقیق و مشخص نیز از حیث اندازه بین جملات و قطعات مراعات شود و موج شعری و موسیقی خاصی در تثر ایجاد گردد.

«مستقل»، از آن جهت که معنی خاص هر جمله به خود جمله تمام می‌شود و «پیوسته»، از آن نظر که رابطه معنوی بین جمله‌ها سست و گسیخته نیست و جملات با نظم منطقی پشت سر هم قرار می‌گیرند و به صورت حلقه زنجیر به هم می‌پیوندند. متن زیر نمونه‌ای از بیهقی است:

«... و خواست شوری بزرگ به پای شود؛ سواران سوی عامه تاختند و آن شور
 بنشانند و حسنگ را سوی دار بردند و به جایگاه رسانیدند؛ بر مرکبی که هرگز ننشسته
 بود بنشانند و جلادش استوار بیست و رَسَن‌ها فرود آورد و آواز داد که سنگ زنید؛
 هیچکس دست به سنگ نمی‌کرد و همه زار زار می‌گریستند؛ خاصه نیشابوریان. پس
 مشتی رند را سیم دادند که سنگ زنند؛ و مرد خود مرده بود که جلادش رسن به گلو
 افکنده بود و خبه کرده.»

حکایت نگاری

در حکایت نگاری به باز نویسی حکایت به زبانی ساده می‌پردازیم. یکی از روش‌های باز نویسی حکایت بهره‌گیری از جدول تحلیل اجزا و عناصر حکایت است و گام‌های آن به شرح زیر است:

روش تدریس: بهره‌گیری از جدول اجزا و عناصر

گام نخست: درک عناصر حکایت: فراگیران، ابتدا باید عناصر و اجزای حکایت و همچنین مفهوم و پیام آن را به خوبی درک کنند.

گام دوم : تحلیل عناصر : پس از آنکه عناصر و اجزای حکایت مشخص شد، جدولی رسم می‌کنیم و در هریک از ستون‌های این جدول به تحلیل شخصیت، زمان، مکان و فضای حکایت می‌پردازیم.

گام سوم : کشف روابط میان اجزای متن و یافتن اجزای پنهان : برخی از عناصر به صورت آشکار در متن دیده می‌شوند و باید آنها را براساس منطق داستان از دل حکایت بیرون آورد.

گام چهارم : افزودن شاخ و برگ : در این مرحله، اطلاعاتی را به فراخور فضای داستان به جدول فوق اضافه می‌کنیم و به اصطلاح به آن شاخ و برگ می‌دهیم.

گام پنجم : بازنویسی با توجه به اطلاعات موجود در جدول، بازنویسی را آغاز می‌کنیم.

برای روشن شدن این روش، نمونه زیر ارائه می‌گردد :

حکایت درس یکم

سگی بر لب جوی، استخوانی یافت. چندان که در دهان گرفت، عکس آن در آب بدید.
پنداشت که دیگری است. به شَرَه (طمع) دهان باز کرد تا آن را نیز از روی آب برگیرد. آنچه در دهان بود، به باد داد.

شخصیت	سگ
گسترش شخصیت (شخصیت حکایت را در ذهن خود تجسم می‌کنیم و ویژگی‌های آن را می‌نویسیم)	سگی سفید، اندامی کوچک، کنجکاو، پراثرزی، با چشمانی درشت ...

فضا	لب جوی
گسترش فضا	تجسم خود از فضا را نیز ثبت می‌کنیم : برکه‌ای آرام، آواز پرندگان، جیرجیرک‌ها، حرکت جهشی قورباغه‌ها و ماهی‌ها در آب ...

زمان	چیزی در این باب در حکایت ذکر نشده است. پس با خیالی آسوده تصور خود را از زمان وقوع حکایت می‌نویسیم.
تشریح زمان وقوع حکایت	یک نیم روز بهاری که آفتاب درخشان سایه خود را روی سر شاخه‌های درختان پهن کرده بود...
پیام	طمع بی جا موجب از دست دادن داشته‌ها و موقعیت‌های ارزشمند می‌گردد.
گسترش پیام	طمع ورزی، خیال بافی و بی فکری ممکن است موجب از دست دادن موقعیت‌های انسان شود.

حالا با بهره‌گیری از این عناصر به حکایت نگاری می‌پردازیم.

«یابوک»

یابوک تکه استخوانی خاک آلوده را از زیر بوته‌های کنار جوی پیدا کرد. استخوان از دهانش بزرگ‌تر بود. به سرعت به سمت تپه‌های بیرون آبادی دوید. از بالای تپه شتابان فرود آمد. روی زمین خاکی چند بارغلت خورد. استخوان از دهانش به کناری افتاد. چشم‌های بی‌قرار سگ‌های بیکار و تنبل، که در سینه‌کش آفتاب لم داده بودند، از دیدن استخوان برق زد، اما تا دست و پایشان را جمع کردند یابوک استخوان به دهان از تپه بعدی سرازیر شده بود.

یابوک کنار برکه رسید. نفس نفس می‌زد. اطرافش را خوب پایید. حسایی تشنه بود. استخوان را با احتیاط روی زمین گذاشت. از صدای جیغ پرنده‌ای ترسید و از جا پرید. استخوان به دهان اطراف برکه را نگاه کرد. همیشه دستپاچگی کار دستش می‌داد. حالا تشنگی و گرسنگی هم به آن اضافه شده بود. حیران و سرگردان دور برکه می‌چرخید و تصویرش داخل برکه جابه جا می‌شد. جهش قورباغه‌ای خط نگاهش را به داخل برکه کشاند و استخوانی دیگر را در برکه دید. از شادی دهانش باز و چشمانش بسته شد.

چند دقیقه بعد، خیس و گرسنه و تشنه کنار برکه به قورباغه‌ای زل زده بود. گویی سراپا دهانی گشاد شده بود که با گذشت زمان دست و پا در آورده است! قورباغه با تمام وجودش به او لبخند می‌زد...

درس دوم

عینک نوشتن

در مورد نوشتن همیشه نمی شود یک جور حساب کرد، گاهی مثل شیرجه زدن در آب ساده و گاهی مثل بالا رفتن از صخره سخت است.



نمایه درس دوم

عنوان : عینک نوشتن

محتوا : نوع نگاه و دریچه دید نویسنده نسبت به موضوع

متن و تصویر	کارگاه نوشتن	هنجار نوشتار	مَثَل نویسی
متن این درس به بررسی نوع نگاه نویسنده به موضوع می پردازد. این نگاه متناسب با تجربه، آموزش، تربیت و یادگیری افراد متفاوت است.	۱- تعیین فضای حاکم بر چهار نوشته متفاوت (از نظر عینی یا ذهنی بودن) ۲- انتخاب موضوع آزاد و نگارش متنی با توجه به فضای عینی و ذهنی تحلیل و ارزشیابی متن بر اساس سنجه ها : تولید متن عینی با بهره گیری از حواس و ذهن، با بهره گیری از خلاقیت ذهن.	کاربرد درست لغات براساس ارزش های معنایی و توجه به بافت جمله و ظرایف معنایی	گسترش مَثَل : در این بخش پنج نمونه مَثَل پیش بینی شده است، که به دلخواه یکی از آنها انتخاب می شود و گسترش می یابد.

اهداف درس



- آشنایی با نوع نگاه نویسنده؛
- توانایی تشخیص نوشته های خیال انگیز از نوشته های عینی؛
- تقویت توانایی تولید نوشته های خیال انگیز و عینی؛
- تقویت نگاه مثبت نسبت به کاربرد ارزش معنایی واژه ها؛
- آشنایی با نوع نگاه نویسندگان به موضوعات؛
- افزایش توانمندی فراگیران در تولید نوشته های مبتنی بر محسوسات؛
- تقویت و دست ورزی فراگیران در گسترش مَثَل.

تفکر استقرایی: برای آموزش درس «عینک نوشتن» از روش تفکر استقرایی، طبق مراحل زیر، عمل می‌کنیم:

مرحله اول: تکوین مفهوم: ابتدا این پرسش را با دانش‌آموزان مطرح می‌کنیم: عینک نوشتن یعنی چه؟ سپس پاسخ‌هایی را که داده می‌شود روی تابلو می‌نویسیم. پاسخ‌ها معمولاً از سطحی‌ترین دریافت‌ها آغاز می‌شوند. موارد زیر نمونه‌هایی از پاسخ‌هاست:

■ عینک نوشتن، یعنی خوب دیدن؛

■ عینک نوشتن، یعنی شفاف دیدن؛

■ عینک نوشتن، یعنی بادقت دیدن؛

■ عینک نوشتن، یعنی تو مو می‌بینی و من پپچش مو.

■

چنان‌که ملاحظه می‌شود سیر پاسخ‌ها نشان‌دهنده حرکت از عینیت و واقعیت به سمت برداشت‌های عمیق‌تر کمک گرفته از ذهن است.

مرحله دوم: تفسیر مطالب: در این بخش یک مداد را به دانش‌آموزان نشان می‌دهیم و از آنها می‌خواهیم که عینک نوشتن را بر چشم زنند و درباره مداد یک بند بنویسند. حالا از آنها می‌خواهیم نوشته‌هایشان را بخوانند و با هم مقایسه کنند.

آنها با مقایسه نوشته‌ها درمی‌یابند که می‌توانند آنها را در دو دسته طبقه‌بندی کنند. در برخی، نویسنده آنچه را با چشم دیده توصیف کرده و فضای غالب نوشته عینی است. در بعضی دیگر، نویسنده به کمک ذهن خود، فراتر از سطح حواس ظاهری نوشته و فضای غالب نوشته ذهنی است. به این ترتیب با خواندن نوشته و تعیین عینی بودن یا ذهنی بودن متن‌ها یادگیری اتفاق می‌افتد.

مرحله سوم: کاربرد/اصول: در این مرحله متن‌های تولید شده را می‌خوانند و ذهنی یا عینی بودن نوشته را تعیین می‌کنند. این مرحله تمرینی است که به تثبیت یادگیری منجر می‌شود.

روش دوم

عنوان : برای آموزش درس «عینک نوشتن» یک موضوع خاص را ابتدا به چند «ریز موضوع» تبدیل می‌کنیم. سپس دربارهٔ هر یک از این ریز موضوع‌ها یا با استفاده از حواس ظاهری یا با استفاده از خیال و ذهن می‌نویسیم.

از ویژگی‌های مثبت این روش تقویت تفکر و نگاه همه جانبه به یک موضوع و فاصله گرفتن از تفکر تک بُعدی و خطی به دنیای پیرامون است.

برای اجرای این روش، ابتدا دانش‌آموزان را گروه‌بندی می‌کنیم.

گام یکم : پرورش موضوع : برای شروع کار، دانش‌آموزان با بهره‌گیری از یکی از روش‌های پرورش موضوع که در درس اول مطرح شد (مانند بارش فکری)، موضوعاتی را طرح می‌کنند (مانند جاده، برف، تاکسی، شهر، کوه، داستان، دوست، نوروز) موضوعات، روی تخته کلاس ثبت می‌شود.

گام دوم : انتخاب موضوع : در مرحله بعد، هریک از گروه‌ها از بین عناوین مطرح شده یکی را که قابلیت تبدیل به ریز موضوع‌های متنوع، متعدد و جالب دارد، انتخاب می‌کنند. برای نمونه : کوه (می‌توان در این قسمت کوه خاصی را انتخاب کرد، مانند کوه دماوند، کوه طور، کوه سبلان، آشتران کوه، کوه پردیس، کوه جودی، کلیمانجارو، کوه فوجی).

گام سوم : خلق ریز موضوع‌ها : در این مرحله برای یافتن ریز موضوع‌ها پرسش زیر را مطرح می‌کنیم :

از چه جنبه‌هایی می‌توان به موضوع انتخاب شده (کوه دماوند) نگاه کرد ؟
دانش‌آموزان در گروه، نظرات خود را طرح می‌کنند و آنها را در برگه‌ای به صورت مشترک



می‌نویسند. ریز موضوع‌ها ممکن است از این دست باشند :

از نظردبی، ملی و آیینی، تاریخی، فرهنگی، مذهبی، علمی، تخیلی، زیست بوم و ...

گام چهارم : انتخاب ریز موضوع : در این مرحله هر یک از دانش‌آموزان گروه یکی از

ریز موضوع‌ها را برمی‌گزینند و به صورت انفرادی، نوشتن را آغاز می‌کنند.

گام پنجم : نوشتن از دریچه حواس یا از دریچه ذهن و خیال : دانش‌آموزان به ریز موضوع

انتخابی خود از دریچه پدیده‌های دیداری (محسوسات) یا از پنجره ذهن و خیال نگاه می‌کنند و یک

بند درباره موضوع مورد نظر می‌نویسند.

گام ششم : نوشتن به صورت گروهی : در مرحله پایانی دانش‌آموزان، بندهایی را که به

صورت انفرادی نوشته‌اند، به صورت یک نوشته منسجم درمی‌آورند و نمونه‌های خلق شده توسط

گروه‌ها در کلاس خوانده می‌شود.

از مزایای این روش می‌توان به موارد زیر اشاره کرد :

■ شناخت علاقه‌مندی و نوع نگاه هر یک از دانش‌آموزان به موضوع مورد نظر؛

■ مقایسه عینی نگاه تک بُعدی و نگاه همه جانبه به یک موضوع؛

■ آموزش و تقویت تبدیل نوشته‌های فردی به نوشته‌های گروهی.

تقویت مهارت نوشتن : در ادامه روش تدریس، برای درک و شناخت بیشتر فضای عینی و

ذهنی و تمرین نوشتن، بخش‌هایی از یک داستان را در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهیم.

در بخش اول، دانش‌آموزان با استفاده از حواس ظاهری نوشته را تا یک بند ادامه می‌دهند.

در بخش دوم، با بهره‌گیری از خیال نوشته را تا یک بند ادامه می‌دهند.

در پایان با اضافه یا کم کردن یک یا چند جمله به این دو بند، یک نوشته منسجم خلق می‌کنند.



کاربرگ شماره ۱

عینک نوشتن

با استفاده از حواس ظاهری، متن زیر را یک بند ادامه دهید.

«لیلا یک نفس قالی می‌بافت. لاله‌ها روی رف روشن بودند. چهار لاله را هم، در دو طرف خودش روی تخته قالی گذاشته بود. دو تا از لاله‌ها، نقشه قالی را روشن نگه می‌داشتند و نور دو تای دیگر، روی دار قالی افتاده بود...» (قالی و قناری، میرکیانی)

.....

.....

.....

.....

.....

.....

با استفاده از ذهن و خیال متن زیر را یک بند ادامه دهید.

«فردا صبح، توپ‌ها دوازده بار شلیک می‌کنند و کالسکه‌ها از ارگ شاهی بیرون می‌آیند. صدای پای اسب‌ها که به سنگ فرش خیابان‌ها می‌خورند، در شهر می‌پیچد و کالسکه را به دروازه غربی می‌برند...» (همان منبع)

.....

.....

.....

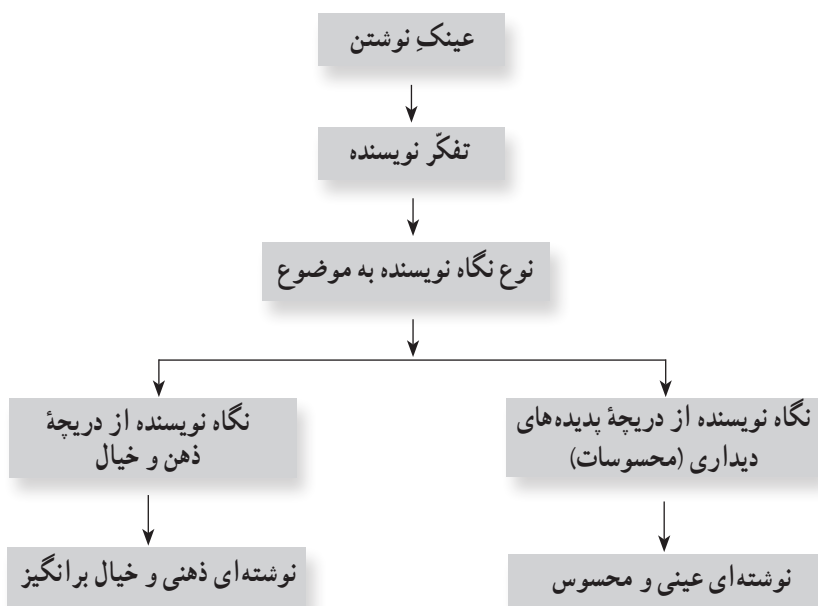
.....

.....

.....

جستاری در متن

اصلی‌ترین علت تفاوت نوشته‌ها در چیست ؟
 اصلی‌ترین علت تفاوت نوشته‌ها در نوع نگاه نویسنده به موضوع است و آنچه نگاه نویسنده را می‌سازد تجربه، آموزش، تربیت و یادگیری است. در نمایه زیر می‌توان تأثیر نوع نگاه نویسنده را بر نوشته ملاحظه نمود.



درنگی در قلمرو فعالیت‌ها

فعالیت ۳

فعالیت ۲

فعالیت ۱

کارگاه نوشتن

توجه : بین فضای عینی و حسی مرزبندی دقیقی نمی‌توان انجام داد و نمی‌توان سنجه‌مند عمل کرد. درک این مسئله حسی است. در برخی زمینه‌ها این کار آسان و در برخی زمینه‌ها دشوار است.

در آموزش عمومی ناگزیریم این تقسیم‌بندی‌ها را بپذیریم تا نظام ذهنی دانش‌آموزان هم ساختاری علمی و طبقه‌بندی شده بیابد.

■ **نوشته یکم:** هر فاصله خودش حکم یک دیوار را دارد. فاصله جزء همان دیوارهایی است که بیشتر مانع است تا محافظ ...

فضای حاکم بر نوشته بیشتر ذهنی است.

■ **نوشته دوم:** کلاغی قارزد و از روی درخت کاج خانهٔ همسایه پرکشید و نشست روی تاجی ماشین. مرد جوان، توی چشم‌های کلاغ، که درشت و مژه دار بود، چیزی دید ...

فضای حاکم بر نوشته بیشتر عینی است.

■ **نوشته سوم:** مراد بلند شد و از نردبام آمد پایین. افسار گاو را گرفت و از درِ خانه بیرون رفت. از کنار نخل گذشت. زیر چشمی، نگاهی به آن انداخت.

فضای حاکم بر نوشته بیشتر عینی است.

■ **نوشته چهارم:** آه چه شب‌ها! ای پنجرهٔ گردِ اتاق من، ای دریچهٔ بسته، چه شب‌ها که از تخت خوابم به سويت نگرستم؛ در حالی که با خود می‌گفتم: اینک هنگامی که ...

فضای حاکم بر نوشته بیشتر ذهنی است.

آگاهی‌های فرامتنی

در بازآفرینی، نویسندگان از موضوع اصلی حکایت‌ها و روایت‌های کهن الهام می‌گیرد و موضوعی جدید با هویتی مستقل می‌آفریند. عمده‌ترین کار در روش بازآفرینی، تغییر دادن موضوع و محتوای اثر و درهم ریختن چارچوب آن و ایجاد چارچوبی تازه است، به گونه‌ای که در چهره‌های قهرمانان افسانه‌ای و حکایت‌های تاریخی و نظیر آن، تغییراتی صورت می‌گیرد که با خواندن اثر مقصد، اثر مبدأ در ذهن خواننده تداعی می‌شود.

بازآفرین مجاز است از موضوع کهن الهام بگیرد و هرگونه تغییری در موضوع، شخصیت‌ها

و... ایجاد کند. او می‌تواند شخصیت‌ها را از مثبت به منفی یا به عکس تغییر دهد و هرگونه اندیشه فلسفی، اجتماعی و هر نوع دیدگاهی را به موضوع مورد نظر خود وارد کند اما، با همه تغییرات و دگرگونی‌هایی که در اثر پیشین ایجاد می‌کند لازم است رگه‌ها و نشانه‌هایی از اثر گذشته را در اثر جدید لحاظ کند و قابل درک و مشاهده باشد، به گونه‌ای که با آن نشانه یاد و خاطره اثر مبدأ در ذهن مخاطب زنده شود.

این تنها موردی است که یک اثر بازآفرین شده را از یک اثر تألیفی خلأفانه و آفرینش مستقیم و بی‌واسطه جدا می‌سازد. در باز آفرینی باید اصول کلی نگارش زبان و ادب فارسی و اصول مهم ساده‌نویسی برای نوجوانان و سایر فنون نویسندگی رعایت شود. یکی از تأثیرات مهم و اساسی بازآفرینی، جلوگیری از انقطاع فرهنگی نسل‌ها و برقراری پل ارتباطی بین فرهنگ کهن و فرهنگ امروز یک ملت است.

اهداف کلی بازآفرینی

- برقرار کردن رابطه بین نوجوانان و ادبیات و فرهنگ کشور، به گونه‌ای که در آنان پیوستگی بین فرهنگ دیرین خود و فرهنگ امروزی حاصل گردد :
- تلطیف ذوق ادبی نوجوانان و افزایش درک کلی آنها از جنبه‌های فرهنگی، دینی، اخلاقی، تاریخی و علوم و فنون، از گذشته تا به امروز؛
- برانگیختن اشتیاق دانش‌آموزان به مطالعه، با استفاده از متون جذاب؛
- تقویت توان نوشتاری مخاطبان، به گونه‌ای که بتوانند آثار و متون کهن فارسی را به زبان فارسی امروز باز نویسند؛
- آشنا کردن دانش‌آموزان با تجارب مختلف زندگی، برای رویارویی با مسائل آتی؛
- استفاده از جنبه‌های اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی متون کهن در راستای اهداف ادبیات نوجوان.

نمونه باز آفرینی

دو چیز طیرهٔ عقل است دم فرو بستن به وقت گفتن و گفتن به وقت خاموشی

(گلستان سعدی)

حکایت آب دزدی

در روزگاران قدیم در قریه‌ای دور افتاده، کدخدایی از خود راضی زندگی می‌کرد. روزی کدخدا تصمیم گرفت به شهر برود. قبل از سفر، مباشر را امر فرمود که به جد به امورات ما رسیدگی نماید. مباشر مردی جدی و از آن مباشرهای به درد بخور بود. از همان‌هایی که برای کدخدا سر را به جای کلاه می‌آورد!

مباشر در حال قیلولة نیم‌روزی بود. ناگهان چاکران از راه رسیدند که چه نشسته‌ای که غضنفر امروز پای از گلیم خود فزاتر نهاده، آب از کشتزار کدخدا بر بوده و بر جالیز خود روانه ساخته است. مباشر سخت کوش و امانتدار! برآشت و سبیل مبارک را تاب داد و بیل بر دوش همراه مردانی چند، آنان نیز بیل بر دوش (ایضاً)، به سوی جالیز روانه گشت. وقتی به جالیز رسید، غضنفر را دید دراز به دراز افتاده، کلاهی نم‌دین بر چهره نهاده، سرخوش و بی‌خیال آب را در جالیز خود رها نموده است. مباشر از بی‌خیالی وی به خشم آمد و خون مبارکش به جوش آمد. با چوبدستی‌اش، کلاه غضنفر را به سویی انداخت و با اشارتی، چاکران بیل به دست را به سوی غضنفر فرستاد. آنان نیز حق مطلب را به نیکویی به جای آوردند و به شایستگی گرد و غبار از تن نحیف وی پرفتند. در این میان، ترجیع‌بند «تا تو باشی دیگر آب دزدی نکنی» یک لحظه از دهان گران‌قدر مباشر قطع نمی‌شد.

غضنفر گنگ و بی‌رمق به گوشه‌ای خزید. همین که هوشیاری‌اش را بازیافت، به یاد آورد چندی پیش، کدخدا از کنار جالیزار رد می‌شد، با صدای نازیبایش، متصل حرف‌های صد تا یک‌غاز می‌زد. در آخر هم گفت: به سبب سفری که در پیش دارم نوبت آبیاری زمینم را با تو جابه‌جا می‌کنم. غضنفر که با کدخدا رودربایستی داشت تا آمد چیزی بگوید کدخدا راهش را کشید و رفت و کلمات انگار در دهان غضنفر ماسید.

اکنون کدخدا به سفر رفته بود و مباشر تهی مغزش، نابهنگام همچون غذایی بر سر وی نازل گشته بود. در این لحظه غضنفر به یاد این بیت معروف افتاد:

دو چیز طیرهٔ عقل است دم فرو بستن به وقت گفتن و گفتن به وقت خاموشی

درس سوم

نوشته‌های عینی

نوشتن مثل مجسمه‌سازی است،
با گذشت زمان آن را می‌تراشی و بالاخره چیزی از آن در می‌آوری.
لحظه‌های نوشتن، لحظه‌های باارزشی است.



نمایه درس سوم

عنوان : نوشته های عینی

محتوا : این درس به چگونگی نگارش نوشته های عینی (دیداری یا حسی) با بهره گیری از حواس پنج گانه می پردازد.

متن و تصویر	کارگاه نوشتن	هنجار نوشتار	شعرگردانی
در این درس آموزش مراحل نوشته های عینی به شرح زیر آمده است : ۱- پرسش سازی ۲- شناسایی و جدا کردن پرسش های عینی ۳- گزینش و سازمان دهی پرسش ها	۱- گزینش و سازمان دهی پرسش ها ۲- انتخاب موضوع و طراحی پرسش و پاسخ ۳- طرح پرسش، سازمان دهی پرسش ها و نشان دادن نقشه نوشتن	۱- انتخاب پرسش های مرتبط با متن ۲- گزینش واژه صحیح و کاربرد درست آن در جمله	درک و دریافت دانش آموزان از شعر؛ بازگردانی و بازپروری آن.

اهداف درس

- تقویت توانایی به کارگیری حواس پنج گانه در نوشتن متن های عینی؛
- آشنایی با مفهوم نوشته های محسوس، دیداری و واقعی؛
- تقویت توانایی بهره گیری از پرسش و پاسخ های عینی در نوشتن موضوعات عینی؛
- تقویت توانایی سامان دهی پرسش های عینی و ذهنی؛
- ایجاد نگرش مثبت، نسبت به طرح پرسش کلی و جزئی در سامان دهی پرسش ها، به منظور تولید یک نوشته عینی؛
- ایجاد علاقه مندی و نگرش مثبت نسبت به بهره گیری از منابع اطلاعاتی در پاسخ گویی به پرسش ها.



روش تدریس

یکی از ویژگی‌های کتاب نگارش دهم (و مهارت‌های نوشتاری متوسطه اول) این است که روش‌های تدریس به گونه‌ای مُستتر در متن درس آمده و اغلب درس‌ها روشمنداند. در این درس نیز برای نوشتن متن‌های عینی روشی در متن درس گنجانده شده است. مراحل این شیوه به شرح زیر است:

مرحله اول: پرسش‌سازی: روش‌های گوناگونی برای پرسش‌سازی وجود دارد، از جمله: در مرحله اول می‌توان برای پرسش‌سازی از قیدهای پرسشی بهره گرفت. سپس براساس برخی از آنها پرسش‌سازی آغاز می‌گردد.

مرحله اول: پرسش‌سازی

۱	چه؟ / چیست؟ (چه است؟)
۲	چرا؟
۳	چگونه؟
۴	آیا؟
۵	کی؟ / چه وقت؟
۶	چه کسی؟ / که؟ / کجا؟ / کیست؟
۷	کجا؟
۸	چه وقت؟
۹	چيست؟



۱	چرا مردم ایران خانه‌های خود را با قالی تزئین می‌کنند؟
۲	نخ‌های قالی چگونه رنگ آمیزی می‌شود؟
۳	آیا قالی‌ها هم می‌توانند پرواز کنند؟
۴	چرا قالی‌بافان از نقشه استفاده می‌کنند؟
۵	قالی‌های نفیس بیشتر کجا یافت می‌شوند؟
۶	آیا می‌توان تصاویر قالی شکارگاه را به صورت داستان نوشت؟
۷	بزرگ‌ترین آرزوی قالی‌ها چیست؟ (= چه است؟)
۸	قالی چیست؟ (چه است؟)
۹	چگونه می‌توان احساس بافنده قالی را دریافت کرد؟
۱۰	نقشه‌های متنوع قالی ایرانی نشانگر چیست؟ (چه است؟)
۱۱	قدیمی‌ترین قالی جهان کدام است؟
۱۲	چرا بافندگان قالی اسم خود را بر روی قالی می‌نویسند؟
۱۳	عبارت «هرکس قالی زندگی خود را خود می‌بافد» یعنی چه؟
۱۴	انسان‌ها قبل از پیدایش قالی از چه چیزی به عنوان زیرانداز استفاده می‌کردند؟
۱۵	مهد قالی جهان کجاست؟
۱۶	قالی‌بافی چه تأثیری بر اقتصاد خانواده‌ها دارد؟

مرحله دوم : شناسایی و جدا کردن پرسش های عینی : در این مرحله پرسش های عینی و ذهنی را جدا می کنیم. پرسش هایی که پاسخ دادن به آنها با بهره گیری از حواس ظاهری امکان دارد، عینی و پرسش هایی که با بهره گیری از ذهن و خیال پاسخ داده می شوند، در حوزه ذهنی قرار می گیرند.

۱	مهد قالی جهان کجاست؟	عینی
۲	نخ های قالی چگونه رنگ آمیزی می شود؟	عینی
۳	آیا قالی ها هم می توانند پرواز کنند؟	ذهنی
۴	چرا قالی بافان از نقشه استفاده می کنند؟	عینی
۵	قالی های نفیس بیشتر کجا یافت می شوند؟	عینی
۶	آیا می توان تصاویر قالی شکارگاه را به صورت داستان نوشت؟	ذهنی
۷	بزرگ ترین آرزوی قالی ها چیست؟	ذهنی
۸	قالی چیست ؟	عینی
۹	چگونه می توان احساس بافنده قالی را دریافت کرد؟	ذهنی
۱۰	نقشه های متنوع قالی ایرانی نشانگر چیست؟	ذهنی
۱۱	قدیمی ترین قالی جهان کدام است؟	عینی
۱۲	قالی بافی چه تأثیری بر اقتصاد خانواده ها دارد؟	عینی
۱۳	عبارت «هرکس قالی زندگی خود را خود می بافت» یعنی چه؟	ذهنی
۱۴	انسان ها قبل از پیدایش قالی از چه چیزی به عنوان زیرانداز استفاده می کردند؟	عینی

مرحله سوم

الف) گزینش: پس از مشخص کردن پرسش‌های عینی، به منظور جلوگیری از طولانی شدن متن، از بین این پرسش‌ها چند پرسش را که از اهمیت و جدّایت بیشتری برخوردارند، انتخاب می‌کنیم. ضمناً پرسش‌هایی را انتخاب می‌کنیم که درباره آنها اطلاعات کافی داشته باشیم :

نمونه

۱	چرا قالی بافان از نقشه استفاده می‌کنند؟	عینی
۲	نخ‌های قالی چگونه رنگ آمیزی می‌شود؟	عینی
۳	قالی چیست ؟	عینی
۴	مهد قالی جهان کجاست؟	عینی
۵	جنس قالی چیست؟	عینی

مرحله سوم

ب) سازمان‌دهی پرسش‌ها: در این مرحله پرسش‌ها را، پس از سازمان‌دهی، طبق یک نظم منطقی آنها را مرتب می‌کنیم و به آنها پاسخ می‌دهیم. حرکت از کل به جزء و از چارچوب و طرح کلی به سمت خصوصیات ریزتر است.

نمونه

۱	قالی چیست؟	عینی
۲	جنس قالی چیست؟	عینی
۳	نخ‌های قالی چگونه رنگ آمیزی می‌شود؟	عینی
۴	چرا قالی بافان از نقشه استفاده می‌کنند؟	عینی
۵	مهد قالی جهان کجاست؟	عینی

و در مرحله نهایی براساس پاسخ پرسش‌ها، متنی خلق می‌گردد.

جستاری در متن

در این درس شایسته است نمونه‌های متعددی از نوشته‌های عینی در کلاس درس خوانده شود. نوشته زیر یکی از آنهاست :

«برگ‌های نارنج انبوه کلاس را تاریک می‌کرد. تازه تخته سیاه را با نمد پاره کثیفی پاک کرده بودند. ذرات گچ در فضای اتاق موج می‌زد و در ریه‌های ما می‌رفت. هنوز آقای معلّم نیامده بود...»
(شلوارهای وصله‌دار، رسول پرویزی)

درنگی در قلمرو فعالیت‌ها

فعالیت ۳

فعالیت ۲

فعالیت ۱

کارگاه نوشتن

۱- مراحل این شیوه به شرح زیر است :

در کتاب مرحله پرسش‌سازی انجام شده است.

مرحله دوم : شناسایی و جدا کردن پرسش‌های عینی

عینی	زعفران چیست؟	۱
عینی	چه رنگی است؟	۲
عینی	چه طعمی دارد؟	۳
عینی	چه بویی دارد؟	۴
عینی	نحوه کشت آن چگونه است؟	۵
عینی	کاربرد آن چیست؟	۶
ذهنی	چرا زعفران با طلا برابری می‌کند؟	۷
عینی	زعفران چگونه بسته‌بندی می‌شود؟	۸

۹	آیا نوع بسته‌بندی زعفران اهمیت خاصی دارد؟	ذهنی
۱۰	هزینه کشت زعفران چقدر است؟	عینی
۱۱	آیا کشت زعفران، کارکرد اقتصادی دارد؟	ذهنی
۱۲	آیا زعفران از موادّ ضروری در تهیهّ خوراکی‌هاست؟	ذهنی
۱۳	زعفران چه خاصیت‌هایی دارد؟	ذهنی

مرحله سوم

الف) گزینش و سازمان‌دهی پرسش‌ها : پس از مشخص کردن پرسش‌های عینی، به سازمان‌دهی آنها می‌پردازیم و طبق یک نظم منطقی آنها را مرتب می‌کنیم و به آنها پاسخ می‌دهیم.

نمونه

۱	زعفران چیست؟
۲	کاربرد آن چیست؟
۳	چرا زعفران با طلا برابری می‌کند؟
۴	زعفران چه خاصیت‌هایی دارد؟

ب) نوشته کیک زرد :

- کیک زرد چیست؟
- در چه فرایندی تولید می‌شود؟
- ارتباط آن با بمب اتمی چیست؟
- در چه کشورهایی کیک زرد تولید می‌شود؟
- چرا به اورانیوم کیک زرد می‌گویند؟
- کیک زرد چگونه تهیه می‌شود؟
- کاربرد اصلی آن چیست؟
- موادّ تشکیل‌دهنده آن چیست؟

سازمان دهی پرسش‌ها :

- کیک زرد چیست؟
- کاربرد اصلی آن چیست؟
- در چه فرایندی تولید می‌شود؟
- ارتباط آن با بمب اتمی چیست؟
- کیک زرد چگونه تهیه می‌شود؟
- مواد تشکیل‌دهنده آن چیست؟
- چرا به اورانیوم کیک زرد می‌گویند؟
- در چه کشورهایی کیک زرد تولید می‌شود؟

آگاهی‌های فرامتنی

شعرگردانی : شعر، سخنی اندیشیده، خیال‌انگیز و موزون است که با شگردهای هنری و ادبی، حس زیبایی‌شناسی انسان را برمی‌انگیزد.

توجه به جابه‌جایی و حذف ارکان در فرایند شعرگردانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در اصل شاعر در عالم ذهن محتوایی را با عناصر شعری آمیخته است. ساخت شعر، برخلاف نثر، فراهنجار است یعنی فراتر از هنجار و زبان معیار است. در شعرگردانی این ساختار فراهنجار به ساخت معیار و هنجار زبان فارسی باز می‌گردد.

شعرگردانی نیز همچون تصویرنویسی، حکایت‌نگاری و مثل‌نویسی شگردی برای نوشتن است. نمایه زیر، درجه اهمیت عناصر مختلف را به عنوان شگردهایی برای نوشتن نشان می‌دهد. گستردگی، عمق، غنا، خیال‌انگیزی و تفکرزایی شعر موجب گشته است که شعرگردانی در صدر این نمایه قرار گیرد.



وقتی ما به گفتن یا نوشتن می‌پردازیم، سخن ما به‌طور طبیعی بر پایه منطق زبان استوار است و ارکان زبان را در جای صحیح خود به کار می‌بریم اما زبان شعر اغلب این گونه نیست. در زبان شعر ارکان زبان معمولاً جابه‌جا یا حذف می‌گردد.

برای بازگردانی شعر مقدماتی لازم است:

❖ شناخت هنجار زبان فارسی معیار؛

❖ شناخت ویژگی‌های زبان ادبی.

منظور از شعرگردانی، فقط بازگردانی شعر و تبدیل آن به زبان ثر نیست؛ بلکه این تمرین بهانه‌ای است برای به کار افتادن چرخه‌های ذهنی و فضا سازی در هنگام نوشتن. برای اجرای این کار برداشتن گام‌های زیر پیشنهاد می‌گردد:

۱ **تأمل**: درنگ در بیت و شناخت واژه‌های آن. در این مرحله ذهن خواننده بر پرونده ابیات خیمه می‌زند تا تلفظ، معنا، املا، ساختمان و نوع واژه‌ها را شناسایی کند.

۲ **فهم**: فهم اولیه و ارتباط با متن در حد معنای ظاهری واژگان و شکل‌گیری شبکه معنایی.

۳ **ادراک**: منظور از ادراک، درک اجزای متن و روابط میان آنها و کشف هسته معنایی شعر است. به عنوان نمونه وقتی خواننده می‌گوید بیتی درباره شادی است، در واقع به محتوا و کشف هسته معنایی آن رسیده است.

۴ **پرورش فکر**: ایجاد ایستگاه‌های ذهنی برای پرورش معنا. معنایی را که خواننده در مرحله قبل کشف کرده است در این مرحله پرورش می‌دهد.

۵ **معناسازی**: با توجه به موضوع مشخص شده معناسازی می‌کند و خوشه‌ها و معناهایی برای آن می‌آفریند.

خوشه

شاخه

هسته

۶ **نگارش متن**: شعرگردانی در اصل فرصت‌های فکری برای رشد ذهن است. این روش همچنین موجب تقویت مهارت نوشتن می‌گردد.

شعر گردانی در اصل ایجاد فرصت‌های فکری برای رشد ذهن است.

درس چهارم



نوشته‌های گزارش گونه



یا چیزی بنویس

که قابل خواندن باشد

یا کاری کن

که قابل نوشتن باشد.



نمایه درس چهارم

عنوان : نوشته‌های گزارش گونه

محتوا : آموزش نوشته‌های گزارش گونه به عنوان یکی از انواع نوشته‌های ذهنی

متن و تصویر	کارگاه نوشتن	هنجار نوشتار	حکایت‌نگاری
این درس به یکی از انواع نوشته‌های عینی اشاره دارد. گزارش، نمونه نوشته عینی است که در طی دو مرحله آموزش داده می‌شود : – طرح پرسش‌های گوناگون عینی – گزینش و سازمان‌دهی پرسش‌ها	– طرح پرسش براساس گزارش – سازمان‌دهی پرسش‌ها – انتخاب موضوع و خلق نوشته‌ای با بهره‌گیری از شیوه پرسش و پاسخ‌سازی – ارزیابی نوشته‌ها براساس سنجش‌های درس	– کاربرد واژه‌های متناسب با فضای حاکم بر نوشته – توجه به ویژگی‌های معنایی و آوایی واژگان	بازنویسی حکایتی از گلستان سعدی به زبان ساده

اهداف درس



- آشنایی با نوشته‌های گزارش گونه؛
- آشنایی با کاربرد نوشته عینی در گزارش نویسی؛
- آشنایی با استفاده از روش پرسش‌سازی در گزارش نویسی؛
- تقویت توانمندی در کاربرد واژه‌های متناسب با فضای حاکم بر نوشته؛
- ایجاد نگرش مثبت نسبت به نگارش نوشته‌های عینی.

■ روش تدریس گروه‌های مکمل : در درس چهارم بر «پرسش‌سازی» و طرح پرسش‌هایی مناسب تأکید شده است.

برای آموزش گزارش‌نویسی، که نوعی از نوشته عینی است، به شرح زیر عمل می‌کنیم :

آموزش از طریق گروه‌های مکمل

گام یکم: گروه‌بندی

دانش‌آموزان به صورت گروه‌های شش نفره و هر گروه به دو دسته «الف» و «ب» تقسیم می‌شوند.

گام دوم: ارائه کاربرگ

دو کاربرگ مختلف در اختیار داریم : «کاربرگ شماره یک» و «کاربرگ شماره دو». کاربرگ‌ها را در اختیار هر یک از گروه‌ها قرار می‌دهیم.

کاربرگ شماره یک : در کاربرگ شماره یک، سه موضوع برای گزارش‌نویسی مشخص شده است (نکته بسیار مهمی که در انتخاب موضوع گزارش باید به آن توجه کنیم این است که انتخاب موضوعات باید به گونه‌ای باشد که دانش‌آموزان به آن احاطه کامل داشته و مکان و فضای مورد نظر را دیده و درباره آن به اطلاعات کافی دست یافته باشند).

اعضای گروه یکی از موضوعات را به دلخواه برمی‌گزینند و درباره آن، هشت تا ده پرسش عینی طرح می‌کنند. سپس به سامان‌دهی پرسش‌ها می‌پردازند و به آنها پاسخ می‌دهند.

کاربرگ شماره دو : در زمانی که اعضای «دسته الف» در حال طرح پرسش و پاسخ‌گویی به پرسش‌ها هستند کاربرگ شماره دو نیز در اختیار «دسته ب» قرار می‌گیرد.

در این کاربرگ گزارشی وجود دارد. اعضای دسته ب باید پرسش‌هایی را که ممکن است گزارش براساس این پرسش‌ها شکل گرفته باشد از دل این گزارش استخراج کنند و بر روی کاربرگ ثبت نمایند.

گام سوم: نوشتن متن

اکنون هر یک از دسته‌های الف و ب باید براساس پرسش‌های کاربرگ خود، متنی گزارش‌گونه بنویسند.

کاربرگ شماره یک اکنون حاوی پرسش و پاسخ‌هایی پیرامون موضوعی است که در اختیار دسته ب قرار می‌گیرد و اعضای گروه براساس این پرسش و پاسخ‌ها نوشته‌ای گزارش‌گونه می‌نویسند. در همین زمان صفحه دوم کاربرگ شماره دو (که تنها حاوی پرسش‌ها و پاسخ‌های دسته ب است) در اختیار دسته الف قرار می‌گیرد و آنان بدون اینکه نوشته گزارش‌گونه را ببینند تنها براساس پرسش و پاسخ دسته «ب» نوشته‌ای گزارش‌گونه می‌نویسند.

گام چهارم: قرائت متن در گروه

در این مرحله با نظارت معلم نوشته‌های دسته الف و ب در گروه‌شش نفره مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

درنگی در قلمرو فعالیت‌ها

فعالیت ۳

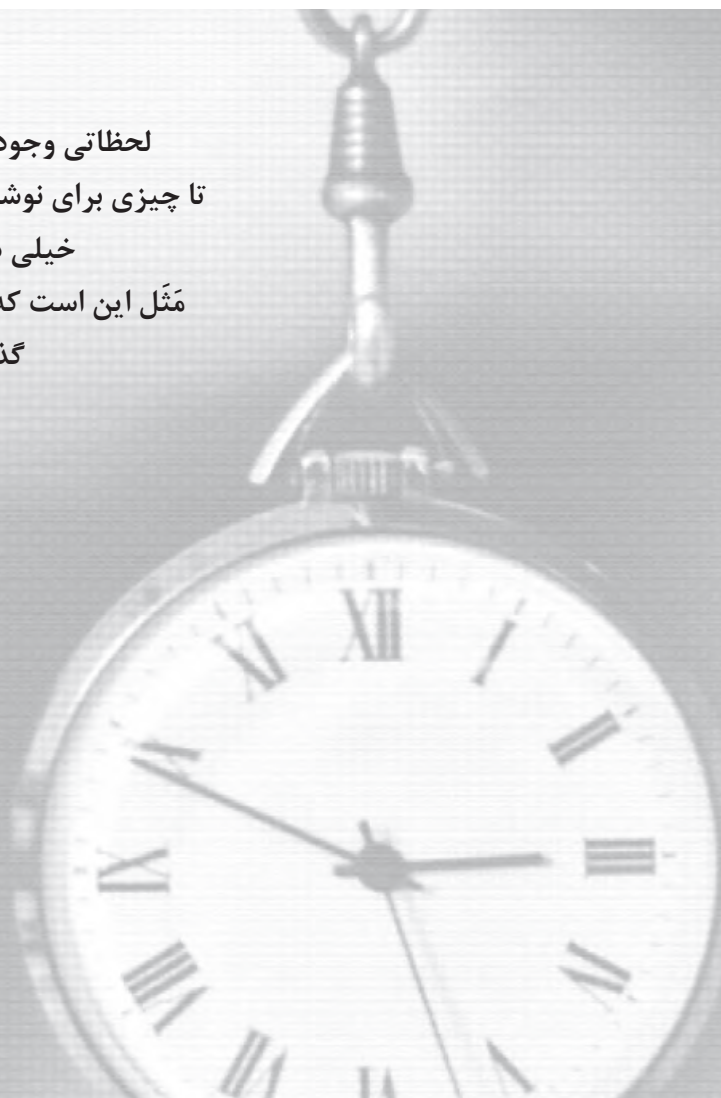
فعالیت ۲

فعالیت ۱

از آنجایی که روش پرسش‌سازی در تولید متن‌های عینی در درس گذشته بیان شد، این بخش به ارائه پاسخ و توضیح نیاز ندارد.

نوشته‌های ذهنی (۱) جانشین‌سازی

لحظاتی وجود دارد که می‌نشینیم
تا چیزی برای نوشتن پیدا کنیم. این لحظات
خیلی دردناک است،
مثلاً این است که یک شمع کف دستمان
گذاشته‌ایم.



نمایه درس پنجم

عنوان : نوشته‌های ذهنی (۱) جانشین‌سازی

محتوا : بهره‌گیری از روش جانشین‌سازی برای خلق نوشته‌های ذهنی

متن و تصویر	کارگاه نوشتن	هنجار نوشتار	حکایت‌نگاری
<p>قرار دادن خود به جای موضوع یا پدیده‌ای دیگر و از نگاه آن پدیده یا موضوع نگرستن به جهان پیرامون. در این جانشینی باید عواطف، حس و حال، نوع نگرش، لحن کلام و شیوه بیان متناسب با موضوع باشد. مانند نوشتن درباره افتاب از زبان یخ. به همین منظور پیش از نوشتن باید اطلاعات و شناخت کلی درباره چپستی، ویژگی‌ها و کارکرد موضوع به دست آورده شود.</p>	<p>در فعالیت شماره یک خواهیم داشت : - تفکیک نوشته‌ها از نظر ذهنی و عینی - مشخص کردن نوشته‌ای که به شیوه جانشین‌سازی نوشته شده است. نوشتن موضوعی با استفاده از روش جانشین‌سازی ارزیابی نوشته‌ها براساس سنجه‌های درس</p>	<p>انسجام و یکپارچگی متن با توجه به دو نکته زیر صورت می‌پذیرد : ۱- ارتباط معنایی جمله‌ها. ۲- توجه به نشانه‌های انسجام زبانی</p>	<p>بازآفرینی و گسترش یکی از مَثَل‌ها به دلخواه</p>

اهداف درس

- آشنایی با نوشته‌های ذهنی؛
- تقویت نگارش متن‌هایی به کمک توانمندی‌های ذهن و خیال؛
- تقویت توانایی تشخیص نوشته‌های ذهنی و عینی؛
- تقویت توانمندی بهره‌گیری از روش جانشین‌سازی در نوشتن متن‌های ذهنی؛
- تقویت توانایی توجه به نکات نادیده و ناشکفته موضوع از طریق جانشین‌سازی؛
- ایجاد نگرش مثبت نسبت به امکان ایجاد ظرفیت‌های جدید برای نوشتن از طریق جانشین‌سازی؛
- آشنایی با انسجام معنایی و زبانی در متن.

روش تدریس

روش بدیعه‌پردازی : با توجه به عنوان درس (جانشین‌سازی) می‌توان برای تولید نوشته از روش «بدیعه‌پردازی» بهره جست. این روش بر بنیان پنج مرحله بنا نهاده می‌شود. یکی از مراحل آن جانشین‌سازی است.

روش بدیعه‌پردازی از روش‌های الگوی پردازش اطلاعات است. این الگو به وسیله «ویلیام گوردن» و دستیاران وی (۱۹۶۱) طراحی شده است. عنصر اصلی در این روش استفاده از مقوله «قیاس» است. به وسیله قیاس، موضوعی معمولی و آشنا با شیوه‌ای نو بررسی و بیان می‌گردد.

برای نوشتن متنی درباره زمستان با بهره‌گیری از روش بدیعه‌پردازی به شیوه زیر عمل می‌کنیم :

مرحله نخست : توصیف شرایط حاضر یا موجود : در مرحله نخست دانش‌آموزان موضوع مورد نظر را توصیف می‌کنند. به همین منظور معلم دانش‌آموزان را ترغیب می‌کند تا شرایط یا موقعیت پدیده‌ای را آن‌چنان که دیده و حس کرده‌اند توصیف کنند، به گونه‌ای که تصویر کاملی از آن ارائه دهند.

- زمستان سرد و سپید است.
- آخرین فصل سال است.

- سه ماه دارد.
 - روزهای آن کوتاه و شب‌های بلند است.
 - بارش برف زمستانی طبیعت را زیبا می‌کند.
 - بارش باران زمستانی همه جا را پاک و تمیز می‌کند.
 - پایان زمستان به بهار منتهی می‌شود.
 - نام اولین شب زمستان یلداست.
- مرحله دوم : قیاس مستقیم : در این مرحله، معلّم از دانش‌آموزان می‌خواهد که دست به «قیاس مستقیم» بزنند. گاه معلّم مفهوم یا نمونه مورد قیاس را ارائه می‌دهد. گاه دانش‌آموزان خود آن را انتخاب می‌کنند. نمونه‌های زیر از سوی معلّم بیان شده است :
- زمستان مانند زنی است که گرد سپید پیری بر موهایش نشسته است.
 - زمستان همچون حلقه‌ای پاییز را به بهار وصل می‌کند.
 - نفّس سرد زمستان همانند آه سردی طبیعت را منجمد می‌کند.
 - زمستان دانه‌های برف را، که همچون مرواریدهای صدف‌اند، به عنوان هدیه برای زمین می‌فرستد.
- مرحله سوم : قیاس شخصی (جانشین‌سازی) : در این مرحله معلّم از دانش‌آموزان می‌خواهد خودشان را به جای مفهوم مورد نظر قرار دهند و از زبان او سخن بگویند و احساساتش را بیان کنند.
- از اینکه با آمدنم پرندگان نمی‌مانند و به جاهای گرم‌سیر کوچ می‌کنند، غمگینم.
 - وقتی سر و روی شهر را می‌شویم و همه جا پاک و تمیز می‌شود خوشحال می‌شوم.
 - لحظات زیبای ریزش دانه‌های سپید مروارید بر سر زمین مرا به وجد می‌آورد.
 - درختان با تکان دادن سرشاخه‌هایشان ازمن، به سبب اینکه لباس‌های سپیدی برایشان فرستاده‌ام، قدردانی می‌کنند.
 - دیدن خواب زمستانی حیوانات برایم کسالت بار است.
 - گاهی که خشمگین می‌شوم، با سر و صدا و هیاهو طوفان به راه می‌اندازم.
 - از گریه عاشقانه‌ام باران‌های سیل‌آسا، از گریه غمگینانه‌ام رگبار و از دل‌نگی‌هایم تگرگ حاصل می‌شود.

... ■

مرحله پنجم : تعارض فشرده (هماورد ناسازها) : در این مرحله معلّم از دانش‌آموزان

می‌خواهد بر اساس توصیف‌های ارائه شده در قیاس شخصی، مفاهیم متضاد را ارائه نمایند و سپس از میان این قیاس‌ها بهترین را انتخاب کنند.

■ ساکت و پرهیاهو

■ آرام و بی‌قرار

■ خشمگین و مهربان

مرحله ششم: بررسی مجدد تکلیف/تولیه: در این مرحله فراگیران به مسئله یا تکلیف اولیه برمی‌گردند و درباره موضوع زمستان، نوشته‌ای خلق می‌کنند.

بالاخره زمستان از راه رسید، همراه کاروانی از ابرهای سفید و خاکستری. همان طور که روی یکی از ابرها لم داده بود، از بالا نگاهی به آخرین برگ‌های نارنجی باغ‌ها انداخت. دست‌های بزرگش را در کوله بارش برد تا ببیند ننه سرما چه چیزهایی را برایش توشه راه کرده است.

اول دستش به چند دست لباس سفید بلند، که برای کاج‌ها آماده شده بود، برخورد کرد. بعد هم چند گردنبند بلند مروارید نشان را دید که هر کدام از آنها می‌توانست یک شهر را از برف سفید پوش کند.

کوله بار را زیر و رو کرد. مثل همیشه ننه سرما کلی هدیه برای همه فرستاده بود. چیزهایی که هوا هو خان از آن سردر نمی‌آورد. او تنها فرزند ننه سرما بود و «هوا هو» نامی بود که ننه سرما برای او انتخاب کرده بود.

در کیسه را بست و آن را داخل یکی از ابرها پیچید و کنار گذاشت. هوا هو خسته شد، خمیازه‌ای کشید و شهر یر شد از نفس سرد او. ناگهان در گوشه‌ای از آسمان، فوجی از پرستوهای مهاجر را دید که یکباره دسته جمعی به سوی آسمان اوج گرفتند، انگار از دست او فرار می‌کردند. کودکان از سرما، بازی را رها کردند و به خانه‌ها پناه بردند. مردها پنجره‌ها را بستند و زن‌ها سراغ لباس‌های زمستانی رفتند. بخار سفیدی از دودکش خانه‌ها بلند شد.

هوا هو نگاهش به کوه‌ها افتاد. خرس قهوه‌ای سلانه سلانه و خواب آلود به سمت غار می‌رفت تا خواب زمستانی‌اش را با خیال راحت آغاز کند.

به پنجره‌هایی که یکی پس از دیگری بسته می‌شد نگاه کرد. چشمش به یک پنجره نیمه باز افتاد و جوانی را دید که با چشمانی غمگین به ابرها خیره شده بود و با خود شعری را زمزمه می‌کرد. هوا هو دیگر طاقت نیاورد و زد زیر گریه. از گریه عاشقانه اش بارانی در گرفت.

درنگی در قلمرو فعالیت‌ها

فعالیت ۱

فعالیت ۲

فعالیت ۳

کارگاه نوشتن

یادآوری: طبقه بندی نوشته‌ها در دو قلمرو عینی و ذهنی تقریباً نسبی است. معیار تعیین نوع نوشته (عینی، ذهنی) فضای حاکم بر نوشته است. مثلاً ممکن است نوشته‌ای با نگاه عینی آغاز شود اما با نگرش ذهنی، بسط و گسترش یابد. بنابراین شرط تعیین نوع و نام‌گذاری، توجه به فضای عمومی نوشته و غلبه آن نوع است.

نوشته اول: نوشته ذهنی

این متن را یک فرد بزرگسال نوشته است اما از زاویه دید یک کودک سخن گفته است. پس از جانشین‌سازی استفاده کرده و نوشته او تراوش ذهن اوست.

نوشته دوم: نوشته عینی بیان واقعیتی از سیر تاریخ ادبیات ایران

نوشته سوم: نوشته ذهنی

آگاهی‌های فرامتنی

هنجار نوشتار

«براون» و «یول»^۱ اصطلاح «متن» را، اصطلاحی تخصصی می‌دانند که برای نامیدن یک اثر زبانی در رویداد ارتباطی به کار می‌رود (براون و یول، ۱۹۸۳)؛ اما باید در نظر داشت که بدون پیوند و همبستگی میان اجزای کلام، متن تحقق نمی‌یابد. از این رو عواملی لازم است که اجزای کلام را پیوند دهد تا آن را یکپارچه سازد و ما بتوانیم آن را «متن» بنامیم.

«هلیدی» و «حسن»^۲ وجود روابط انسجامی میان جمله‌ها را معیار «ایجاد متن» می‌دانند و بیان می‌نمایند که روابط انسجامی «بافتار» متن را می‌آفرینند. به بیان دیگر، عاملی که متن را از غیرمتن متمایز می‌سازد، بافتار است و بافتار به وسیله ارتباط انسجامی تأمین می‌گردد. روابط انسجامی وقتی

وجود دارد که تعبیر برخی عناصر کلام وابسته به عناصر دیگر باشد (هلیدی و حسن، ۱۹۷۶).

روابط انسجامی را می‌توان به دو دسته طبقه‌بندی کرد :

■ انسجام معنایی

■ انسجام زبانی

در این درس دو متن ارائه شده است : یکی فقط انسجام معنایی دارد و دیگری علاوه بر انسجام معنایی از ابزارهای صوری زبانی جهت انسجام بهره برده است. این ابزارها عبارت‌اند از :

ابتدا، سپس، اولین، و، اما، دومین

استفاده از ابزارهای زبانی سبب می‌شود خواننده پیام متن را بهتر درک کند. تجربه نشان داده است که دانش‌آموزان در کاربرد درست این ابزارها مشکل دارند. هدف از آموزش این هنجار به کارگیری صحیح این ابزارهای زبانی است. این ابزارها به ترتیب در درس‌های شش تا هشت معرفی می‌شوند.

مَثَل نویسی

در این درس به چند مَثَل اشاره می‌شود که می‌توان آنها را به روش‌های گوناگونی گسترش داد. برای شکستن ذهنیت‌های پیشین و ورود به عرصه‌های نوین، راهکارهای متعددی ابداع گردیده است که متداول‌ترین آنها تفکر موازی است.

واضع این شیوه (ادوارد دو بونو)، روش معمول تفکر را همانند حفر گودالی توصیف می‌کند که با افزایش اطلاعات فرد، گودال عمیق‌تر می‌شود، در نتیجه از دیدن جاهای دیگر برای حفر کردن باز می‌ماند. در حالی که تفکر موازی نگاه فرد را به نقاط جدید معطوف می‌سازد و اطلاعات و تجربه‌های جدید، صرفاً به اندیشه‌های قبلی افزوده نمی‌شود، بلکه آنها را تغییر می‌دهد و الگو و ساختار جدیدی را ایجاد می‌کند.

برای نمونه مَثَل «اگر با ماه نشینی ماه شوی، با دیگ نشینی سیاه شوی»، با بهره‌گیری از تفکر موازی بازآفرینی گردیده است :

ماه رویان و دیوخیوان

در دوره‌ای به نام دورهٔ ماهانیان، در زمان‌های خیلی دور و در دهی بسیار دورتر مردمی می‌زیستند. روستای آنان از یک سو به کوهستان و از سوی دیگر به درّه‌ای مخوف مُشرف بود.

مردمی که در سمت کوهستان می‌زیستند به «ماه رویان» شهرت یافتند و گروهی که در سمت درّه خانه داشتند به دیگ خویان معروف شدند.

ماه رویان را از آن روی به این نام می‌خواندند که خُلق و خوی نیک و همچون ماه ایشان بر چهره‌هایشان مؤثر واقع گردیده بود و همگی خوش‌رو، خوش مشرب و خوش گفتار شده بودند و خلاصه آنچه خوبان همه دارند یکجا در آنان جمع شده بود.

در سوی دیگر ده گروهی دیو سیرت و دیو سیما می‌زیستند. خلق و خوی آنان نیز در حدّ کمال بر سیمایشان اثر گذاشته بود. به این گروه «دیو روی» می‌گفتند. با گذشت زمان نام این گروه از «دیو روی» به «دیگ روی» مبدّل گشت.

وقتی مسافری قصد سفر به ده ایشان را داشت، به او نصیحت می‌کردند که اگر با ماه نشینی «ماه» شوی و اگر با دیگ نشینی «سیاه» شوی.

در این مَثَل، مراد از ماه، همان «ماه رویان» و مراد از دیگ، همانا «دیگ رویان» است.



نوشته‌های ذهنی (۲) سنجش و مقایسه



نویسندگی خلاق می‌تواند
به التیام لطمه‌های گذشته کمک کند و احساسات افراد را
به حالت عادی برگرداند، همچنین می‌تواند فشار روحی را کاهش، درد
را تسکین و روحیه را تغییر دهد.



نمایه درس ششم

عنوان : نوشته‌های ذهنی (۲) سنجش و مقایسه

محتوا : بهره‌گیری از روش مقایسه به منظور خلق نوشته‌های ذهنی

متن و تصویر	کارگاه نوشتن	هتجار نوشتار	شعرگردانی
این درس به برقراری پیوند بین پدیده‌ها، کشف روابط بین آنها، درک شباهت‌ها و تفاوت‌های آنها و درک روابط معنایی موضوعات براساس قیاس، اشاره دارد. در نوشتن عینی، دو پدیده را که در یک طبقه قرار دارند مقایسه می‌کنیم ولی برای ذهنی نوشتن می‌توان موضوعاتی را با یکدیگر مقایسه کرد که هیچ سنخیتی با یکدیگر ندارند.	دریافت پدیده‌ها یا موضوعاتی که نویسنده برای خلق نوشته، آنان را با یکدیگر مقایسه کرده است. انتخاب موضوع و خلق نوشته با بهره‌گیری از روش سنجش و مقایسه ارزیابی نوشته‌ها بر اساس سنجش‌های درس	آموزش نشانه‌هایی که با پیوند جملات موجب افزایش انسجام متن می‌گردند.	بازگردانی و بازپروری شعری از سعدی



اهداف درس

- آشنایی با روش سنجش و مقایسه در نوشتن متن‌های ذهنی؛
- تقویت توانایی برقراری پیوند بین موضوع نوشته با موضوعات دیگر و کشف روابط بین آنها، به منظور نوشتن متن‌های ذهنی؛
- تقویت درک شباهت‌ها و تفاوت‌های میان موضوع نوشته با موضوعات دیگر؛
- جدّابیت بخشیدن به موضوع نوشته از طریق کشف روابط بین موضوعات بی‌ارتباط با یکدیگر؛
- درک اهمیت انسجام در نوشته‌های ذهنی؛
- آشنایی با نقش یکی از ابزارهای زبانی (نشانه ربط عاطفی).

مهارت کشف روابط میان عناصر : شگرد کشف روابط میان عناصر، یکی از شیوه‌های ظاهر ساختن توانایی خلاقیت افراد به شمار می‌رود که توسط «چارلز - اس - وایتینگ» ابداع شده است. در این روش باید بین دو گروه از پدیده‌ها، که به ظاهر پیوندی با یکدیگر ندارند، رابطه ایجاد کرد. در این شگرد، اعضای گروه برای یافتن رابطه بین دو زمینه‌ای که با یکدیگر مانوس و مرتبط نیستند دست به تلاش فکری می‌زنند و در این راه به ایده‌ها و نظرات جدیدی می‌رسند.

در آغاز هدف از ایجاد ارتباط، برای اعضای گروه بیان می‌شود. به طور کلی می‌توان گفت فلسفه ایجاد این شگرد مبتنی برنظریه ضبط اطلاعات زمینه‌ای در حافظه است. به این معنی که ساختار ذهن طوری است که اطلاعات به همراه زمینه یا اطلاعات محیط اطرافش در حافظه وارد و ضبط می‌گردد.

برای نمونه اگر شما اولین بار با فردی در حال شادی آشنا شده باشید، هرزمان به یاد او می‌افتید حالت شادی به شما دست خواهد داد. همچنین اگر تلاش کنید فهرست غذا را به خاطر بیاورید به همراه آن ممکن است چیزهایی مثل رستوران، آشپز، نوشیدنی، بشقاب یا اقلام شبیه آنها برایتان تداعی شود. اما هیچ‌گاه تراکتور یا اتو به یادتان نمی‌آید (مگر آنکه خاطره‌ای از فهرست غذا و تراکتور یا اتو داشته باشید). لذا این شگرد کمک می‌کند تا اطلاعات از زمینه‌های آن جدا شود و با یکدیگر ارتباط جدیدی را برقرار سازند. چه بسا در این رهگذر بتوان به ایده‌های تازه‌ای نیز دست یافت. در این شگرد دو یا چند موضوع کاملاً بی‌پیوند با یکدیگر را برمی‌گزینیم. سپس سعی می‌کنیم بین آنها نوعی ارتباط بیابیم.

برای انتخاب یک مفهوم یا کلمه تصادفی چند راه وجود دارد :

۱ یک صفحه از فرهنگ لغت را باز می‌کنیم و از درون آن کلمه‌ای را انتخاب می‌نماییم.

۲ از دوست خود یا از افراد خانواده درخواست می‌کنیم کلمه‌ای به ما معرفی کنند.

۳ از اشیای اطراف خود الهام می‌گیریم.

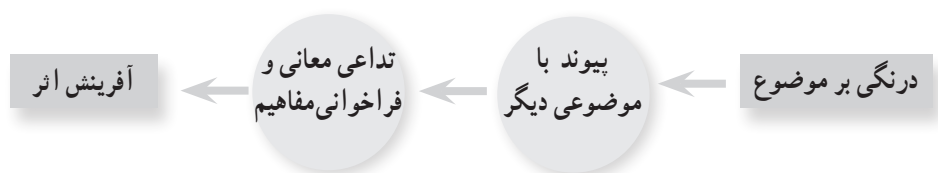
مثال : در این مثال روش کار را مرور می‌کنیم :

فرهنگ لغت را باز می‌کنیم. کلمه صندلی را می‌بینیم. بنابراین اولین کلمه «صندلی» است.

این کار را تکرار می‌کنیم. این بار، کلمه «زمین» را می‌بینیم.

حال سعی می‌کنیم بین زمین و صندلی ارتباط برقرار کنیم و مفاهیم جدید بسازیم. لازم نیست ایده‌های خود را محدود به این دو واژه کنیم. نقش این دو فقط الهام بخشیدن است. حتی مهم نیست که ایده‌های ما عینی و عملی باشد یا ذهنی. هدف بهره‌گیری از این راهکار، آزاد کردن ذهن است. در درس ششم به این نکته اشاره شده است که برای نوشتن متن‌های ذهنی به روش سنجش و مقایسه از مرز حواس فراتر می‌رویم و در فضای ذهن آزادانه حرکت می‌کنیم. بنابراین می‌توانیم دو چیز را، که به ظاهر هیچ سنخیتی با یکدیگر ندارند، با هم مقایسه کنیم، از جمله مقایسه کتاب با انسان، درخت یا آسمان و نمونه‌های دیگری که در کتاب به آنها اشاره شده است.

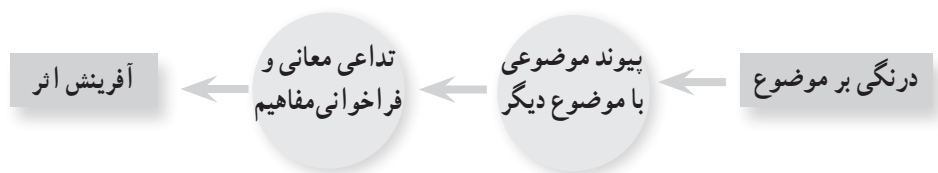
نمایه خلق نوشته بر پایه کشف روابط



اصل «تداعی معانی» در منطق به سه طریق صورت می‌گیرد: تشابه، تضاد و مجاورت. اگر این اصل به درستی تبیین شود کشف روابط میان عناصر برای دانش‌آموز با گستره بیشتری تحقق می‌یابد. تشابه، تضاد و مجاورت می‌توانند عینی باشند یا تخیلی.

هنگامی که برای نوشتن متن‌های ذهنی از پیوند زدن موضوعی با موضوعات دیگر بهره می‌بریم، موضوع دوم عمل درک و ارتباط یابی را آسان می‌کند و در پی آن، بار معنایی پنهان در موضوع (انرژی پنهان موضوع) آزاد می‌شود و شبکه‌ای از مفاهیم شکل می‌گیرد.

تسهیل‌گر



درنگی در قلمرو فعالیت‌ها

فعالیت ۳

فعالیت ۲

فعالیت ۱

کارگاه نوشتن (فعالیت نگارشی یکم)

در این فعالیت نویسنده در هر یک از بخش‌ها، پدیده‌های مختلفی را با هم مقایسه کرده است، از جمله:
نوشتۀ یکم:

جنگ و صلح	دشمنی و دوستی	دیو و رستم	گرگ و بره
زوزه گرگ و بع بع بره	دوستان و بیگانگان	عَلَم جنگ و بیرق صلح	... و ...

نوشتۀ دوم:

آدم و گرگ	آدم و موش	آدم و گوسفند	آدم و مرغ	... و ...
-----------	-----------	--------------	-----------	-----------

آگاهی‌های فراментنی

هنجارنوشتار: در این درس با اولین ابزار زبانی انسجام متن، یعنی نشانهٔ ربط عاطفی که بسیار پربسامد است آشنا می‌شویم.

و، هم، نیز، به علاوه، ...

این نشانه، از ابزارهای زبانی انسجام متن و نقش آن همپایه کردن اطلاعات متن است. به بیان دیگر به کمک این نشانه‌ها مطلبی به مطلب قبلی متن اضافه می‌شود، مثال:

هوا سرد بود و باد نیز می‌وزید.

هوا سرد بود و باد نیز می‌وزید. صدای رعد و برق نیز حکایت از آن داشت که به زودی باران می‌بارد.

نویسنده، ابتدا جملهٔ اول را می‌نویسد که پیامی دارد. سپس با استفاده از نشانهٔ ربط «و» پیام جمله دوم را به آن می‌افزاید. در ادامه، با استفاده از نشانهٔ «نیز» پیام دیگری را با مطلب قبل همپایه می‌کند. سیر نوشته به این ترتیب پیش می‌رود و متن منسجمی تولید می‌شود.



درس هفتم

نوشته‌های ذهنی (۳) ناسازی معنایی یا تضادّ معنایی



نمایه درس هفتم

عنوان : نوشته‌های ذهنی (۳) ناسازی معنایی یا تضاد معنایی

محتوا : بهره‌گیری از روش خوشه‌سازی در خلق نوشته

متن و تصویر	کارگاه نوشتن	هنجار نوشتار	حکایت نگاری
<p>برای بهره‌گیری از روش خوشه‌سازی ابتدا موضوع در مرکز و هسته نمودار جای می‌گیرد و ضمن تفکر و تأمل درباره موضوع مفهومی متضاد با آن در کنار موضوع ثبت می‌گردد. به شیوه بارش مفاهیم، شاخه‌های اصلی هسته‌ها کامل می‌شود. مفاهیم به دست آمده دستانمایه خلق نوشته‌ای با بهره‌گیری از تضاد معنایی است.</p>	<p>استخراج موضوعاتی که در متن «درحوالی بساط شیطان»، تضاد معنایی دارند و رسم نمودار آن انتخاب موضوع و خلق نوشته‌ای با بهره‌گیری از تضاد معنایی ارزیابی نوشته براساس سنجه‌های درس</p>	<p>آشنایی بیشتر با نشانه‌های تقابلی که بهره‌گیری از آنها موجب انسجام می‌گردد.</p>	<p>بازنویسی حکایتی از گلستان به زبان ساده</p>

اهداف درس



- آشنایی با روش خوشه‌سازی؛
- تقویت توانایی ایجاد شبکه روابط بین مفاهیم؛
- توانایی خلق نوشتن با استفاده از روش تضاد معنایی؛
- درک اهمیت رعایت انسجام در نوشته؛
- آشنایی با نوشته‌های برجسته‌ای که به شیوه تضاد معنایی خلق شده‌اند؛
- ایجاد نگرش مثبت در بهره‌گیری از تضاد معنایی در نوشتن؛
- آشنایی با نقش یکی از ابزارهای زبانی (نشانه ربط تقابلی).

روش‌های تدریس

روش خوشه‌سازی: ذهن ما مثل یک انبار شلوغ و سازمان نیافته است و خوشه‌سازی دری است که به این انبار برای فرد باز می‌کند تا دست خالی برنگردد. خوشه‌سازی در واقع قالبی است برای استفاده از تفکر تصویری. آیا می‌توان تمام عمر منتظر ماند که الهام به درون ذهن راه یابد؟ شاید از خودمان پرسیم باید از کجا شروع کنیم؟ از چه بنویسیم؟ چگونه بنویسیم؟ با استفاده از خوشه‌سازی می‌توانیم آنچه را در ذهن داریم به روی کاغذ بیاوریم.

این روش به ما کمک می‌کند دری به انبار خاطرات، تجربیات، اطلاعات و احساسات سازمان نیافته ذهن باز کنیم. خوشه‌سازی برای نوشتن انواع متن‌های گوناگون (انشا، شعر، خاطره، داستان کوتاه، گزارش کار، ترانه و حتی رمان) کاربرد دارد.

مهم‌ترین نکته در استفاده از این روش، این است که پیش داوری نکنیم و اجازه دهیم خوشه‌سازی کمک رسان فرد شود.

گام یکم: برای نوشتن به روش خوشه‌سازی گام اول، انتخاب هسته است. یک کلمه یا عبارت را می‌توان مرکز ثقل و هسته خوشه در نظر گرفت.

گام دوم: بدون مکث و خودسانسوری، تمام عباراتی را که این هسته به یاد ما می‌آورد، از انبار ذهن خود بیرون می‌کشیم. منبع ما خاطرات، احساسات و تجربیات گذشته ماست. برای این کار، دور کلمه‌ها دایره می‌کشیم و دایره‌ها را با فلش‌هایی به هم وصل می‌کنیم. دلیل استفاده از دایره، طبیعی و پویا بودن مفهوم آن است. در نقاشی‌های کودکان نیز مفاهیم به کمک دایره نشان داده می‌شوند. مربع و مستطیل ساخته‌های دست بشری هستند. فلش نیز به دلیل ساختار خاصی که دارد، باعث جاری شدن تفکرات و ایده‌ها می‌شود. دایره‌های خالی که با فلش به هم مرتبط می‌شوند ذهن را تحریک می‌کنند.

گام سوم: در این مرحله هر یک از واژه‌های سرشاخه در جایگاه هسته قرار می‌گیرند. درحقیقت خوشه‌سازی، تندنویسی تفکر تصویری است.

برای این مرحله، دو تا پنج دقیقه کافی است. به محض اینکه احساسات حاصل از خوشه‌سازی، سرریز ذهنی شد، نوشتن را آغاز می‌کنیم.

گام چهارم

نوشتن خلاق: در پایان به منظور ویرایش نوشته نهایی، آن را با صدای بلند می‌خوانیم.

چند نکته:

* خوشه‌سازی نوعی تندنویسی تفکر تصویری همراه با انتخاب است؛ به هیچ وجه لزومی ندارد که از تمام خوشه‌ها در متن نهائی استفاده شود.

* خوشه‌سازی در واقع مثل ماهی گرفتن است؛ لازم نیست زیاد انتظار بکشیم، چون ماهی همیشه می‌آید. ما باید آماده گرفتنش باشیم. فکر نیز همین خاصیت را دارد.

* خوشه‌سازی با ایجاد هسته، مانند آهنربا مجموعه‌ای از عبارات و کلمات را از نیمکره راست مغز به سوی خود جذب می‌کند.

* کلمات و عباراتی که در خوشه‌سازی تجلی می‌یابند، گاهی موجب شگفت‌زدگی ما می‌شوند. علت این شگفت‌زدگی این است که تفکر مفهومی، ما را مجاب می‌کند که برای هر چیزی علتی منطقی بیایم. پس متعجب می‌شویم، زیرا این کلمات و مفاهیم در حوزه دانسته‌های آگاهانه ما قرار ندارند. به خاطر داشته باشیم:

در هنگام خوشه‌سازی سعی نکنیم تمرکز داشته باشیم. این اغتشاش ظاهری کلمات و عبارات به طور طبیعی الگو خواهد پذیرفت. بیشتر سعی کنیم در جریان خوشه‌سازی غرق شویم. در این وضعیت ما نقش کودکی را داریم که از هراتفاق جدیدی شگفت‌زده می‌شود. انگار ما نیز کودکی شده‌ایم و بازی با ایده‌ها را تجربه می‌کنیم. در طول خوشه‌سازی به دو تجربه و نتیجه بسیار مهم دست پیدا می‌کنیم:

امکان انتخاب

مرکز ثقل: این دو، از ظرفیت‌های بالقوه نوشتن است که با این روش فعالیت می‌یابند و آزاد می‌شوند. در حقیقت پذیرش خوشه‌سازی پذیرفتن یک فن مؤثر در نوشتن خلاق و پذیرش قدرت خلاق طبیعی کودکان (کودک درون) است. در حین این تجربه به این باور می‌رسیم که کم محتواترین کلمات هم تداعی‌های بسیاری دارند.

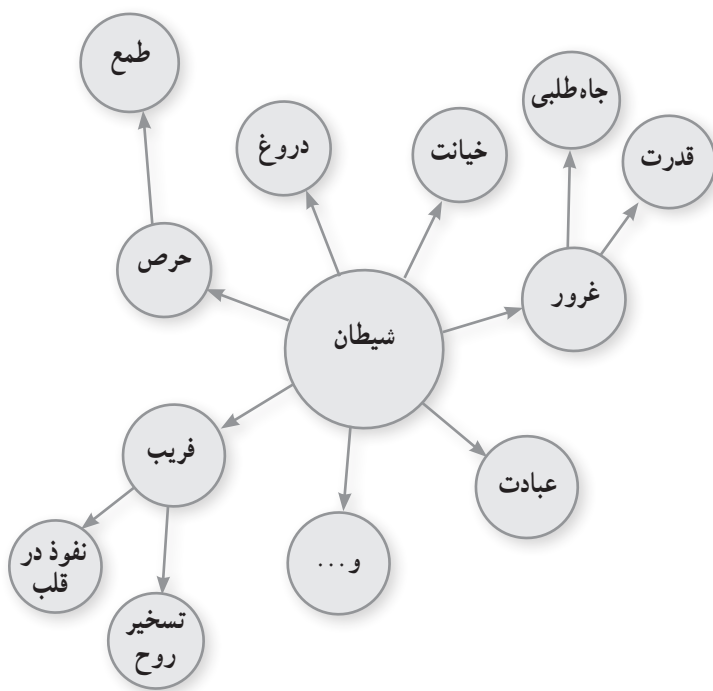
در حقیقت خوشه‌سازی، تندنویسی تفکر تصویری است.

فعالیت ۳

فعالیت ۲

فعالیت ۱

کارگاه نوشتن (فعالیت نگارشی یکم)



— متن ذهنی که با استفاده از تضادّ معنایی (تضادّ مفاهیم) خلق شده است :

❁ بازی «آوا و سکوت» ❁

روزی که درختان سکوت کردند،
 پرندگان کوچک بازیگوش از لابه لای شاخه هایشان به پرواز درآمدند؛
 درختان سکوت کردند.
 اما؛
 پرندگان،
 همان پرندگان بازیگوش را می گویم،
 موسیقی ذهن درختان را به گوش همه رساندند.
 سکوت درختان پر از آواهای شنیدنی بود،
 سکوتی پریها و سرشار از آواز و سرود،
 و در آن آواهایی شنیدنی و نواهایی پر رمز و راز موج می زد.
 یک متناقض نمای تمام عیار!
 سکوت درختان، همه باغ را به بازی گرفته بود؛
 بازی «آوا و سکوت».



آگاهی‌های فرامتنی

هنجار نوشتار

در این درس با ابزار زبانی دیگری آشنا می‌شویم که موجب انسجام متن می‌شود: نشانه ربط تقابلی.

اما، ولی، اگرچه..... ولی، با وجود این،

این نشانه نیز از ابزارهای زبانی انسجام متن است و نقش آن بیان تقابل است، مثال:

کودکانی که گنجینه واژگانی گسترده‌تری دارند از درک متن بالاتری هم برخوردارند. با وجود این، شناخت واژه‌ها به تنهایی نمی‌تواند موجب افزایش درک متن شود.

نویسنده، ابتدا جمله اول را می‌نویسد که پیامی دارد. سپس با استفاده از نشانه «با وجود این» در تقابل با پیام اول، جمله دوم را به آن پیوند می‌زند. معمولاً دانش‌آموزان در کاربرد این نشانه‌ها مشکل دارند و به درستی متوجه نقش آنها نیستند. برای نمونه کلمه «اگرچه» را می‌نویسند اما چرایی آن معلوم نیست و واژه رها شده است و عملاً هیچ پیوند معناداری ایجاد نشده است.



نوشته‌های داستان گونه



نمایه درس هشتم

عنوان : نوشته‌های داستان گونه

محتوا : شناخت عناصر اصلی داستان و خلق نوشته‌های داستان گونه.

متن و تصویر	کارگاه نوشتن	هنگام نوشتار	مَنل نویسی
در این درس به چند عنصر اصلی داستان اشاره شده است : شخصیت پردازی ماجرای داستان فضا روایت (شیوه بیان، زاویه دید) ذکر نمونه‌های داستانی	مشخص کردن عناصر داستان در نمونه ذکر شده. خلق نوشته‌ای داستانی براساس عناصر داستانی. ارزیابی نوشته بر اساس سنجه‌ها	استفاده صحیح از نشانه‌های انسجام متن	بازآفرینی یک مَنل از میان مَنل‌های ارائه شده و گسترش آن

اهداف درس

- آشنایی با داستان گونه نویسی به عنوان یکی از گونه‌های نوشته ذهنی؛
- آشنایی با شخصیت پردازی در نوشته‌های داستان گونه؛
- آشنایی با طرح ماجرا و خلق حادثه؛
- آشنایی با اهمیت فضا سازی در نوشته؛
- تقویت توانمندی در به کارگیری زاویه دید مناسب در نوشته‌های داستان گونه؛
- تقویت توانمندی معرفتی شخصیت‌های داستان با بهره‌گیری از گفت‌وگو؛
- توانایی درک فضای سازی داستان؛
- توانایی خلق شخصیت‌هایی متناسب با فضای داستان؛
- شناخت و درک اهمیت شیوه بیان به عنوان یکی از ارکان روایت؛
- آشنایی با نمونه‌های ارزنده‌ای از داستان کوتاه؛
- آشنایی با نقش ابزار زبانی «نشانه ربط سببی».

روش های تدریس

روش تدریس همیاری گروهی گام نخست: انتخاب داستان

ابتدا داستانی کوتاه را که متناسب با رده سنی دانش آموزان پایه دهم است، انتخاب می کنیم.

سنگ و سنگ تراش

روزی، سنگ تراشی که از کار خود ناراضی بود و احساس حقارت می کرد، از نزدیکی خانه بازرگانی رد می شد. در باز بود و او خانه مجلل، باغ و نوکران بازرگان را دید و به حال او غبطه خورد. با خود گفت: این بازرگان چقدر قدرتمند است! و آرزو کرد که او هم مانند بازرگان باشد. در یک لحظه، به فرمان خدا او تبدیل به بازرگانی با جاه و جلال شد! تا مدت ها فکر می کرد که از همه قدرتمندتر است. تا اینکه یک روز حاکم شهر از آنجا عبور کرد. او دید که همه مردم به حاکم احترام می گذارند، حتی بازرگانان.

مرد با خودش فکر کرد: کاش من هم یک حاکم بودم، آن وقت از همه قوی تر می شدم! در همان لحظه، او تبدیل به حاکم مقتدر شهر شد. در حالی که روی تخت روانی نشسته بود، مردم همه به او تعظیم می کردند. احساس کرد که نور خورشید او را می آزارد و با خودش فکر کرد که خورشید چقدر قدرتمند است.

او آرزو کرد که خورشید باشد و تبدیل به خورشید شد و با تمام نیرو سعی کرد که به زمین بتابد و آن را گرم کند. پس از مدتی ابری بزرگ و سیاه آمد و جلوی تابش او را گرفت. پس با خود اندیشید که نیروی ابر از خورشید بیشتر است و آرزو کرد که تبدیل به ابری بزرگ شود و آن چنان شد. کمی نگذشته بود که بادی آمد و او را به این طرف و آن طرف هل داد. این بار آرزو کرد که باد شود و تبدیل به باد شد. ولی وقتی به نزدیکی صخره ای رسید، دیگر قدرت تکان دادن صخره را نداشت. با خود گفت که قوی ترین چیز در دنیا، صخره است و تبدیل به سنگی بزرگ و عظیم شد. همان طور که با غرور ایستاده بود، ناگهان صدایی شنید و احساس کرد که دارد خرد می شود. نگاهی به پایین انداخت و سنگ تراشی را دید که با چکش و قلم به جان او افتاده است!

گام دوم: توزیع داستان

پس از گروه‌بندی یک نسخه از داستان را در اختیار هر یک از گروه‌ها قرار می‌دهیم.

گام سوم: تعیین وظایف

وظایف افراد در گروه را مشخص می‌کنیم.

نفر یکم: تعیین شخصیت‌های اصلی و فرعی داستان و ثبت آن؛

نفر دوم: نوشتن ماجرای داستان در چند سطر، پس از شنیدن کل داستان؛

نفر سوم: مشخص کردن فضای داستان (فضای دوستانه، غم‌انگیز، شاد، بدخواهانه و...)

نفر چهارم: تعیین زاویه دید داستان و همچنین بررسی شیوه بیان آن (از نظر خبری یا حادثه‌ای

بودن و...).

گام چهارم: انجام دادن کار به صورت انفرادی

داستان توسط اعضا در گروه خوانده می‌شود و هر یک از اعضای گروه، وظایف بخش مربوط به

خود را تحلیل می‌کنند.

گام پنجم: بررسی داستان به شیوه گروهی

در این مرحله هر یک از فراگیران با اعضای گروه، پیرامون عناصری که مورد بررسی قرار

داده‌اند، به بحث و تبادل نظر می‌پردازند.

گام ششم: بررسی داستان در کلاس

سخنگویان هر گروه نتایج به دست آمده را در کلاس مطرح می‌کنند و در صورت نیاز

اصلاحات احتمالی توسط معلم اعمال می‌شود. در صورتی که در مورد هر یک از این مراحل

ابهام وجود داشته باشد آن را نیز معلم برطرف می‌سازد.

گام هفتم: توزیع کار برگ‌ها

در این مرحله به هر یک از گروه‌ها کار برگ زیر تحویل می‌گردد. به آنها می‌گوییم چون قرار است

داستان بنویسید، قبل از شروع، با همفکری نمایه زیر را کامل کنید. سپس بر اساس آن نوشته‌ای

داستان‌گونه خلق کنید.



عناصر داستان

[illegible]

گام هشتم: طرح داستان و نقد و بررسی آن

در این مرحله، ابتدا یکی از اعضای هر گروه جدول عناصر داستان و سپس داستانی را که اعضای گروه براساس آن تهیه کرده‌اند در کلاس ارائه می‌دهند.

گروه‌های دیگر بر اساس سنجه‌های مورد نظر، داستان را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهند.



درنگی در قلمرو فعالیت‌ها

فعالیت ۳

فعالیت ۲

فعالیت ۱

کارگاه نوشتن (فعالیت نگارشی یکم)

شخصیت‌ها : شخصیت اصلی مرد و شخصیت‌های فرعی «کوزه قدیمی» و «کوزه نو».

ماجرا : مردی با دو کوزه برای خانواده‌اش آب می‌برد. یکی از کوزه‌ها سالم و مغرور و دیگری ترک خورده است. کوزه ترک خورده به خاطر نقصی که دارد از مرد عذرخواهی می‌کند. مرد برای او شرح می‌دهد که چون از مشکل کوزه آگاه است در مسیر، بذر گیاه کاشته و از این نقص و کاستی به خوبی بهره برده است.

فضا : داستان روستایی قدیمی و دور افتاده را نشان می‌دهد و قهرمان داستان با سرزندگی و خوش فکری فضایی امیدوارکننده ایجاد کرده است.

روایت : در این داستان از شیوه روایی استفاده شده است.

زاویه دید / داستان : سوم شخص

آگاهی‌های فرامتنی

برای اینکه بتوانیم داستان بنویسیم، لازم است راه و روش آن را بلد باشیم. پس اگر تا حالا سعی کردیم یک داستان خوب بنویسیم ولی نتوانستیم، برای این است که بدون توجه به اصول، شروع به نوشتن کرده‌ایم.

الف) طرح داستان

داستان برای شکل گرفتن و کامل شدن نیاز به زمان دارد و داستان‌نویس در نوشتن آن نباید عجله کند. زیرا موضوعی (سوژه‌ای) که به ذهن شما می‌رسد باید مدتی در ذهنتان باقی بماند تا هم زمینه‌های مختلف آن را مطالعه کنید و هم در مورد عناصر تشکیل دهنده آن بیندیشید. هر داستانی بعد از مدتی، خودش مانند میوه‌ای رسیده، از شاخه ذهنتان جدا می‌شود و روی صفحه سفید دفترتان می‌افتد.

برای این کار داستان باید مراحل زیر را بگذرانند :

۱ موضوع‌یابی

۲ پیام داستان

۳ طرّاحی داستان

۴ رشد و پرداخت داستان

۱ داستان‌نویس قبل از هر چیز باید بداند که قصد دارد درباره‌ی چه موضوعی داستان بنویسد.

۲ از هر موضوعی باید در حدّ خودش انتظار رشد داشت. مثلاً اگر بخواهید رمانی طولانی بنویسید، باید موضوعی را انتخاب کنید که بتوان روی آن بیشتر کار کرد و همچنین نباید با موضوعات بلند، داستان‌های کوتاه بنویسید، زیرا به ورود حوادث پشت سرهم یا ورود شخصیت‌های گوناگون منجر می‌شود و در نتیجه، درست معرفی نمی‌شوند. در این صورت در ذهن خواننده باقی نمی‌ماند و باعث سردرگمی او می‌شوند.

۳ پیام داستان نباید مستقیم بیان شود. بلکه باید مانند قندی که در آب حل شده است، طوری در داستان به خواننده منتقل شود که دیده نشود ولی خواننده در طول داستان شیرینی آن را احساس کند. برای این کار باید در انتخاب شخصیت‌ها، حوادث، گفت‌وگوها و ... بسیار دقت به خرج داد. زیرا هریک از عناصری که در خدمت داستان هستند، می‌توانند پیام را با قدرت بسیار زیاد به‌نمایش بگذارند.

۴ نویسنده برای نوشتن داستانش باید نقشه داشته باشد. نقشه‌ی نویسنده برای نوشتن داستان را «طرح داستان» می‌گویند. پس از آماده و تکمیل کردن طرح داستان است که نویسنده می‌تواند به‌سراغ نوشتن خود داستان برود.

۵ طرح داستان باید روشن و کامل باشد؛ یعنی معلوم باشد که داستان از چه نقطه‌ای شروع شده، چه مسیری را طی کرده و چطور به پایان رسیده است. کمترین توقّعی که خواننده پس از خواندن داستان دارد، این است که بتواند طرح آن را تعریف بکند. یعنی بگوید که داستان درباره‌ی چه کس یا چه چیز بوده، چگونه شروع شده، چطور ادامه پیدا کرده و چطور پایان یافته است.

۶ هر عمل و حادثه‌ای که در داستان اتفاق می‌افتد، باید با دلیل روشن و محکمی همراه باشد و علت بروز آن عمل و حادثه نیز در داستان باید به نحوی روشن باشد.

۷ در هر طرح باید شخصیت اصلی، حادثه اصلی، زمان و مکانی که حادثه در آن روی داده است، کاملاً روشن و مشخص باشند.

۸ طرح داستان باید در خدمت پیام داستان باشد. گاهی اوقات در حین نوشتن و تکمیل کردن طرح داستان، حوادث پرهیجان با شخصیت‌های جالبی به ذهن نویسنده می‌رسد که نه تنها نقشی در انتقال پیام ندارد، بلکه باعث کم رنگ شدن آن نیز می‌شود.

ب) شخصیت پردازی

۱ پرداخت مستقیم ویژگی‌های شخصیت‌ها معمولاً در داستان‌هایی صورت می‌گیرد که تعداد آنها زیاد باشد و نویسنده در طول داستان، مجال پرداخت غیر مستقیم مشخصات آنها را پیدا نکند به همین جهت خصوصیات آنها را در یک یا دو جمله از زبان خود یا از زبان شخصیت‌های داستان بیان می‌کند. در داستان‌هایی که یک یا دو شخصیت اصلی دارند، این کار از قوت داستان می‌کاهد و نویسنده باید غیر مستقیم — یعنی از طریق گفتار و کردار آن شخصیت‌ها — به آنها بپردازد.

۲ در داستان‌هایی که تعداد شخصیت‌ها زیاد است باید خصوصیات آنها را بیان کرد که در داستان نقش اصلی دارند. در غیر این صورت، باعث پراکندگی ذهن خواننده می‌شود.

۳ نباید همه لحظاتی را که بر شخصیت‌های داستان می‌گذرد، با ذکر جزئیات در داستان بیاوریم، بلکه تنها به لحظاتی باید پرداخت که در آن زمان، حوادث خاص — که در طرح داستان نقشی داشته باشند — اتفاق می‌افتد. از لحظات دیگر به راحتی و تنها با اشاره می‌توان گذشت.

۴ داستان‌هایی که از زبان اول شخص تعریف می‌شود، داستان‌های عاطفی و دارای فضای صمیمانه‌اند و داستان‌هایی که از زبان سوم شخص به آنها پرداخته می‌شود، داستان‌های حادثه‌ای هستند و بهتر است که جایگاه این دو رعایت شود.

انواع شخصیت در داستان

شخصیت اصلی: شخصیت اصلی، شخصیتی است که همه حوادث و شخصیت‌ها به معرفی او می‌پردازند. اوست که حوادث مهم را پیش می‌برد و از همه مهم‌تر، سرنوشت و پایان ماجراهای اوست که اهمیت پیدا می‌کند. به چنین شخصیتی، شخصیت اول یا اصلی می‌گویند. به عبارت دیگر، مهم‌ترین شخصیت داستان، شخصیتی محوری است که همه طرح و پرداخت

داستان در جهت معرفی و مشخص کردن سرنوشت او به کار گرفته می‌شود و محوریت حوادث بر رفتار، اعمال، اندیشه و احساسات او قرار می‌گیرد.

شخصیت اصلی، کشمکش خود را با زنجیره‌ای از حوادث پیش می‌برد و ساختار روایی داستان را ایجاد می‌کند. شخصیت اصلی، مهم‌ترین درون مایه، پیام و یا حس داستانی را منتقل می‌کند و دست کم در انتقال آن نقش اساسی دارد.

نمونه‌هایی از شخصیت اصلی در داستان :

در رمان «چشم‌هایش»، از «بزرگ علوی»، «استاد ماکان» شخصیت اصلی و محوری است. در رمان «سرخ و سیاه»، «ژولیان» شخصیت اصلی است. اوست که حوادث را پیش می‌برد و پایان و سرنوشت اوست که برای خواننده اهمیت پیدا می‌کند. «خالد» قهرمان رمان «همسایه‌ها» نوشته «احمد محمود» شخصیت اصلی است. «بابا سبحان» در «آوسنه باب سبحان» اثر «محمود دولت آبادی»، «آهو خانم» در «شوهر آهو خانم» از «علی محمد افغانی»، «مرسو» در «بیگانه» اثر «آلبر کامو»، و «اما بوواری» در «مادام بوواری» اثر «گوستاو فلوربر» نمونه‌هایی از صدها نمونه شخصیت اصلی داستان‌ها هستند که می‌توان از آنها نام برد.

فردی که در مرکز داستان کوتاه، رمان، نمایشنامه و فیلم‌نامه قرار می‌گیرد و نویسنده سعی می‌کند که توجه خواننده یا بیننده را به او جلب کند، «شخصیت اصلی» است. «شخصیت اصلی»، گاهی مترادف «قهرمان اصلی» می‌آید، گرچه ضرورتی ندارد که شخصیت اصلی همیشه خصوصیت‌های قهرمانی داشته باشد.

شخصیت اصلی، خوب یا بد، همواره با نیرویی معارض به کشمکش برمی‌خیزد. از وقتی که «کشمکش میان شخصیت اصلی با معارضش» آغاز می‌شود «پیرنگ داستان» شکل می‌گیرد. در داستان «داش آکل» نوشته «صادق هدایت»، «داش آکل»، شخصیت اصلی داستان و «کاکا رستم» شخصیت مخالف اوست، که این‌ها در برابر هم قرار می‌گیرند.

شخصیت‌های پویا و ایستا : یکی از انواع تقسیم‌بندی‌های شخصیت، شخصیت‌های ایستا و شخصیت‌های پویا (متحول) است.

شخصیت / ایستا : شخصیتی است که در داستان تغییر نکند یا تغییرش اندک باشد و در پایان داستان همان باشد که در آغاز بوده است، طوری که حوادث داستان بر او تأثیر نگذارد. برای نمونه

«خورشید شاه» قهرمان داستان «سمک عیار» با همه تحولاتی که پشت سر می‌گذارد باز در پایان داستان همان شخصیت آغاز قصه را دارد.

شخصیت پویا: شخصیتی است که مدام در طول داستان، دچار تغییر و تحول شود و جنبه‌ای از شخصیت او، (عقاید، جهان‌بینی یا خصلت و خصوصیات شخصی) دگرگون شود. این دگرگونی در شخصیت ممکن است عمیق، سطحی، پیش‌پا افتاده، پر دامنه یا محدود باشد. ممکن است در جهت سازندگی شخصیت‌ها یا تخریب و ویرانگری آنها عمل کند یعنی در جهت متعالی کردن فرد یا در زمینه تباهی و نابودی او پیش برود. این تغییر، اساسی و حائز اهمیت است و تغییر لحظه‌ای و زودگذر نیست که حالت یا عقیده شخص را دگرگون نماید.

شاهکارهای ادبی اغلب دارای شخصیت‌های پویا هستند. شخصیت‌های آنها در سیر حوادث تغییر و تحول می‌یابند. در واقع از قانون طبیعت و زندگی بشری پیروی می‌کنند و متحول می‌شوند. انسان چون موجودی پویاست. وقایع و اوضاع اجتماعی باعث تغییر در ابعاد شخصیتی او می‌گردد و او را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

رمان، نمایشگر این تغییر و دگرگونی است. البته در هر داستانی نمی‌توان انتظار تحول شخصیت‌ها را داشت. در داستان کوتاه، مجالی برای این امر نیست. به همین دلیل اغلب شخصیت‌های داستان کوتاه ممکن است شخصیت‌های ایستایی باشند که در طول داستان خصوصیات ثابت یا کم تغییر دارند.

در داستان‌های بازاری، جنایی و پلیسی تغییرات در شخصیت‌ها اغلب سرسری، کاذب و ناگهانی است و صرفاً برای رضایت خواننده و داشتن پایان خوش است که این تغییرات صورت می‌گیرد. این چنین تغییرات، کمتر باورکردنی و معقول به نظر می‌رسد. برای قانع کردن خواننده باید سه عامل مهم، یعنی امکانات شخصیت، اوضاع و احوال و مقتضیات زیستی محیط و زمان را در نظر گرفت. تغییر و تحول شخصیت باید سه اصل را داشته باشد:

- تغییرات و دگرگونی‌ها باید در حد امکانات شخصیتی باشد که این تغییرات را موجب می‌شود.
- تغییرات باید معلول اوضاع و احوالی باشد که شخصیت در آن واقع است.
- زمان کافی برای اجرای این تغییرات وجود داشته باشد تا به تناسب درجه اهمیت آن تغییرات، باورکردنی جلوه کند.

پس تغییر باید اساسی صورت گیرد و زمان در آن بسیار مهم است. چرا که تغییر ناگهانی برای خواننده باورکردنی و واقعی نیست.

شخصیت قالبی: شخصیت‌هایی هستند که به صورت نسخه بدل یا کلیشه‌ای شخصیت‌های دیگرند. شخصیت‌های قالبی از خود هیچ تشخصی ندارند و بی‌هویت‌اند. ظاهر آنها آشنا و صحبت‌های آنها قابل پیش‌بینی است. طرز عمل و نوع رفتارشان مشخص است. چرا که ما از قبل با الگوی رفتاری آنها آشنا شده‌ایم.

این نوع شخصیت‌ها در اطراف ما بسیارند و در زندگی روزمره به چشم می‌خورند. متمایزترین آنها شخصیت‌هایی هستند که به شخصیت قالبی و ساختگی خود، جنبه حرفه‌ای و کسب و کار داده‌اند، مثل منشی‌ها. معمولاً از گفتار و طرز رفتار شخصیت‌های ساختگی (مثل افراد روشنفکرنا، مقدس‌مآب، مظلوم‌نما) به خصوصیت‌های قالبی شخصیت آنها پی می‌بریم.

نویسندگانی که بیش از حد به شخصیت‌های قالبی و شناخته شده روی می‌آورند، چندان به خود زحمت نمی‌دهند که به دنبال شخصیت‌های واقعی باشند و به همین دلیل نمی‌توانند شخصیت‌های زنده‌ای بیافرینند. یکی از دلایل این امر را می‌توان کمبود استعداد هنری در خلق شخصیت‌ها دانست. به همین دلیل نویسنده نمی‌تواند شخصیتی را که دارای انسجام کافی باشد خلق نماید. در این گونه آثار، همه شخصیت‌ها به هم شباهت دارند و به آسانی می‌توان آنها را به آثار دیگر منتقل کرد. در آثار نویسندگان بزرگ از شخصیت‌های قالبی اثری دیده نمی‌شود. برای نمونه در «جنگ و صلح» تولستوی پانصد و پنجاه شخصیت وجود دارد و هر کدام از آنها انسانی یگانه و منحصر به فرد است.

شخصیت‌های قرار داده‌ای: این گونه شخصیت‌ها افراد شناخته شده‌ای هستند که مرتباً در نمایشنامه‌ها و داستان‌ها ظاهر می‌شوند و خصوصیتی جا افتاده و سنتی دارند. این نوع شخصیت‌ها به شخصیت‌های قالبی بسیار نزدیک‌اند و گاه تشخیص این دو از هم دشوار است.

اولین بار این شخصیت‌ها در نمایشنامه‌های کلاسیک ظاهر شده‌اند و در تئاترهای یونان باستان و بعدها در دیگر انواع ادبی جایی برای خود باز کرده‌اند. در قصه‌های قدیمی غول‌ها، پری‌ها، جادوگرها، آدم‌های خسیس و آدم‌های سخاوتمند شخصیت‌های قراردادی بودند که در توصیف خصوصیت‌های آنها مبالغه می‌شد.

از دیگر شخصیت‌های قراردادی در گذشته پهلوانان، عیارها، وزیران دست راست و دست چپ و دلقک‌ها را می‌توان نام برد. هر کدام از این شخصیت‌ها مظهر و نمادی از یک رفتار بودند. مثلاً پهلوانان طرفدار عدل و راستی و عیارها مظهر جوانمردی و طرفدار قشر محروم جامعه بودند. در داستان «حاجی‌آقا» اثر صادق هدایت، الگویی از شخصیت‌های قراردادی گذاشته است و حاجی شخصیتی خسیس نشان داده شده است. از خصوصیات شخصیت‌های قراردادی، تازه نبودن خصایص آنهاست و به همین دلیل ما از دیرباز با آنها آشنا هستیم و می‌توانیم رفتار و گفتار آنها را حدس بزنیم.

شخصیت‌های نوعی : این نوع شخصیت نشان‌دهنده خصوصیات گروه یا طبقه‌ای از مردم است که این خصوصیت‌ها آنها را از دیگران متمایز می‌کند. برای خلق چنین شخصیتی «باید حقیقت را از چند نمونه زنده و واقعی گرفت» و بعد آنها را با مهارت و هنرمندی درهم آمیخت تا بتوان به شخصیت نوعی مورد نظر دست یافت. شخصیت‌های نوعی، همچون شخصیت‌های قراردادی نیازمند وام‌دار کیفی سنت‌های ادبی نیستند. ممکن است خصلت یا رفتار تازه گروهی یا طبقه خاصی را نشان دهند که در ادبیات سنتی مانند آنها نباشد، مثل خصوصیت‌های نوعی وکیل‌های حيله‌گر و مکار. اگر در طی زمان خصوصیت‌های نوعی دستخوش تغییر و دگرگونی شوند و مصداق خود را از دست بدهند، دیگر نمی‌توان این شخصیت‌ها را نوعی حساب کرد، بلکه در حیطه شخصیت‌های قراردادی از آنها یاد می‌شود.

پ) نام داستان : اسم داستان باید جدید، جاذبه برانگیز و خوش آهنگ باشد. اسم داستان نباید طرح داستان را لو بدهد و همچنین باید در ارتباط منطقی با فضای داستان باشد .
بهتر است اسم داستان‌تان را در آخر انتخاب کنید؛ زیرا در طول نوشتن داستان، ذهن شما داستان را تغییر می‌دهد و داستانی که در ابتدا قصد داشتید بنویسید همانی نیست که حالا نوشته‌اید.
(داریوش عابدی، پلی به سوی داستان نویسی)

نمونه‌هایی از روش‌های انتخاب نام داستان



دیدگاه : دیدگاه به معنی زاویه دید را نباید با اعتقاد یا نظر فرد اشتباه گرفت. زاویه دید، نقطه‌ای است که کار از آن نقطه مشاهده می‌شود.

انواع زاویه دید :

- اول شخص (من یا ما)
- دوم شخص (تو یا شما)
- سوم شخص (او یا آنها)

نمونه برای دوم شخص : سوار ماشینت می‌شوی و می‌بینی باقی مانده غذاها هنوز روی صندلی جلو باقی مانده است. همان موسیقی مخصوص برنامه ساعت نه پخش می‌شود.

نمونه برای سوم شخص : از میان جمعیت منتظر برای قطار به سختی خود را بیرون کشید. از پله‌های برقی بالا رفت. احساس سبکی می‌کرد. ناگهان به باد آورد که کیف لب تاپش را در قطار جا گذاشته است.

نمونه برای *اول شخص*: با احتیاط شیشه را پایین کشیدم. پانصد تومانی کهنه را از لای شیشه بیرون انداختم. دخترک دستان یخ‌زده خود را بالا برد.

معمول‌ترین دیدگاه در ادبیات معاصر، *اول شخص* و *سوم شخص* است.

هنجار نوشتار

نشانه ربط سببی از دیگر ابزارهای زبانی متن است که موجب انسجام میان گزاره‌های متن می‌شود. نشانه ربط سببی مانند:

چون، زیرا، بنابراین، به همین سبب/دلیل، از آنجایی که،

این نشانه، دلیل و علت را بیان می‌کند. نویسنده مطلبی را می‌نویسد و با استفاده از نشانه سببی، چرایی آن را به جمله قبل یا بعد خود پیوند می‌زند، مثال:

مرد سوار دلش به حال او سوخت چون آن مرد افلیج بود. به همین دلیل از اسب پیاده شد و به او کمک کرد تا روی اسب بنشیند.

چنانکه ملاحظه می‌شود، سیر جمله‌ها با استفاده از نشانه ربط سببی پیش می‌رود و به این ترتیب نوشته انسجام خواهد داشت.



کتابنامه

- ادبیات داستانی، شماره پنجم، تهران، سخن، ۱۳۸۶.
- استفاده از الگوی بدیعه پردازی در درس انشا، الهامی، محسن، تهران، نشر سهیل پویش، ۱۳۸۱.
- آموزش مهارت‌های نوشتاری (نگارش و انشا)، کتاب درسی پایه نهم، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۴.
- آوای نام‌ها از ایران زمین، زنگنه، پری، چاپ دوم، تهران: کتابسرا، ۱۳۷۶.
- ایده‌ی خلاق، دو بونو، ادوارد، ترجمه بنفشه آشنا قاسمی، تهران، نشر ایران بال، ۱۳۸۹.
- بوی درخت گویا و مصاحبه با مارکز، مندوزا، پلینو، مترجم صفیه روحی، تهران: نشر نو، ۱۳۸۹.
- بیابید داستان بنویسیم، میرکیانی، مهدی، چاپ اول، تهران: نشر طلایی، ۱۳۹۴.
- بیست و هشت اشتباه نویسندگان، جودی دلتون، مترجم سلیمانی، محسن، تهران، انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۰.
- پرورش استعداد همگانی ابداع و خلاقیت، الکس اس. اسبورن، مترجم قاسم‌زاده، حسن، انتشارات نیلوفر، چاپ سوم، ۱۳۷۵.
- پلی به سوی داستان نویسی، عابدی، داریوش، ۱۳۷۸.
- پنج داستان، آل احمد، جلال، تهران: نشر فردوس، ۱۳۷۶.
- تفکر خلاق، ووجک، تام، مترجم: پزشک پور، مهین‌دخت، تهران نشر ساز و کار، ۱۳۸۱.
- چشم ذهن، سیگل، دانیل جی، ترجمه دانایی، فروغ، تهران، نشر ذهن آویز، چاپ دوم، ۱۳۹۰.
- چگونه بنویسیم؟ از خواندن تا نوشتن، نجفی بازکی، معصومه، تهران، انتشارات مدرسه، ۱۳۹۴.
- خلاقیت رویکردی سیستمی، صادقی‌المیری، منصور، تهران، انتشارات امام حسین علیه‌السلام، ۱۳۸۶.
- خلاقیت و نوآوری با نگرش سیستمی، آقایی فیشانی، تیمور، کتاب طلایی جامع، تهران، چاپ دوم ۱۳۸۹.
- داستان نویسی، اینگرمسن، رندی و اکونومی، پیتر، ترجمه کاظمی‌منش، سارا، آوند دانش، ۱۳۹۲.
- درس‌هایی درباره داستان نویسی، بیشاب، لئونارد، محسن سلیمانی، سوم، تهران، سوره، ۱۳۸۲.
- دفتر خاطرات حیوانات، غفاری، علیرضا، انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۰.
- دو کلمه حرف حساب، گزیده‌ای از طنزهای گل آقا، نشر گل آقا، ۱۳۷۴.
- دولت آبادی، محمود: جای خالی سلوچ، تهران: آگاه، ۱۳۵۸.
- راهنمای روش‌های نوین تدریس، آفازاده، محرم، تهران، نشر آبیژ، ۱۳۹۱.
- راهنمای تدریس، مرتضوی زاده، حشمت الله، تهران، نشر عابد، چاپ پنجم، ۱۳۹۲.
- رهیافتی منسجم به پرورش تفکر خلاق و انتقادی، بوسترام، رابرت، مترجمان مجید خیام آور، محمد آرمند، تهران، انتشارات مدرسه، ۱۳۹۰.

- روزبه، محمد رضا، ادبیات معاصر ایران، سوم، تهران، روزگار، ۱۳۸۷.
- روش‌ها و فنون تدریس، احمدزاده و دیگران، انتشارات پیام‌نور.
- روش‌ها و فنون تدریس، خورشیدی، عباس، تهران، نشر یسپرون، ۱۳۸۱.
- روش‌های نوین یاددهی - یادگیری و کاربرد آنها در آموزش، اکبری شلدره، فریدون، قاسم پورمقدم، حسین و علیزاده، فاطمه صغری، تهران، انتشارات فرتاب، ۱۳۸۸.
- صداهایی برای نوشتن، آواهایی برای نوشتن، اکبری شلدره، فریدون، انتشارات روزگار، تهران، ۱۳۹۴.
- صدسال داستان نویسی ایران، ج ۳، میرعابدینی، حسن ۱۳۷۸.
- طنزآوران امروز ایران ۱ (مجموعه آثار منوچهر احترامی)، فرشادمهر، فریبا، سوره مهر، ۱۳۸۷.
- عناصر داستان، میرصادقی، جمال، اول، تهران، سخن، ۱۳۸۵.
- عناصر داستان، اسکولز، رابرت، فرزانه طاهری، اول، تهران، مرکز، ۱۳۷۷.
- غلط نویسیم، نجفی، ابوالحسن، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۰.
- قدرت خلاقیت در حل مسائل طوفان فکر و سایر تکنیک‌ها، کیانی، منوچهر، تهران، نشر مرنديز، چاپ اول، ۱۳۸۸.
- قصه نویسی، برهنی، رضا، چهارم، تهران، البرز، ۱۳۶۸.
- لوازم نویسندگی، ابراهیمی، نادر، چاپ اول، تهران: نشر فرهنگیان، ۱۳۶۹.
- ما نیز مردمی هستیم، چهل تن، امیرحسین و فریاد، فریدون، تهران، ۱۳۸۰.
- مثنوی معنوی، مولانا جلال‌الدین محمد، انتشارات ققنوس، ۱۳۸۵.
- مجموعه مقالات: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، نشریه داخلی، شماره ۵۰، پروفیسور امین، سید حسن، اردیبهشت ۱۳۸۷.
- مهارت نوشتن گزارش و طرح، فورسایت، باتریک، ترجمه علیرضا جواهری، تهران: نشر عارف، ۱۳۸۹.
- مهارت‌های آموزشی و پرورشی، شعبانی، حسن، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۶.
- نوشتن خلاق، ریکو، گابریله، ال، مترجم گروه ترجمه، کارگاه نوشتن خلاق برلن، نشر آیه، چاپ دوم، تهران، ۱۳۹۱.
- هزار و یک پیشنهاد درخشان برای نویسندگی، شاو، رن، مترجم مریم جلالی، تهران، افراز، ۱۳۹۲.

